



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



معاشرت زنان و مردان
از دیدگاه اسلام

حسن صادقی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام

نویسنده:

حسن صادقی زفره

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام
۶	مشخصات کتاب
۶	دیباچه
۶	پیش‌گفتار
۸	فصل اول: کلیات
۱۰	فصل دوم: دیدگاه‌های گوناگون درباره معاشرت مردان و زنان
۲۲	فصل سوم: اسلام و روش‌های معاشرت
۳۹	فصل چهارم: همراه با برنامه‌سازان
۴۴	کتاب‌نامه
۴۶	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: صادقی زفره حسن عنوان و نام پدیدآور: معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام حسن صادقی زفره منشا مقاله: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲ توصیفگر: حق زوجیت توصیفگر: حقوق خانواده توصیفگر: روابط بین فردی توصیفگر: زنان توصیفگر: مردان

دیباچه

معاشرت و مصاحبت انسان‌ها در جوامع گوناگون یکی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی است که بدون آن، امکان ادامه حیات و قرار گرفتن در مسیر کمال وجود ندارد؛ زیرا در این صورت، آدمی به انزوای مطلق کشیده می‌شود و در همه عرصه‌های زندگی شکست می‌خورد. روشن است که معاشرت انسان‌ها با همدیگر آداب و احکام ویژه‌ای دارد که هر کس موظف است آن را بیاموزد و در روابط خود با اطرافیان به کار گیرد. در این میان، معاشرت زنان و مردان به‌ویژه آن‌گاه که نامحرم و بیگانه باشند، حساسیت خاصی دارد و رعایت آداب و احکام ویژه‌ای را از سوی دو طرف می‌طلبد. به کارگیری یا ترک این آداب و احکام می‌تواند بر حسن روابط، تأثیر مثبت و منفی بگذارد برکت‌ها یا آسیب‌های خود را بر پیکر فرد، خانواده و جامعه وارد آورد. پژوهشگر ارجمند، جناب آقای حسن صادقی در این نوشتار بر آن است تا با تأکید بر ضرورت معاشرت و بیان شیوه‌های ارتباط، به آسیب‌شناسی آن و راه‌های پیش‌گیری از پیدایش این آسیب‌ها بپردازد و دیدگاه‌های گوناگونی را که درباره معاشرت زنان و مردان وجود دارد، نقد و بررسی کند. نویسنده کوشیده است با استفاده از دو منبع قرآن و سنت، دیدگاه اسلام را در زمینه معاشرت و مسایلی چون نگاه، حجاب، گفت‌وگو، دست دادن و بهره‌برداری‌های جنسی بررسی و در مقابل دو دیدگاه افراطی و تفریطی، از راه اعتدال دفاع کند. نظریه‌های حبس زن در خانه یا رهاسازی او در کوی و برزن، دو دیدگاهی هستند که هم بر زن و هم بر مرد ستمی بزرگ روا داشته‌اند. از نظر اسلام، زن نه شیئی از اشیاء خانه است که در آن محبوس گردد و نه شیء مبتدلی است که به صورت رایگان در دسترس همگان قرار گیرد، بلکه شخص ارزشمندی است که در محیط خانه و خانواده، نقش مهم و حساسی را ایفا می‌کند و در صحنه اجتماع، با رعایت متانت، به فعالیت‌های اجتماعی می‌پردازد. به امید روزی که زنان و مردان جهان هر یک در جایگاه واقعی خود که با فطرت خدادادی و ویژگی‌های جسمانی و روانی‌شان هم‌آهنگی دارد، قرار گیرند تا به حقوق الهی - انسانی خویش دست یابند و از هر گونه افراط و تفریط در این زمینه بپرهیزند. این اثر حاصل همکاری علمی مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره) و آموزشی کارشناسان مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما است که توسط آقای حسن صادقی به نگارش درآمده است. با سپاس از ایشان و کارشناسان مرکز، امیدواریم در پرتو همکاری علمی میان مراکز علمی، شاهد آرایه آثار بهتر به برنامه‌سازان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران باشیم. آنه ولی التوفیق اداره کل پژوهش مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

مسأله معاشرت و ارتباط زن و مرد مسأله تازه‌ای نیست که امروز مطرح شده باشد، بلکه پیشینه‌ای به قدمت تاریخ دارد و در طول دوران زندگی انسان، دستخوش دگرگونی‌های بسیاری گشته است. گاهی زن را کالا - می‌پنداشتند و گاهی هر نوع ارتباط و معاشرتی آزاد بود و هیچ قیدوبندی در کار نبود زمانی نیز زن را در کنج خانه و دور از جامعه نگاه می‌داشتند و ارتباط با وی،

رفتاری پلید به شمار می‌رفت. مردان، زن را مخلوقی شیطان صفت می‌پنداشتند و دوری از او را بر خود واجب می‌دانستند و عقیده داشتند که زناشویی برای مردم عادی، امری غریزی است و اگر مرد بتواند ازدواج نکند، پرهیزگارتین افراد است. در این میان، پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا بین افراط و تفریط، راه میانه‌ای می‌توان یافت یا نه؟ در این نوشتار با بهره‌گیری از آیات قرآن مجید و روایات اهل بیت علیهم‌السلام می‌کوشیم به این پرسش، پاسخی در خور دهیم. ضرورت بحث جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، از مرد و زن تشکیل شده است که برای ادامه زندگی اجتماعی خود ناچارند باهم معاشرت داشته باشند. این پژوهش در جست‌وجوی حد و مرز معاشرت زنان و مردان از دیدگاه قرآن و روایات و بررسی دیدگاه اسلام درباره ارتباط خردمندانه و جایز محارم - به جز زن و شوهر - و ارتباط عاقلانه و جایز غیر محارم است. می‌دانیم که تهاجم فرهنگی دشمن با هدف نابودی فرهنگ غنی اسلامی چنان گسترش یافته است که نمی‌توان درها را بر روی آن بست؛ زیرا فرهنگ مهاجم چون مهمان ناخوانده در پناه فن‌آوری جدید، به اندرونی همه سرزمین‌ها سر می‌کشد. البته این سخن به معنای زیر سؤال بردن فن‌آوری نیست؛ زیرا با استفاده بهینه از تکنولوژی می‌توان به اهداف بلند انسانی دست یافت، ولی متأسفانه بشر متمدن این روزگار از این ابزار کارآمد در راه گسترش فساد و فحشا استفاده می‌کند. با نگاهی به تمدن غرب که لذت‌گرایی را محور تلاش‌های اجتماعی خود قرار داده است، به این نکته پی می‌بریم که آن‌ها مفاهیم غیردینی در این بخش را آن‌چنان رواج داده‌اند که در همه آثار ادبی، فرهنگی و هنری‌شان اعم از کتاب‌ها، تابلوهای نقاشی و مجسمه‌ها خودنمایی می‌کند. الگوهایی که تمدن غرب در قالب فیلم از طریق رسانه‌های جمعی به‌ویژه اینترنت و ماهواره ارایه می‌دهد، بیانگر این واقعیت است که تهاجم جدی است و ایستادگی در برابر آن، ضرورتی انکارناپذیر. در این میان، شناخت دقیق و صحیح معارف اسلامی بهترین راه ایستادگی در برابر این تهاجم همه‌جانبه است. پیشینه و روش پژوهش نگفته آموزه‌های کتاب‌های آسمانی مانند: عهد عتیق و جدید و کتیبه‌های به جا مانده از دوران تاریخی مصر و یونان باستان بیانگر اهمیت این مسأله است. کتاب‌های آسمانی با ارایه راه کارهای در ارتباط با حجاب و نگاه، به این موضوع توجه کرده‌اند. در قرآن مجید، روایات، بحث فقیهان و علمای اخلاق و منابع تفسیری شیعه و سنی نیز با دقت و ظرافت به این موضوع پرداخته شده است. در این پژوهش که به روش کتاب‌خانه‌ای سامان یافته است، تفسیر قرآن به قرآن را محور بحث قرار داده‌ایم؛ زیرا خود قرآن مجید، روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام و علمای بزرگ مسلمان هم چون علامه طباطبایی رحمه‌الله بدان سفارش کرده‌اند. با توجه به این که دیگر روش‌ها از جمله روش تفسیر روائی و تفسیر ادبی و تفسیر تاریخی در طول روش اصلی قرار دارند، در پاره‌ای موارد، روش‌های یاد شده را نیز به کار برده‌ایم. با استفاده از این روش‌ها، احکام الهی را از آیات نورانی قرآن استخراج و در بررسی موضوع‌هایی هم چون نگاه و حجاب از روش استنباطی فقیهان پیروی کرده‌ایم. برای بیان حکم شرعی یک مسأله، ابتدا آیه‌ای از قرآن مجید که به آن مسأله پرداخته، مطرح می‌کنیم و در ادامه، روایات اهل بیت علیهم‌السلام را به عنوان نکات تفسیری می‌آوریم تا حکم الهی به دست آید. چون در بخشی از آیات مورد نظر، روش تفسیر قرآن به قرآن عملی نیست، برای تفسیر و توضیح آیات از دیگر روش‌های یاد شده بهره گرفته‌ایم. کتاب‌هایی که درباره موضوع پژوهش یا قسمتی از آن نوشته شده، به چهار دسته تقسیم می‌شود: ۱- منابع و کتاب‌های تفسیری که در ذیل آیات ویژه «حجاب» و «نگاه» به این موضوع پرداخته‌اند. ۲- کتاب‌های فقهی و روایی که با استفاده از آیات و روایات و دلایل دیگر و بیان مسایل شرعی، این موضوع را بررسی کرده‌اند. ۳- کتاب‌هایی که به طور مستقل از این پژوهش پرداخته‌اند: الف) رساله فی وجوب النقاب و حرمة الشراب (درباره پوشش و حجاب زنان و حرام بودن مشروبات مست‌کننده که میرزا محمدصادق فخرالاسلام آن را در سال ۱۳۲۹ ه. ق نوشته است. ب) کتاب حکمة الحجاب و ادلة النقاب نوشته اسدالله موسوی خوانساری (۱۳۲۴ ه. ق). ج) المرأة فی الاسلام و الحجاب نوشته محمد حمدی افندی (۱۳۲۹ ه. ق). د) مسأله حجاب (مجموعه سخنرانی‌های استادشهید مرتضی مطهری). ۴- کتاب‌هایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از کتاب‌های فقهی و حدیثی و بیان مسایل فقهی ارتباط و معاشرت، به «حجاب» و «نگاه»

پرداخته‌اند. در این کتاب‌ها، جمع‌بندی کلی و اساسی وجود ندارد. در این زمینه، غیر از موارد یاد شده و چند مقاله با عنوان‌های مشابه موضوع مورد بحث، کتاب مستقلی در این زمینه یافت نشده است. در این پژوهش، نخست با مفهوم معاشرت و ارتباط آشنا می‌شویم و آسیب‌شناسی آن را از نظر می‌گذرانیم. در فصل دوم، در سه گفتار به دیدگاه‌های مطلق‌نگرانه درباره آزادی یا محدود کردن ارتباط زنان و مردان و هم‌چنین دیدگاه اسلام نسبت به این موضوع می‌پردازیم. در فصل سوم، در طی چهار گفتار روش‌های گوناگون ارتباط و حکم فقهی آن‌ها را در نگاه اهل سنت و تشیع جست‌وجو خواهیم کرد. در فصل پایانی نیز همراه با برنامه‌سازان ارجمند، نکته‌هایی را در زمینه گسترش فرهنگ اسلام ارتباط و معاشرت به وسیله رسانه ملی صداوسیما می‌آوریم.

فصل اول: کلیات

مفهوم معاشرت معاشرت در لغت معاشرت مصدر باب مفاعله از ریشه «عشرة» است که اهل لغت، آن را مصاحبت، همراهی و هم‌صحبتی معنا کرده‌اند. ۱. در قرآن مجید، معاشرت و واژه‌های هم‌خانواده آن به معنای رفتار، ۲. مصاحب، همراه، ۳. خویشاوند آمده است. این کلمه در روایات فراوانی به کار رفته است که به عنوان نمونه چند روایت را یادآور می‌شویم: علی علیه‌السلام فرموده است: «عِمَارَةُ الْقُلُوبِ فِي مُعَاشَرَةِ ذَوِي الْعُقُولِ؛ آبادانی دل‌ها در نشست و برخاست با خردمندان است». ۵. در روایتی دیگر آمده است: «مُعَاشَرَةُ الْأَبْرَارِ تُوجِبُ الشَّرَفَ؛ معاشرت با نیکان سبب بزرگی و شرف است». ۶. در این روایات، کلمه معاشرت به معنای نشست و برخاست و زندگی کردن با همدیگر آمده است. ۱. سعید الخوری الشرتونی، القرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، ج ۲، ص ۷۸۴. ۲. «وَ عَاشِرْتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ با زنان به نیکی رفتار کنید». نساء: ۱۹. ۳. «يَدْعُوا لِمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَيْسَ الْمَوْلَى وَ لَيْسَ الْعَشِيرُ؛ کسی را می‌خواند که زیانش از سودش نزدیک‌تر است. وه! چه بد باور و چه بد همراهی!». حج: ۱۳. ۴. «قل ان كان اباؤکم و ابنائکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم؛ و... بگو: اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما...». توبه: ۲۴. عشیره در این آیه به معنای خاندان و خویشاوندان آمده است. ۵. عبدالاحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: محمدعلی انصاری، قم، سازمان چاپ و صحافی دارالکتاب، ج ۲، ص ۵۰۰، ح ۲۸. ۶. همان، ص ۷۶۰، ح ۵۶. معاشرت در اصطلاح معاشرت در این نوشتار، هرگونه نشست و برخاست و زندگی کردن زنان و مردان با یکدیگر و اختلاط زن و مرد در جامعه است. شیوه‌های ارتباط و معاشرت ارتباط و معاشرت، انواع گوناگونی دارد که در یک دسته‌بندی، به حضوری و غیرحضوری تقسیم می‌شود. الف) ارتباط حضوری ارتباط حضوری، انواعی دارد که به آن‌ها اشاره می‌کنیم: ۱- نگاه کردن؛ ۲- صحبت کردن؛ این دو نوع باید گفت آسان‌ترین اقسام ارتباط و معاشرت به شمار می‌رود که در ارتباط حضوری مطرح می‌شوند. ۳- دست دادن و تماس فیزیکی؛ ۴- آرمیدن کنار همدیگر و بهره‌برداری جنسی. ب) ارتباط غیرحضوری اقسام ارتباط غیرحضوری از این قرار است: ۱- نامه‌نگاری؛ ۲- گفت‌وگوی تلفنی؛ ۳- ارتباط نت میتینگ ۱ که با به کارگیری رایانه و ارتباط با شبکه جهانی (اینترنت) برقرار می‌شود؛ ۴- ارتباط تلویزیونی که به صورت ارتباط کابلی (مدار بسته) یا از راه شبکه‌های تلویزیونی برقرار می‌گردد. ۱. Net Meeting. ضرورت معاشرت اکنون با بررسی آیات قرآن، روایات و سخن اندیشمندان، به این پرسش، پاسخ خواهیم داد که آیا معاشرت برای انسان ضرورت دارد یا نه؟ ضرورت معاشرت از دیدگاه قرآن قرآن مجید درباره ضرورت زندگی اجتماعی می‌فرماید: أَهْمُ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَ رَحِمْتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ. (زخرف: ۳۲) آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟! ما معیشت آن‌ها را در زندگی دنیا در میان‌شان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی دیگر برتری دادیم تا یکدیگر را درک (و با یکدیگر همکاری) کنند. و رحمت پروردگارت از تمام آن‌چه جمع‌آوری می‌کنند، بهتر است. کاشانی در تفسیر این آیه می‌نویسد: مسخر و رام کردن در عمل به این معناست که با همدیگر همکاری می‌کنند. یکی با مال دیگری را کمک کند و دیگری با کار... به این وسیله، مهمات ایشان ساخته می‌شود و

زندگی آن‌ها پرداخته می‌گردد و موجب ائتلاف و استیناس همه ایشان شود. ۱. خدای متعال در این آیه شریفه، به صراحت، ضرورت اجتماعی بودن انسان را بیان می‌فرماید و با اشاره به اصل استخدام که لازمه آن، حضور تمام انسان‌ها در اجتماع است، بر لزوم معاشرت تأکید می‌کند. علامه طباطبایی رحمه‌الله در تفسیر این آیه می‌نویسد: زیاد بودن نیازهای انسان در زندگی دنیایی او به گونه‌ای است که نمی‌تواند تمام آن‌ها را خودش به تنهایی برطرف کند. او نیازمند زندگی اجتماعی است تا به وسیله به کار گرفتن همدیگر در مرحله اول و کمک رساندن و همراهی کردن، نیازهای خود را برطرف سازد. ۲. روزی انسان‌ها تقسیم گردیده است تا برای به دست آوردن آن به همدیگر محتاج باشند. برطرف کردن نیازهای زندگی از یک سو و قرار داشتن این احتیاجات در دست دیگران، هر انسانی را و او می‌دارد تا برای برآوردن نیازهای خود به سوی جامعه روی آورد. با فرار انسان از زندگی اجتماعی و پناه بردن به غارها و کوه‌ها نه تنها زندگی انسانی از او سلب می‌شود، بلکه برای چنین موجودی که از جامعه و زندگی اجتماعی بریده، به سختی می‌توان واژه انسان را به کار برد. ۱. ملا فتح‌الله کاشانی، منهج الصادقین، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۸، ص ۲۴۵. ۲. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۳، م، ج ۳، ص ۱۸، ص ۹۸.

ضرورت معاشرت از دیدگاه روایات زندگی اجتماعی در روایات اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: *يُدَاللّٰهُ عَلَى الْجَمَاعَةِ فَاِذَا اُسْتَدَّ الشَّاذُّ مِنْهُمْ اِخْتَطَفَهُ الشَّيْطَانُ كَمَا يَخْتَطِفُ الذِّبُّ الشَّاةَ الشَّاذَّةَ مِنَ الْغَنَمِ*. ۱. دست خدا (کنایه از کمک و عنایت خدا) بر جماعت (و اجتماع) است. پس هرگاه یک نفر از جماعت جدا شد (و گوشه‌گیری اختیار کرد)، شیطان او را می‌رباید. همان گونه که گرگ، گوسفند جدا شده از گله را می‌رباید. در این روایت، به زندگی اجتماعی به عنوان یک ضرورت توجه شده و مردم را به سوی آن دعوت کرده است. پس لازمه زندگی اجتماعی، معاشرت و نشست و برخاست با دیگران است. در روایت دیگری، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فاصله گرفتن از جماعت را معادل خارج شدن از اسلام معرفی فرموده است: *مَنْ خَرَجَ مِنَ الْجَمَاعَةِ قَيْدٌ (قَدْرٌ) شِبْرٍ، فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْاِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ*. ۲. کسی که به اندازه یک وجب از جماعت خارج شود، ریسمان اسلام را از گردنش جدا کرده است. در جای دیگر می‌فرماید: *الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ*. ۳. جماعت، رحمت (الهی) و تفرقه، عذاب است. روایات زیادی که درباره برآوردن نیازهای مؤمنان وارد شده، نشان دهنده توجه شرع مقدس به زندگی اجتماعی مطلوب تا آنجا است که برآوردن نیاز برادر دینی را با عبادت هفت هزار سال آن هم به گونه‌ای که روزها روزه و شب‌ها را به عبادت بگذرانند، برابر دانسته است. ۴. امام کاظم علیه‌السلام فرمود: *اَنَّ خَوَاتِمَ اَعْمَالِكُمْ قَضَاءُ حَوَائِجِ اِخْوَانِكُمْ وَ الْاِحْسَانُ اِلَيْهِمْ مَا قَدَرْتُمْ، وَ اِلَّا لَمْ يُقْبَلْ مِنْكُمْ عَمَلٌ*. ۵. پایان کارهای شما، برآوردن نیازهای برادران دینی و نیکی کردن به آن‌هاست تا آنجا که قدرت دارید و در غیر این صورت، هیچ عملی از شما قبول نخواهد شد. امام صادق علیه‌السلام معاشرت را برای انسان‌ها لازم می‌داند و می‌فرماید: *عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي الْمَسَاجِدِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ لِلنَّاسِ وَ اِقَامَةِ الشَّهَادَةِ وَ حُضُورِ الْجَنَائِزِ اِنَّهُ لَا يَدُّ لَكُمْ مِنَ النَّاسِ اِنَّ اَحَدًا لَا- يَسْتَعْنِي عَنِ النَّاسِ حَيَاتُهُ وَ النَّاسُ لَا يَدُّ لِيُغَضَّ بِهِمْ مِنْ بَعْضِ ۶. نماز را در مسجدها به جا آورید و به همسایگان نیکی کنید و برای شهادت دادن و تشییع جنازه‌ها حاضر شوید؛ زیرا شما ناچارید از زیستن با مردم. به راستی تا انسان زنده است، از مردم بی‌نیاز نیست. پس مردم باید با یکدیگر سازش داشته‌باشند. همه این روایات، بر ضرورت زندگی اجتماعی و معاشرت انسان، سفارش کرده‌اند. هم‌چنین دعاهای گوناگونی که از ائمه معصومین علیهم‌السلام به ما رسیده است، بر معاشرت با دیگران تأکید می‌کنند. برای نمونه، در دعای روز هشتم ماه مبارک رمضان می‌خوانیم: *اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ رَحْمَةَ الْاَيْتَامِ وَ اِطْعَامَ الطَّعَامِ وَ اِفْشَاءَ السَّلَامِ وَ مُجَانِبَةَ اللُّثَامِ وَ صِيْحْبَةَ الْكِرَامِ*. ۷. خدایا! در این روز مهر و محبت به یتیمان، غذا دادن (به مردم)، بلند سلام کردن و دوری از بدسیرتان و هم‌نشینی با بزرگان را روزیم فرما. مسلم است که رسیدگی به امور یتیمان، غذا دان، سفره انداختن، مهمان‌نوازی و افشای سلام و مصاحبت و نشست و برخاست با افراد شایسته بدون معاشرت اجتماعی ممکن نیست. انسان باید در اجتماع رفت و آمد و با مردم نشست و برخاست داشته باشد تا بتواند یتیمان و نیازمندان را شناسایی کند و نیاز آنان را برآورده*

سازد. مضمون دعاهاى ديگر از جمله فرازهاىيى از دعای مکارم الاخلاق نیز بیانگر تأکید اهل بیت علیهم السلام بر داشتن زندگی اجتماعى مطلوب است. ۱. حسام الدين هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹/۵ ۱۹۸۹ م، ج ۲، ص ۲۰۷، ح ۱۰۳۲؛ محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳/۵ ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۲۶۶، ح ۲۳. ۲. همان، ج ۲، ص ۲۰۷، ح ۱۰۳۵. ۳. بحار الانوار، ج ۷۱، کتاب العشرة باب قضاء حاجه المؤمن، ص ۳۱۵، ح ۴. ۷۲. همان. ۵. همان، ج ۷۲، کتاب العشرة باب الركون الى الظالمين، ص ۳۷۹، ج ۴۰. ۶. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه: سید هاشم، رسولی، تهران دفتر نشر فرهنگ اهل البيت عليهم السلام، ج ۴، ص ۴۴۷. ۷. رضی الدین علی بن موسی بن جعفر طاووس سیدین طاووس، اقبال، ج ۱، ص ۲۷۰؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۸. راه‌های پیش‌گیری از آسیب‌های معاشرت ۱ - تنظیم روابط اجتماعى بر اساس الگوی صحیح اسلامی و جلوگیری از اختلاط‌های غیر ضروری در عرصه‌های گوناگون اجتماعى؛ ۲ - به کارگیری آموزه‌های دینی در زمینه حجاب و نگاه؛ ۳ - تقویت بنیادهای اخلاقی و ایمانی؛ ۴ - تشویق جوانان به ازدواج که اسلام و ادیان الهی بدان تأکید و سفارش کرده‌اند. قرآن مجید می‌فرماید: *وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَسِعَ عَلِيمٌ*. (نور: ۳۲) مردان و زنان بی‌همسر و غلامان و کنیزان صالح و درست‌کارتان را همسر دهید. اگر فقیر و تنگ‌دست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد و خداوند گشایش دهنده و آگاه است. نکته قابل توجه در این آیه این است که به دیگران سفارش می‌کند مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید و روی سخن خداوند با دست‌اندرکاران سامان‌دهی امر ازدواج (خانواده و جامعه) است. خداوند در آیه‌ای دیگر کسانی را که توان ازدواج ندارند، به عفت و پاک‌دامنی فرا می‌خواند: *وَلَيْسَ تَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ*. (نور: ۳۳) آنان که قادر به فراهم کردن وسایل ازدواج نیستند، عفت نفس بیشتر کنند، تا خداوند به لطف خود آنان را بی‌نیاز گرداند. قرآن برای حفظ عفت عمومی جامعه دو راه را به آدمی سفارش می‌کند: ۱ - ازدواج که امری عمومی و مربوط به خانواده و دست‌اندرکاران امور اجتماعى است؛ ۲ - پاک‌دامنی که امری است شخصی و تک تک افراد جامعه را به آن سفارش می‌کند. پیامبر همواره بر امر ازدواج تأکید کرده است که چند نمونه از آن را می‌آوریم: ۱. *مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نَصْفَ دِينِهِ*. هرکس ازدواج کند، نیمی از دین خود را به دست آورده است. ۲. *مَا بَنَى بِنَاءً فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنَ التَّرْوِيجِ*. ۲. در اسلام نزد خدا، بنایی دوست داشتنی‌تر از ازدواج بنا نشد. ۳. *مِنْ أَحَبِّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلْقِهِ بِرَوْحِهِ*. ۳. هرکس دوست دارد با حالتی پاک و پاکیزه خدا را دیدار کند، باید همراه همسرش، خدا را دیدار کند. ۴. *أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعُزَّابُ*. ۴. بیش‌تر اهل جهنم را کسانی که ازدواج نکرده‌اند، تشکیل می‌دهند. این پی‌آمدهای ناگوار ازدواج نکردن است که انسان را وارد جهنم می‌سازد. ۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، تصحیح: عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، مکتبه الاسلامیه، چ ۶؛ کتاب النکاح ابواب مقدماته و آداب، باب ۱، ح ۱۱. ۲. همان، ح ۴. ۳. همان، ح ۱۵. ۴. همان، باب ۲، ح ۷.

فصل دوم: دیدگاه‌های گوناگون درباره معاشرت مردان و زنان

گفتار اول: دیدگاه آزادی بی‌قید و شرط در ارتباط و معاشرت نهضت آزادی زنان، مروج اصلی این دیدگاه در جوامع غربی به شمار می‌آید؛ نهضتی که با هدف آزادی زن شکل گرفت و در سراسر دنیا با عنوان فمینیسم به فعالیت خویش ادامه داد. فمینیسم چیست؟ **Feminism** واژه‌ای فرانسوی است که به معنای اندیشه برابری حقوق زن و مرد به کار می‌رود. این اندیشه در نظریه تقسیم‌بندی جهان به دو گروه عقلی و غیرعقلی ریشه دارد. دنیای عقلی و عینی بر پایه عمل انسانی قابل فهم بوده و حاصل عمل اوست. در مقابل، دنیای غیرعقلی، مجموعه دنیای ذهنی است که ارزش‌ها، اخلاق، عواطف و احساسات افراد را دربرمی‌گیرد. جهان عقلی، جهان اولی و جهان غیرعقلی، جهان ثانوی است. از این رو، دانشمندان، مردان را به جهان اولی و زنان را به جهان

ثانوی نسبت داده‌اند. هر جا سخن از حقوق طبیعی انسان به میان می‌آمد، صحبتی از حقوق زن مطرح نبود، بلکه تنها حقوق مردان مورد توجه بود و زنان و بردگان از حقی برخوردار نبودند. ۱۰ در سال ۱۷۹۱ «مری ولیستون گرافت»، اولین مقاله فمینیستی را نوشت و در برابر کسانی که برابری آموزش دختران و پسران را محکوم می‌کردند، ایستادگی کرد. ۲۰ پاسخ منفی مجلس فرانسه بعد از جنگ ۱۷۹۲ به پرسش زنان، ناقوس مرگ سیاسی زنان را به صدا درآورد. اولین جنبش فمینیستی، حرکت ضد برده‌داری در آمریکا به رهبری فرانسیس رایت در سال ۱۸۳۰ بود که توانست اولین گردهمایی آزاد را برای بردگان و دیگر شهروندان آمریکایی سامان دهد. در سال ۱۸۴۸ فمینیسم به عنوان یک جنبش سیاسی و به نام نهضت سیکافالز در آمریکا اعلام موجودیت کرد و نخستین منشور دفاع از حقوق زنان در کشور آمریکا اعلام شد. آگوست کنت (۱۸۵۷) و جان استوارت میل (۱۸۶۹) دانشمندانی بودند که نظریه برابری زن و مرد را در چارچوب حقوق فردی و اومانیستی مطرح کردند. ۳۰ نهضت فمینیسم تا پایان قرن نوزدهم در جوامع غربی توفیقی نداشت، تا این که نهضت طرفداری از حقوق زنان در انگلیس به رهبری پاتک هورست با شعار رسیدن زنان به حق رأی، کار و آموزش آغاز شد و تا سال ۱۹۱۹ (آغاز جنگ جهانی اول) تأثیر عمیقی در انگلستان بر جای گذاشت، به گونه‌ای که در سال ۱۹۱۸، زنان انگلیس به حق رأی دست یافتند. زنان جامعه متمدن غربی در قرن بیستم میلادی به حق رأی رسیدند. این در حالی است که در قرن هفتم میلادی، زنان مسلمان در کنار مردان در روز فتح مکه، برای بیعت با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله جمع شدند که پیامبر دستور داد تا تشتی از آب بیاورند. آن‌گاه حضرت دستش را در آن تشت فرو برد و فرمود هر کدام از شما (زنان) که می‌خواهد با من بیعت کند، دست خود را داخل این تشت بگذارد. ۴۰ بدین ترتیب، همه مسلمانان بدون هیاهو درباره شعار آزادی و زیر پا گذاشتن ارزش‌های انسانی، به حق رأی دست یافتند و خداوند به زنان هم پای مردان با عنوان: مؤمنات، مسلمات، قانتات و... خطاب کرد. فمینیسم مردمی در فرانسه از حمایت زنان قشر متوسط و کارگر برخوردار بود. طرفداران حقوق اجتماعی زنان برای دسترسی دختران به آموزش متوسطه و دانشگاه، مبارزه بسیار سختی را آغاز کردند که با مقاومت شدید مردان روبه‌رو شدند و در پایان قرن ۱۹ به پیروزی رسیدند. ۵۰ این نهضت از قرن نوزدهم میلادی در فرانسه آغاز شد که در سراسر جهان به ویژه کشورهای غربی و آمریکا هواخواهان قابل توجهی دارد و دامنه آن به ایران نیز کشیده شده است. ۶۰ این نهضت بدون آن که به تعدد و تنوع گروه‌های زنان در ایران توجه کند، بر مسایلی هم چون اشتغال زنان به عنوان راه نجات آنان و دشمنی و تقابل زن و مرد، تأکید دارد. فمینیسم با تبلیغ و تأیید شباهت کامل زن و مرد، نظریه «دگرگونی الگوهای ارزشی و رفتاری زن و مرد و اهمیت انسان بودن به جای زن یا مرد بودن» را پذیرفت که در نتیجه، شبیه شدن زن و مرد را در آموزش، لباس و رفتار اجتماعی گسترش داد و اختلاط زن و مرد را در مراکز آموزشی در پی آورد. بنابراین، اختلاط زنان و مردان از دستاوردهای فمینیسم به شمار می‌آید؛ زیرا پیش از عصر نوزایی تا میانه قرن نوزدهم، همه آموزش‌ها در مؤسسه‌های آموزشی و تربیتی به صورت جداگانه بوده است و در موارد بسیار نادر، زنان و دختران جوان در کنار جنس مخالف و در مدارس مختلط آموزش می‌دیدند. از این رو، تعلیم و تربیت مختلط پدیده جدیدی بود که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به صورت گسترده‌ای در بعضی از کشورهای غربی به عنوان یکی از اصول پذیرفته شده فلسفه آموزش و پرورش مطرح شد. ۷۰ البته در قرن شانزدهم و در نتیجه نهضت اصلاحی پروتستان‌ها و حمایت‌های مارتین لوتر، مدارس مختلط به صورت بسیار محدود و در نواحی خاصی ظهور کرد. بیش‌تر کشورهای اروپایی که به استقبال تعلیم و تربیتی مختلط رفتند، آن را تنها در دوره خاصی از نظام آموزشی خود اجرا کردند. در بسیاری از کشورهای اروپایی، تنها تعداد انگشت‌شماری از مدارس ابتدایی، آموزش‌شده‌ها و دانشگاه‌ها به صورت مختلط اداره می‌شد و بیش‌تر مدارس دوره متوسطه، مختلط نبودند. دانشگاه‌های دولتی آمریکا در پایه‌گذاری و استحکام نظام آموزش مختلط در آن کشور، نقش قابل توجهی داشتند، به گونه‌ای که در دهه ۵۰، آموزش و پرورش مختلط در تمام دوره‌های آموزشی در مؤسسه‌های آموزشی دولتی آمریکا به صورت یک واقعیت انکارناپذیر درآمد. این در حالی است که در بیش‌تر کشورهای کاتولیک مذهب در اروپا و آمریکا، حتی فرانسه و انگلستان

و بسیاری از مدارس متوسطه و آموزشکده‌ها در امریکا و امریکای لاتین و بیش تر کشورهای شرقی، به ویژه مناطق مسلمان نشین، هنوز دختران در مدارس جدا از پسران تحصیل می‌کنند. کشورهای نظیر بلژیک، آلمان، اتریش، مجارستان، اسپانیا، ایتالیا و یونان نیز در سطح مدارس متوسطه از آموزش مختلط استقبال نکرده‌اند. ۸ طرفداران و مخالفان اختلاط زن و مرد در مراکز آموزشی هر کدام دلایلی داشتند و بر آن پافشاری کرده‌اند. اکنون به بررسی دلایل طرفداران اختلاط زن و مرد در مراکز آموزش می‌پردازیم. ۱. معصومه موسوی، «تاریخچه مختصر تکوین نظریه‌های فمینیستی»، کتاب توسعه، ش ۹. ۲. فمینیسم، جنبش اجتماعی، ص ۶۸. ۳. بولتن مرجع فمینیسم، برگرفته از: جان استوارت میل، کنیزک کردن زنان، ترجمه: خسرو ریگی. ۴. بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۱۱۳؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶؛ شریف لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، تصحیح: محمد ابراهیم، تهران، انتشارات کتب ایران، ۱۳۴۷. ۵. فمینیسم اجتماعی، ص ۸۳. ۶. فمینیسم اجتماعی، ص ۱۳۵. ۷. اسدالله طوسی، «اختلاط زنان و مردان در مراکز آموزشی»، معرفت، ش ۳۲، ص ۴۷. ۸. همان. دلایل طرفداران اختلاط در مراکز آموزشی ۱- اگر زن و مرد (دختر و پسر) در کنار هم درس بخوانند، بسیاری از هزینه‌های اقتصادی کاهش می‌یابد. ۱ این افراد مراکز علمی و آموزشی را بنگاه تولیدی و اقتصادی پنداشته و منافع اقتصادی را مهم‌تر از آموزش دانسته‌اند. توجه به مسایل اقتصادی در امور تربیتی و آموزشی نشان دهنده بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی انسان‌ها است؛ تفاوت‌هایی که خود غربی‌ها نیز به آن اعتراف کرده‌اند. شهید مطهری به نقل از پرفسور ریک امریکایی می‌گوید: دنیای مرد با زن به کلی فرق می‌کند. اگر زن نمی‌تواند مانند مرد فکر یا عمل کند، از این روست که دنیای آن‌ها باهم فرق می‌کند... احساس این دو موجود هیچ‌گاه مثل هم نخواهد بود... زن و مرد بر اساس شرایط جنسی رسمی خود به طور متفاوت عمل می‌کنند و درست مثل دو ستاره روی دو مدار مختلف حرکت می‌کنند. آن‌ها می‌توانند همدیگر را بفهمند و مکمل یکدیگر باشند، ولی هیچ‌گاه یکی نمی‌شوند. ۲. ایشان نیز با بررسی اجمالی تفاوت‌های زن و مرد و بیان نظریه افلاطون از کتاب جمهوریت به این نکته اشاره می‌کند که زنان از مردان چه در نیروهای جسمی و چه در نیروهای روحی و دماغی ناتوان‌ترند. افلاطون به تفاوت ظاهری زن و مرد اعتراف دارد و مخالف تفاوت کاربردی آن‌ها از نظر استعدادهاست و به همین دلیل، افلاطون خدا را شکر می‌کند که مرد آفریده شده است نه زن! ارسطو به تفاوت کیفی این دو جنس اعتراف می‌کند و می‌گوید فضایل اخلاقی زن و مرد متفاوت است. استاد مطهری پس از بیان نظریه افلاطون و ارسطو به تفاوت‌های زن و مرد از لحاظ جسمی و روحی و احساسات نسبت به یکدیگر می‌پردازد و می‌نویسد: مرد درشت اندام‌تر از زن است. مرد خشن و زن ظریف است. رشد بدنی زن سریع‌تر از رشد بدنی مرد است، مقاومت زن در مقابل بسیاری از بیماری‌ها از مرد بیشتر است. دختر از پسر زودتر به سخن می‌آید. از لحاظ روانی نیز زن از توسل به زور و خشونت درباره دیگران و خود پرهیز می‌کند و به همین دلیل خودکشی در زنان کم‌تر است. مردان در کیفیت خودکشی نیز از زنان خشن‌ترند. مرد برای خودکشی از دار، اسلحه و پرتاب کردن خود از ارتفاع استفاده می‌کند و زن از قرص خواب‌آور... احساسات زن گرم‌تر از مرد است. زن محتاط‌تر، مذهبی‌تر، پرحرف‌تر، ترسو تر و تشریفاتی‌تر از مرد است. ۳. ایشان در ادامه با بیان نظر اندیشمندان و روان‌شناسان درباره دوگانگی احساسات مرد و زن، به نهضت فمینیسم اشاره می‌کند و می‌گوید: نهضتی که در اروپا برای احقاق حقوق پایمال شده زن صورت گرفت به دلیل آن‌که دیر به این فکر افتاده بودند، با دست‌پاچگی و عجله زیادی انجام گرفت و احساسات مهلت نداد که علم نظر خود را بگوید و راهنما قرار گیرد. از این رو، تر و خشک با یکدیگر سوخت. این نهضت یک سلسله بدبختی‌ها را از زن گرفت و حقوق زیادی به او داد و درهای بسته‌ای را به روی او باز کرد، اما بدبختی‌ها و بیچارگی‌های دیگری را برای زن و جامعه بشریت به وجود آورد. اگر آن چنان شتاب‌زدگی به خرج نمی‌دادند، احقاق حقوق زن شکل بهتری به خود می‌گرفت و فریاد فرزنانگان از وضع ناهنجار حاضر و از آینده بسیار وحشتناک‌تر به فلک نمی‌رسید، ولی این امید باقی است که علم و دانش جای خود را باز یابد و نهضت زن به جای آن که مانند گذشته از احساسات سرچشمه گیرد، از علم و دانش الهام پذیرد. چیزهایی که مقلدان غرب را در زمینه روابط مرد و زن، تازه به نشئه فرو برده است، خود غریبان

دوره خمار آن‌ها را طی می‌کنند. ۴ در دنیای امروز هدف اصلی فراموش شده و علم به عنوان هدف معرفی می‌شود. امید داریم که روزی علم آن‌ها را متوجه سازد که هدف، رسیدن به کمال انسانیت است و علم برای رسیدن به آن هدف به خدمت گرفته شود. ۲ - دومین دلیل هواداران آموزش مختلط این است که: جو اخلاقی مؤسسه‌های آموزشی مختلط از مؤسسه‌های غیر مختلط بهتر است. ۵ دکتر هریس در این باره می‌گوید: در مدارسی که دارای فضای باز جنسی است و دختر و پسر باهم هستند، هیچ گونه مشکل جنسی و گرایش جنسی به طرف مقابل وجود ندارد، ولی در مدارس غیر مختلط، افراد با تمایلات و گرایش‌های جنسی رشد می‌کنند. ۶ در نقد این نظریه باید گفت: ۱ - این نظریه توهمی بیش نیست که نشان دهنده بی‌خبری مطرح‌کنندگان آن از روحیه انسان است. موناشارن، نویسنده امریکایی می‌گوید: آزادی زنان برای ما، افزایش سیگار و ویژه زنان، حق انتخاب زیستن و تشکیل خانواده یک نفره، ایجاد مراکز بحران تجاوز، اعتبارات فردی، عشق آزاد و افزایش زنان متخصص بیماری‌های زنان را به ارمغان آورد، ولی در ازای آن، چیزی را به غارت برده که خوشبختی بسیاری از زنان در گرو آن است و آن، وجود همسر و خانواده است. ۷ هرچند این نویسنده امریکایی سخن دکتر هریس را دور از واقعیت می‌داند، با این حال، سخن ماناشارن که گفته است: شمار زنان متخصص بیماری زنان افزایش یافته است، اشکال بزرگی دارد؛ زیرا با مطالعه آمار ارایه شده و مقایسه آن‌ها به این نتیجه می‌رسیم که تعداد پزشکان زن در سال ۱۹۲۰ از تعداد پزشکان زن در سال ۱۹۱۰ - سالی که واژه فمینیسم وارد فرهنگ لغات غربی شد - کم‌تر است. مجله ریدرز دایجست در سپتامبر ۱۹۹۶ آمارتکان دهنده زیر را ارایه داد: هر ساله، ۳۵۰ هزار دختر نوجوان امریکایی در سنین ۱۵ تا ۱۹ سال در نتیجه ارتباط‌های نامشروع، آبستن می‌شوند و فرزندان غیرقانونی به دنیا می‌آورند که این آمار در دهه‌های اخیر، سال به سال رو به افزایش است. (تولد این تعداد از فرزندان نامشروع، غیر از سقط جنین‌هایی است که این نوجوانان انجام می‌دهند). دختران دبیرستانی با چه رؤیاهایی، به ارتباطات غیرقانونی دست می‌زنند، ولی وقتی متوجه می‌شوند، دیگر شانس خود را برای برخورداری از یک زندگی سالم و ایده‌آل، از دست داده‌اند. یکی از این دختران می‌گوید: «ای کاش هنگامی که زمینه‌های ایجاد یک ارتباط نامشروع برایم فراهم شده بود، کمی هم به زندگی آینده‌ام می‌اندیشیدم»... تنها ۴۰ درصد از این دختران موفق به ازدواج می‌شوند که البته آمار طلاق در میان آنان نیز دو برابر دختران دیگر است. اندوه و پشیمانی، آوارگی، جرم و جنایت، فروپاشی خانواده و ناتوانی در آینده‌نگری، از نتایج اولیه سکس در جامعه ایالات متحده امریکاست و جوانانی که در این ورطه هولناک غلتیده‌اند، آینده‌ای دشوار و غم‌انگیز پیش روی دارند. پس به راستی مقصر کیست؟ گفتنی است ۶۲ درصد امریکایی‌ها ابراز نگرانی می‌کنند که آموزش و پرورش این کشور در پرورش نسل نو - به عنوان افرادی با احساس، مسئولیت‌پذیر، آداب شناس، صادق، پرهیزگار و باانضباط که باید میان مادیات و معنویات موازنه برقرار کنند - با شکست روبه‌رو شده است. ۶۱ درصد نیز از افزایش بیماری‌های ایدز و بیماری‌های مقاربتی نگرانند. ۸ این آمار تکان دهنده گویای این حقیقت است که سخن دکتر هریس نه تنها خالی از هرگونه استدلال علمی است، بلکه واقعیت ندارد. ۲ - آیا گرایش به جنس مخالف با عدم دسترسی آسان به آن، نباید در جوانان رشد یابد تا زمینه تشکیل خانواده و... باشد؟! آیا با ایجاد اختلاط و از بین بردن گرایش مرد به زن جایی برای پیوستن زن و مرد برای بقای نسل باقی می‌ماند؟! و آیا این خیانتی بزرگ به انسان نیست که هر کدام تا آخر عمر مجرد زندگی کنند؟ ۳ - سومین دلیل طرفداران اختلاط زن و مرد در مراکز آموزشی این است که این نوع آموزش با عدالت و انصاف سازگارتر است و بهانه استفاده هم‌زمان دختران و پسران از فرصت‌های تحصیلی را پیش می‌کشند. ۹ مرحوم علامه جعفری در مورد تفاوت‌های زن و مرد می‌گوید: یکی از اعتبارات طبیعی زن این است که به طور ناخودآگاه کنار کشیدن خود را از فعالیت در کارگاه خلقت، مساوی با نابودی خود تلقی می‌کند، در صورتی که مرد ممکن است آن ناراحتی را که از محرومیت در فعالیت کارگاه آفرینش احساس می‌کند، به وسیله اعمال دیگر دفع کند و در موجودیت خود بی‌ارامد (آرام گیرد). در مقابل، مرد از توانایی عقل نظری محض بیشتر برخوردار است. این برخورداری، امتیازی با ارزش انسانی محسوب نمی‌شود؛ زیرا فعالیت‌های تجریدی و تعمیمی که در مغز مرد

بیشتر از زن دیده می‌شود، ارتباط آن فعالیت‌ها را با واقعیت تضمین نمی‌کند. ۱۰ با وجود این اختلاف‌ها، اختلاط زنان و مردان در مراکز آموزشی به نفع آنان نیست و شایسته است که با هر دو جنس با توجه به نیازهای آنان برخورد شود. ۴- دلیل دیگر برای آموزش مختلط، آمادگی برای کار مشترک و گروهی در آینده و ساختن جهانی بهتر است؛ چون انسان باید فعالیت‌های گروهی و اجتماعی خود را از دوران تحصیل آغاز کند. ۵- رهپویان فمینیسم معتقدند که با محدودیت روابط، به امنیت اجتماعی خدشه وارد می‌شود. به همین دلیل گفته‌اند: با آزادی روابط اجتماعی زن و مرد و حضور بی‌قید و شرط زن در جامعه، زنان می‌توانند به این حق قانونی خود برسند و از امنیت اجتماعی برخوردار شوند. در این زمینه باید گفت امنیت اجتماعی، نتیجه اخلاق و فرهنگ هر جامعه به شمار می‌رود و در دین اسلام نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل، روابط زن و مرد را محدود می‌داند تا انسان ارزش و کرامت یابد خواه زن باشد یا مرد. قرآن می‌فرماید: وَمَنْ يَعْزِلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هِيَ مُيُوسِرَةٌ مِنْ فَاؤَلِيكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظَلَّمُونَ نَقِيرًا. (نساء: ۱۲۴) و کسی که عمل صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، داخل بهشت می‌شوند و کم‌ترین ستمی به آن‌ها نخواهد شد. بنابراین، زن مسلمان همانند یک مرد می‌تواند از تمام مزایای مادی و معنوی استفاده کند. بسیاری از زنان اروپایی و آمریکایی که در ایران ساکن بوده یا مدتی اقامت داشته‌اند، امنیت اجتماعی موجود برای زنان در ایران را برای زنان غرب غیرقابل تصور می‌دانند و زندگی در فضای دور از تنش‌های اجتماعی ناشی از سوء استفاده‌های جنسی از زنان را آرزو می‌پندارند. نشریات آمریکایی در دهه اخیر اعتراف کرده‌اند که بسیاری از مشکلات موجود در جامعه از جمله مسایل روحی زنان، خودکشی دختران جوان، خشونت علیه زنان، سقط جنین و غیره ناشی از حرکت‌های فمینیستی بوده است. ۱. همان. ۲. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹، ج ۲۸، ص ۱۵۷؛ برگرفته از مجله زن روز، ش ۹۰. ۳. همان، ص ۱۵۷. ۴. همان، ص ۱۵۷. ۵. اختلاط زنان و مردان در مراکز آموزشی، ص ۴۸. ۶. همان. ۷. مرضیه صدیقی، «نگاهی به روند جهانی جنبشی زنان و موقعیت زن در جمهوری اسلامی ایران»، کتاب نقد، ش ۱۲، ص ۶۹. ۸. صبح، ش ۶۳، آبان ۱۳۷۵، صص ۷۱ و ۸۰. ۹. معرفت، ش ۳۲، ص ۶۸. ۱۰. محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۵، چ اول، ج ۱۱، ص ۲۶۵. دلایل مخالفان اختلاط در مراکز آموزشی در برابر کسانی که طرفدار آموزش مختلط هستند، عده‌ای آموزش غیرمختلط را پیشنهاد می‌کنند که دلایل آن‌ها بدین شرح است: ۱- تفاوت‌های موجود میان زن و مرد، آموزش یکسان و مشابه را برای هر دو جنس ناممکن می‌سازد و برنامه‌ریزی برای هر دو گروه را با مشکل روبه‌رو می‌کند. چنین برنامه‌هایی پاسخ‌گوی نیازهای هیچ کدام از دو جنس نیست و با استانداردهای علمی در جهان همخوانی ندارد. ۲- تفاوت در زمینه بلوغ، به رقابت‌های نابرابر، اُفت تحصیلی و ناراحتی‌های روحی دختران و پسران در مدارس مختلط می‌انجامد. ۳- آموزش و پرورش مختلط، مانع رشد بیش‌تر توانایی‌های ویژه و نامحسوس زنانه در دختران جوان و برعکس، توانایی‌های ویژه و نامحسوس مردانه در پسران جوان می‌شود. ۴- بر اساس پژوهش‌های انجام شده، وقتی دانشجویان و اعضای هیأت علمی آموزش‌شده از یک جنس باشند، تحصیل دانشجویان در آن مؤسسه آموزشی تأثیرهای مثبتی در پی خواهد داشت. بر اساس پژوهش دیگری، مهم‌ترین عامل الگوپذیری شغلی موفق برای زنان، تحصیل آنان در مؤسسات آموزشی زنانه است، نه مختلط. ۵- تحصیل در موسسه‌های آموزشی مختلط، سلامتی جسمی و روحی هر دو جنس به ویژه دختران را به مخاطره می‌اندازد. ۶- اختلاط اجباری دختران و پسران به ویژه در مدارس متوسطه، آنان را به ازدواج‌های زودرس و بدون توجه کافی به مسایل لازم و ضروری می‌کشاند که این ازدواج‌ها جز افزایش آمار سرسام‌آور طلاق و بی‌بندوباری‌های مردان و زنان بیوه، نتیجه دیگری نخواهد داشت. ۱. اختلاط زنان و مردان در مراکز آموزشی، صص ۴۴ - ۵۷. بازتاب نهضت آزادی زنان در ایران صرف‌نظر از ویژگی‌های مثبت و منفی این نهضت، جامعه ایران نیز مانند دیگر جوامع و فرهنگ‌ها با این نهضت آشنا شد. برای نمونه، مجله نسوان وطن‌خواه ایران که قبل از انقلاب منتشر می‌شد، در اولین شماره خود چنین نوشت: «در این مجله، دست‌نوشته‌های زنان اروپا که بیش از حد برای مملکت ایران لازم است،

به چاپ می‌رسد». گفتنی است یکی از اهداف بلند مدت استعمار، رواج فرهنگ غرب و اجرای شعارهای فمینیستی در ایران بود که این روند با آغاز انقلاب اسلامی متوقف شد. البته پس از گذشت بیست سال از پیروزی انقلاب اسلامی، طرفداران فرهنگ غرب بر آن شده‌اند تا با شعارهای افراطی فمینیستی، وارد میدان شوند و با بهانه قرار دادن این مطلب که تبعیض نسبت به زنان، مانع تحقق جامعه مدنی است، به این شعارها دامن بزنند. برای نمونه، نگاهی به مطالب روزنامه‌ها و نشریات چند سال گذشته در مورد زنان نشان می‌دهد که همه آن‌ها در یک جهت گیری هماهنگ به موارد زیر پرداخته‌اند: ۱- بزرگ‌نمایی تعارض زنان و شوهران؛ ۲- ادعای مردسالاری در جامعه ایران؛ ۳- ادعای خشونت و ستم علیه زنان؛ ۴- وسیله بودن زن برای کام‌جویی‌های مردانه؛ ۵- پست جلوه دادن کار در خانه؛ ۶- تهاجم گسترده به قوانین جزایی و حکومتی در زمینه حقوق زن و خانواده؛ ۷- غیراسلامی جلوه دادن بسیاری از دستورهای دینی و قوانین برگرفته از شریعت؛ ۸- برقراری ملازمه میان آگاهی و دانش زنان با نفی خانه‌داری و خروج از خانه. ۱. به طور کلی، هدف هیچ کدام از این بحث‌ها، رسیدن به تکامل انسانی نیست، هرچند در قالب واژه فریبنده و عوام‌پسند «آزادی» مطرح شده باشد. اکنون برای تکمیل بحث خود به آمار دیگری درباره آزادی ارتباط و معاشرت در جوامع غربی می‌نگریم: در کشور امریکا که خود را مهد تمدن و نهضت آزادی زن می‌شمارد، از هر چهار زن، یک زن مورد آزار مردان قرار می‌گیرد. به گزارش نشریه واشنگتن تایمز، از هفت هزار زن ۱۸ تا ۶۵ ساله، ۳۷ درصد به خشونت که از سوی مردان (چه به عنوان شوهر یا دوست) به آنان تحمیل می‌شود، اعتراف کردند. ۱۲ درصد گفتند که این سوء استفاده‌ها در محیط کار نیز گریبان‌گیر آن‌هاست. ۱۶ درصد این آزارها را شامل مشت، سیلی، لگد، هول دادن یا فشار دادن گلو دانستند و ۱۵ درصد از زنان آزار دیده از سوی مردان گفتند که ادامه کار برایشان مشکل بوده است. بر اساس گزارش این روزنامه، زنان فقیری که کم‌تر از ۲۵ هزار دلار در سال درآمد داشتند، بیش از همه آزار جسمی و روحی دیده‌اند. ۲. محمد فولادی، «فمینیسم»، معرفت، ش ۳۲، صص ۶۳-۶۴. ۲. صبح، ش ۷۶، آذر ۱۳۷۶، ص ۶۵. روشن‌فکران مسلمان و آزادی روابط دکتر محمد شحرو از روشن‌فکران مسلمان، معتقد است باید از دیدگاه قرآن به زن نگاه کرد، نه از دیدگاه فقه که ساخت بشر است... در قرآن هیچ کاری به جز «بغا» بر زن حرام نشده است. ۱. شیخ عبدالحلیم محمود نیز می‌گوید: «حجاب مختص زنان پیغمبر است و حجاب و گوشه‌نشینی در اسلام معنا ندارد». هم‌چنین دکتر یوسف قرضاوی گفته است: زن از نظر تعداد نصف جمعیت انسانی است، ولی به حکم تأثیر در مرد و اولادش و محیط، بیشتر از نصف است. اسلام زن را بلندمرتبه کرده است به اعتبار این که دختر است، همسر است، مادر است و عضوی در جامعه است و قبل از تمام این‌ها به اعتبار این که انسان است... قرآن، حبس زن را جریمه فاحشه‌گری می‌داند، ولی اینان زن را بدون دلیل حبس می‌کنند و خروج زن را برای طلب علم حرام می‌دانند و می‌گویند بر پدر و شوهرش واجب است او را فقیه و دانشمند گرداند. «فاقد الشی لا یعطیه»، کسی که چیزی ندارد نمی‌تواند او را ببخشد. و «قد ضل من کانت العمیان تهدیه»؛ به تحقیق گمراه شد هرکسی که نابینا او را راهنمایی کرد. این در حالی است که طلب علم فریضه‌ای است بر هر مسلم و مسلمه‌ای. از مادران مؤمنین و زنان صحابه کسانی بودند که از نظر علم به درجاتی رسیدند. اینان حتی از رفتن به مساجد هم جلوگیری کرده‌اند، در حالی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «لا تَمْنَعُوا أُمَّةَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ»؛ مانع رفتن زنان به مساجد نشوید. ۲. باید گفت قرآن مجید با صراحت نه تنها به زنان پیامبر، بلکه به زنان مؤمنان دستور می‌دهد که حجاب را رعایت کنند؛ زیرا قرآن با خودنمایی زن در جامعه و اجتماع مخالف است. افزون بر آن، حجاب به معنای گوشه‌گیری از نظر ما نیز مردود است. به همین دلیل، با تعبیرهایی هم‌چون مؤمنات، مسلمات، فانتات و... او را از گوشه‌گیری و فرار از جامعه برحذر می‌دارد. هیچ کتاب فقهی و روایی شیعه، انسان را از رفتن به مساجد منع نکرده است و وظیفه زنان مسلمان هنگام حضور در مسجد، دوری از خودنمایی است که این مسأله با حضور زن در اجتماع منافاتی ندارد. در پاسخ دکتر محمد شحر و هم‌فکران او، سخن یکی از نویسندگان اهل سنت را می‌آوریم و قضاوت را بر عهده خوانندگان می‌گذاریم. وی می‌نویسد: علاوه بر این که حجاب فرمان خداست، اثر دیگری نیز دارد که از آن

جمله، عفت است؛ قرآن مجید پس از سفارش همسران رسول خدا و دخترانش و زنان مؤمنان به حجاب می‌فرماید: «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ». (احزاب: ۵۹). شما زنان به گونه‌ای راه بروید و به گونه‌ای در جامعه حاضر شوید که شما را بشناسند و اذیت نکنند تا به عنوان زنان بی‌بندوبار معرفی نشوید. حفظ عفت عمومی جامعه تنها با حجاب امکان‌پذیر است. حجاب، غیرت است. علی‌علیه‌السلام می‌فرماید: به من رسیده است که مردم کافر در بازار مزاحم زنان شما می‌شوند. چرا غیرت به خرج نمی‌دهید؟ بدانید کسی که غیرت ندارد، خیری در او نیست. ۳ پوشیده بودن زن مساوی است با غیرت مرد و حجاب زن نشان دهنده غیرت مرد است. هم‌چنین حجاب، طهارت است. قرآن پس از این که به مسلمانان دستور می‌دهد اگر چیزی از همسران رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌واستید، از پشت پرده آن را بخواهید، می‌فرماید: «ذَلِكَمُ أَطْهَرُ لِقَلْبِي بِكُمْ وَقَلْبِي بِهِنَّ؛ این کار برای پاکی دل‌های شما و آنان بهتر است». (احزاب: ۵۳) حجاب، ایمان است؛ زیرا می‌فرماید: ای پیغمبر ما! به زنان خود و زنان مؤمنان دستور بده تا حجاب را حفظ کنند. این‌ها نشان دهنده تأکید قرآن بر حجاب است. پس بر اساس دستور قرآن، حجاب واجب و لازم است. پرده‌داری و بی‌حجابی، خوی حیوانی است که انسان به آن تمایلی ندارد. نتایج خودنمایی زن عبارت است از: ۱- فساد اخلاقی مردان و گرایش آنان به مفاسد؛ ۲- از هم‌گسیختگی روابط خانوادگی و از بین رفتن اعتماد میان اعضای خانواده و کشاندن آنان به سوی طلاق؛ ۳- بدخلقی زن؛ ۴- انتشار بیماری‌ها؛ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌واستید فرمود: «در هیچ قومی، زشتی و فاحشه‌ظهور نمی‌کند مگر این که در بین آن‌ها طاعون و دردهایی که در نسل‌های پیش از آن‌ها نبوده است، شایع شود. ۵- آسان شدن زنای چشم و سخت بودن چشم پوشی؛ ۶- آمادگی پذیرش عذاب الهی». ۴- شیخ محمد بن جمیل زینو در مورد حجاب می‌نویسد: حجاب بر زن واجب شد تا او از اشرار محافظت شود و اجتماع از بی‌بندوباری در امان بماند. حجاب باعث بقای مودت و دوستی و مهر و محبت بین زن و شوهر می‌شود؛ زیرا مرد وقتی دید زنی زیباتر از همسر خودش وجود دارد، علاقه‌اش به زن خودش کم می‌شود. ۵- وی به نقل از فرانسوا از ساجان زن خاورشناس غربی می‌نویسد: ای زن شرقی! کسانی که شما را به اسم صدا می‌کنند و به مساوات و برابری با مردم دعوت می‌کنند، شما را به مسخره گرفتند و می‌خندند و بر ما نیز خندیدند. ۱۶- بولتن مرجع فمینیسم، ص ۶۶۱. ۲- همان، ص ۶۵۸. ۳- کنز العمال، ج ۳، ص ۷۸۰. ۴- محمد بن احمد بن اسماعیل المقدم، الحجاب لماذا؟ مکه مکرمه، دار طیبه، ۱۹۹۵ م، چ دوم، ص ۲۱۲. ۵- شیخ محمد بن جمیل زینو، توجیهات اسلامیة لاصلاح الفرد و المجتمع، ریاض، وزارت شؤون الاسلامیة، ۱۴۱۸ ه. ق، ص ۳۱۴. ۶- همان. گفتار دوم: دیدگاه انحصار مطلق در ارتباط و معاشرت این دیدگاه - که در بین اقوام گوناگون طرفدارانی دارد -، هرگونه ارتباط و معاشرت زنان و مردان را ممنوع می‌شمارد. این نظریه بر اساس خودداری انسان از لذت جسم بنیان نهاده شده و سعادت را در پرورش روحی می‌شمارد. هر انسانی جویای سعادت است و به نظر روان‌شناسان و اندیشمندان، «دزد هم وقتی دزدی می‌کند، در پی سعادت است»؛ زیرا گمان می‌کند سعادت از این راه به دست می‌آید. حکیمان یونان پیش از ارسطو بر این عقیده بودند که سعادت؛ یعنی پرورش روح و اساس سعادت بر حکمت، شجاعت، عدالت و عفت استوار است. در این باور، لذت جسمی مورد توجه نبوده و سعادت را تک بعدی می‌دانستند؛ یعنی شکوفا کردن روح در بدن سالم یا بیمار مگر این که بیماری بدن زیان‌بار شناخته شود. افراطی‌ترین جنبه این نظر، نظریه مرتاضان است که تقویت روح را در شکنجه دادن جسم می‌دانند. ۱- بر اساس این نظریه، هرگونه لذت‌گرایی با سعادت مغایرت دارد. به همین دلیل، کلیسا عمل جنسی را برای مردم اروپا، پلید و زن را مخلوقی شیطانی و ناپاک معرفی کرده بود. نشانه‌هایی از این باور را در میان یهودیان نیز می‌توان دید. «در بین یهود و مللی که از فکر یهود پیروی می‌کردند، حجاب به مراتب شدیدتر از آن‌چه مورد نظر اسلام بود، وجود داشت، در بین این ملت‌ها، صورت و دست‌ها هم پوشیده می‌شد. در بعضی از ملت‌ها، سخن از پوشیدن زینت و چهره زن نبود، بلکه سخن از پنهان کردن زن بود و این فکر به صورت یک عادت جدی درآمده بود». ۲- شهید مطهری درباره ارتباط مسأله پوشش با فلسفه ریاضت و رهبانیت می‌گوید: زن بزرگ‌ترین موضوع خوشی و کامرانی بشر است. اگر زن و مرد معاشر و محشور یکدیگر باشند، خواه ناخواه دنبال لذت‌جویی و کام‌یابی می‌روند. پیروان فلسفه

رهبانیت و ترک لذت برای سازگار ساختن محیط با زهد و ریاضت، بین زن و مرد فاصله قرار داده‌اند. برتراند راسل در کتاب «زناشویی و اخلاق» می‌گوید: (به خصوص در قرون اول مسیحیت، این طرز فکر سن پل (پولس مقدس) از طرف کلیسا اشاعه تمام یافت و تجرد مفهوم تقدس به خود گرفت و عده بی‌شماری راه بیابان پیش گرفتند تا شیطان را منکوب سازند؛ شیطانی که هر آن، ذهن آنان را از تخیلات شهوانی پُر می‌ساخت. کلیسا حتی با حمام رفتن به مبارزه پرداخت؛ زیرا خطوط بدن، انسان را به طرف گناه می‌راند. کلیسا چرک بدن را تحسین می‌کرده و بوی بدن، صورت تقدس به خود گرفت؛ زیرا به نظر سن پل، نظافت بدن و آرایش آن با نظافت روح منافات دارد. شپش نیز مروارید خدا شناخته شد. عوامل تمایل بشر به ریاضت و رهبانیت از این قرار است: ۱ - تمایل بشر برای رسیدن به حقیقت؛ ۲ - آمیخته بودن لذت‌های مادی با دردهای روحی؛ ۳ - محرومیت و شکست در موفقیت‌های مادی به‌ویژه شکست در عشق؛ ۴ - زیاده‌روی در لذت و خوش‌گذرانی. ۳. گفتنی است رانده شدن از جامعه و تقلید از دیگران نیز می‌تواند عامل تمایل به ریاضت باشند. باید دانست این نظریه (ریاضت و رهبانیت) نه تنها مورد پذیرش اسلام نیست، بلکه مطرود نیز هست و دین اسلام به شدت با آن به مبارزه برخاسته است. ۱. محمدتقی فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، تهران، هیأت نشر معارف اسلامی، چ ۱۵، ص ۳۵. ۲. ابوالقاسم اشتهاردی، الحجاب فی الاسلام، ص ۵۰. ۳. مسأله حجاب، ص ۳۵. مبارزه اسلام با رهبانیت الف) قرآن مجید درباره رهبانیت و گوشه‌نشینی می‌فرماید: قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ. (اعراف: ۳۲) بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ این آیه حرام کردن زینت‌ها و پرهیز از غذاها و روزی‌های حلال و پاک را نه تنها نشانه زهد و پارسایی و نزدیکی به پروردگار نمی‌داند، بلکه آن را نکوهش می‌کند. پس بین دستگاه آفرینش و دستورهای دینی تضادی وجود ندارد و خداوند نعمت‌های خود را برای استفاده بندگان آفریده است: ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابِئِنَّهُ ابْتَدَعُواهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ. (حدید: ۲۷) سپس در پی آنان، رسولان دیگر خود را فرستادیم و پس از آنان، عیسی بن مریم را مبعوث کردیم و به او انجیل عطا کردیم و در دل کسانی که از او پیروی کردند، رأفت و رحمت قرار دادیم. رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرر نداشته بودیم؛ گرچه هدفشان جلب خشنودی خدا بود، ولی حق آن را رعایت نکردند. از این رو، ما به کسانی از آن‌ها که ایمان آوردند، پاداش دادیم و بسیاری از آن‌ها فاسقند. در اسلام استفاده کردن از زیبایی‌های طبیعت، لباس‌های زیبا و متناسب و استفاده بوی خوش توصیه شده است. ۱. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹، ج ۶، ص ۱۴۹. ب) روایات ۱. روزی سه زن از شوهران خود به رسول اکرم شکایت کردند. یکی گفت شوهر من گوشت نمی‌خورد. دیگری گفت شوهر من از بوی خوش اجتناب می‌کند. سومی گفت شوهر من از زنان دوری می‌کند. پیامبر اسلام در حالی که به علامت خشم، ردایش را به زمین می‌کشید، از خانه به مسجد رفت. پس بر منبر آمد و فریاد کرد: «چه می‌شود گروهی از یاران مرا که ترک گوشت و بوی خوش و زن کرده‌اند؟! همانا من خودم، هم گوشت می‌خورم، هم بوی خوش به کار می‌برم و هم از زنان بهره می‌گیرم. پس هر کسی از روش من دوری کند، از من نیست». ۲. ۱. عباد بن کثیر با امام صادق علیه‌السلام روبه‌رو شد در حالی که امام لباس نسبتاً زیبایی بر تن داشت. به امام گفت: تو از خاندان نبوتی و پدرت علی علیه‌السلام لباس بسیار ساده می‌پوشید. چرا این لباس بر تن تو است؟ آیا بهتر نبود که لباسی کم‌ارزش‌تر از این می‌پوشیدی؟ امام علیه‌السلام فرمود: «وای بر تو ای عباد! چه کسی زینت‌هایی را که خداوند برای بندگان آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ خداوند وقتی نعمتی به بنده‌ای ارزانی فرمود، دوست دارد آن نعمت را بر بنده‌اش ببیند و اشکالی در این کار نیست». این در حالی بود که عباد دو لباس مخصوص پوشیده بود. ۲. ۳. عثمان بن مظعون از بزرگان و صحابه رسول گرامی اسلام خواست به تقلید از راهبان، تارک دنیا شود. از این رو، ترک زن و زندگی گفت و لذت‌ها را بر خویش حرام کرد. همسرش نزد رسول خدا آمد و عرض کرد: یا رسول الله

صلی‌الله‌علیه‌وآله! عثمان روزها را روزه می‌گیرد و شب‌ها به نماز برمی‌خیزد. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ناراحت شده برخاست و نزد وی آمد. عثمان مشغول نماز بود. پس صبر کرد تا نمازش تمام شود. آن‌گاه فرمود: «ای عثمان! خدا مرا به رهبانیت دستور نفرموده است. دین من روشی منطبق بر واقعیت و در عین حال ساده و آسان است.» ۱. ۳. اصول کافی، ج ۳. ۲. وسائل الشیعه، کتاب الصلاة، ابواب احکام الملابس، باب ۷، ج ۳، ص ۳۴۷، ح ۳. ۴. محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۷، چ سوم، ج ۵، ص ۴۹۴. (ج) اندیشمندان فرید وجدی در دایره‌المعارف القرن العشرين می‌گوید: و اما بعضی از مردم در مسأله حجاب زیاده‌روی کردند، به گونه‌ای که برای زنان تنگناهایی قرار دادند و بین آن‌ها و هر چیز دیگری، حتی در راه خارج شدن آنان برای دیدار اقوام و خویشان مانع قرار دادند. نتیجه این نگرش، محرومیت زن از دانش و سقوط از مقام انسانیت است. از آن‌جا که هر افراط و زیاده‌روی، تفریط و کوتاهی را به دنبال دارد، نتیجه این کار نیز پیدایش مذاهب گوناگون بود که زن مسلمان را به شکل زن غربی درآورد، حجاب را برداشتند و بین زن و مرد بذر اختلاط پاشیدند و ندانستند یا خود را به نادانی زدند که از این کار چه نتیجه‌ای به دست می‌آید، از قبیل فساد اجتماعی. پس بر ما واجب است که در مورد حجاب بنویسیم. ۱. با توجه به تأکید اسلام بر لزوم برخورداری انسان‌ها از نعمت‌های خداوندی، جایی برای رهبانیت و دوری از دنیا باقی نمی‌ماند. اسلام، سعادت را در گرو پرورش جسم و روح می‌داند. همان‌گونه که فرد و اجتماع، دنیا و آخرت و دین و دانش را باهم می‌خواهد و این همان پاسخ دادن به ندای فطرت است که قرآن می‌فرماید: پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن؛ این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند. (روم: ۳۰) بر این اساس، هر دو نظریه «آزادی هر گونه ارتباط و معاشرت» و «انحصار هر گونه معاشرت و ممنوعیت ارتباط زن و مرد» از نظر اسلام مردود است. ۱. محمد فرید وجدی، دایره‌المعارف القرن العشرين، دارالمعرفه، ۱۹۷۱، چ ۳، ج ۳، ص ۳۳۶. گفتار سوم: اسلام و حضور زن در اجتماع حضور زن و مرد به عنوان اعضای تشکیل دهنده جامعه انسانی، برای انجام کارهای روزانه و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و...، واقعیتی انکارناپذیر است. حضور و ایفای نقش زنان به عنوان نیمی از پیکره بشریت در سنگرهای تعلیم و تربیت، بهداشت و درمان و دیگر مراکز علمی و پژوهشی با رعایت پوشش و حفظ عفت مورد تأیید اسلام است. قرآن و حضور زن در اجتماع قرآن مجید در مورد چگونگی حضور زن در اجتماع می‌فرماید: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا. (احزاب: ۵۹) ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: جلباب‌ها (= روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای این که شناخته شوند و آزار نینند، نزدیک‌تر است (و اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده است، توبه کنند). خداوند آمرزنده و مهربان است. مرحوم علی بن ابراهیم قمی در شأن نزول این آیه می‌نویسد: آن روزها زنان مسلمان به مسجد می‌رفتند. (به مسجد رفتن زن از نشانه‌های حضور زنان در جامعه است که هر روز دست کم ۳ یا ۵ نوبت، مسیر منزل تا مسجد را طی کنند و با افراد مختلفی برخورد می‌کنند.) در این میان، بعضی از جوانان هرزه، آنان را اذیت می‌کردند. در این هنگام، این آیه شریفه نازل شد و به آن‌ها دستور داد حجاب داشته باشند تا مورد آزار و اذیت جوانان هرزه قرار نگیرند و در جامعه شناخته شوند. ۱. تعبیر «ان یعرفن» (تا آن زنان شناخته شوند)، تأییدی بر حضور زنان مسلمان در اجتماع بوده و به آنان می‌گوید: به گونه‌ای در جامعه حاضر شوید که هر کس شما را می‌بیند، بشناسد که مسلمان هستی. بدین ترتیب، حرمت شما حفظ می‌شود و عفت عمومی جامعه اسلامی در امان می‌ماند. به طور کلی، حجاب، مصونیت و سدی آهنین در برابر آزار و اذیت مزاحمان است. بیعت زنان با رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله بیانگر حضور فعال زن در جامعه اسلامی به شمار می‌رود و خدای متعال به پیامبرش دستور داد تا با زنان نیز بیعت کند. به همین دلیل، قرآن می‌فرماید: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَأَسْتَعْفِفْنَ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ. (ممتحنه: ۱۲) ای پیامبر! هنگامی که

زنان مؤمن برای بیعت نزد تو آمدند (با این شرایط) که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افتزایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای با فرمان تو مخالفت نکنند، با آن‌ها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آموزش بخواه که خداوند، آمرزنده و مهربان است. در این آیه شریفه، به جریان بیعت زنان در روز «فتح مکه» اشاره شده است. آن‌گاه که حضرت از بیعت با مردم فارغ شدند، در حالی که روی کوه صفا بودند، زنان مسلمان آمدند تا با ایشان بیعت کنند. روایت شده است: «هند، دختر عتبه در حالی که به صورت نقاب زده بود، از ترس این که رسول خدا او را شناسند، حضور داشت. حضرت فرمود: من با شما بیعت می‌کنم بر این که به خدا شرک نوزید. هند گفت: تو از ما به چیزی بیعت می‌کنی که بر آن از مردان بیعت نگرفتی. این در حالی بود که حضرت تنها بر اسلام و جهاد از مردان بیعت گرفته بود. حضرت فرمود: و بیعت می‌گیریم از شما که دزدی نکنید. هند گفت: ابوسفیان، مردی بخیل و چشم‌تنگ است و من با سختی از اموال او برداشته‌ام و نمی‌دانم آیا برای من حلال است یا نه؟ ابوسفیان گفت: آنچه در زمان گذشته از اموال من گرفته‌ای، برای تو حلال است. حضرت خنید و آن زن را شناخت و به او فرمود: تو هند دختر عتبه هستی؟ هند گفت: بله. پس عفو بفرما از گذشته یا نبی الله ... حضرت فرمود: و (بیعت می‌گیریم بر این که) زنا نکنید. هند گفت: آیا زن آزاد زنا می‌دهد؟ ... حضرت فرمود: و فرزندان را نکشید. هند گفت: ما آن‌ها را در کودکی رشد می‌دهیم و تربیت می‌کنیم. سپس وقتی بزرگ شدند، شما آن‌ها را می‌کشید و شما و آن‌ها بهتر می‌دانید (چون پسرش حنظله بن ابی سفیان در جنگ بدر به دست علی علیه‌السلام کشته شده بود). ... و چون حضرت فرمود بر این که در معروف نافرمانی نکنید، هند گفت: ما در این مجلس نشستیم، در حالی که نظر ما این بود تو را معصیت کنیم». ۲. در روایت دیگری آمده است: «ام الحکیم، دختر حارث بن عبدالمطلب بلند شد و پرسید: ای رسول خدا! معرفی که خدای متعال ما را به آن امر کرده که در آن تو را معصیت نکنیم، چیست؟ حضرت فرمود: لطمه به صورت زنید و چهره خود را نخرشید و موی خود را نکنید و گریبان چاک زنید و لباس سیاه نپوشید و صدا به «واویلا» بلند نکنید و بر سر قبر مردگان ننشینید». ۳. حضور زنان در جامعه نبوی و پرسش و پاسخ آنان با رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله بیانگر حضور زن در اجتماع اسلامی است. فرمان صریح خداوند و اقدام رسول گران‌قدر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در انجام فرمان الهی نیز نشان می‌دهد که نمی‌توان نقش زنان را در جامعه نادیده گرفت و مانع حضور زنان در صحنه‌های حساس اجتماعی هم چون بیعت شد. آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر آیه «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء: ۱۹) می‌نویسد: قرآن در این بخش، ما را متوجه کرده و می‌فرماید: با زن‌ها معاشرت نیک داشته باشید و زن را چون مرد در مجامعتان راه دهید و اگر خوش آیندتان نیست که آن‌ها در مجامعتان شرکت کنند، این کار ناخوشایند را بکنید؛ چرا که ممکن است خیر فراوانی در آن باشد و شما نمی‌دانید. ۴. از آیات قرآن به خوبی برمی‌آید که عمل به وظیفه دینی و اجتماعی و اقتصادی همواره انسان را به حضور در جامعه فرا می‌خواند و زنان پیامبر اسلام و دختران شعیب برای ایفای همین نقش در جامعه حضوری فعال داشته‌اند. در این زمینه به آیات زیر دقت فرمایید: ۱- وَالْمُؤْمِنَاتُ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. (توبه: ۷۱) مردان و زنان مؤمن دوستانار یکدیگرند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و از خدا و رسولش پیروی می‌کنند. به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد و خداوند صاحب اقتدار و درست‌کردار است. لازمه مشارکت زنان در انجام این کارها معاشرت و ارتباط با دیگر مردان و زنان است. ۲- يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا وَ مَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَ أَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا. (احزاب: ۳۰- ۳۱) ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکار مرتکب شود، عذاب او دوچندان خواهد بود این برای خدا آسان است. هر کس از شما برای خدا و پیامبرش خضوع کند و عمل صالح انجام دهد، پاداش او را دوچندان خواهیم ساخت و روزی پر ارزشی برای او

آماده کرده‌ایم. این آیه نشان می‌دهد که زنان پیامبر در جامعه حضور و با مردم معاشرت داشته‌اند؛ زیرا جامعه، میدان انجام کار نیک و زشت، است. از این گذشته، لازمه عمل به احکام خدا و رسول، حضور در جامعه است و بدون حضوری مؤثر چگونه می‌توان به همه احکام الهی عمل کرد؟ ۳- یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا. (احزاب: ۳۲) ای همسران پیامبر! شما هم چون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید. پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند. از این آیه نیز به خوبی برمی‌آید که زنان پیامبر با دیگران حرف می‌زدند و باید هم حرف بزنند، ولی سفارش شده است که شایسته سخن بگویند و به نرمی سخن نگویند. ۴- ... وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ... (بقره: ۲۸۲) ... و دو نفر از مردان خود را شاهد بگیرید و اگر دو مرد نبودند یک مرد و دو زن از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید... از این که زن می‌تواند شاهد باشد و در دادگاه شهادت دهد، به خوبی برمی‌آید که زنان می‌توانند در جامعه، حضور فعال داشته باشند. ۵- وَلَمَّا وَرَدَ مَاءٌ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْتَقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ. (قصص: ۲۳) و هنگامی که به آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آن جا دید که چهارپایان خود را سیراب می‌کنند و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشانند. به آن دو گفت: کار شما چیست؟ گفتند: ما آن‌ها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی خارج شوند و پدر ما پیرمرد کهن‌سالی است. همان گونه که از آیه برمی‌آید دختران و پسران به طور جداگانه بر سر چاه حضور می‌یافتند و این خود یکی از راه‌های مناسب برای حضور زنان در جامعه است. در ادامه همین آیه آمده است وقتی یکی از دختران حضرت شعیب آمد تا از حضرت موسی دعوت کند که به پیش پدرش برود، او با حیا و وقار راه می‌رفت. ۱. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، تصحیح: جزایری، نجف، مکتبه المهدی، ۱۳۸۷ ه. ق، ص ۱۹۶. ۲. فضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۸۹ م، ج ۱، ص ۹-۱۰، ص ۴۱۴؛ تفسیر قمی، ص ۳۶۴، ح ۲. ۳. بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۱۱۳. ۴. زن در آینه جلال و جمال، ص ۳۶۹. تاریخ و حضور زن در اجتماع حجاب و حفظ حریم ارتباط، مانع حضور و نقش آفرینی زنان در اجتماع نیست. حضور زنان در جامعه اسلامی تا آن جا گسترده بوده است که در تاریخ، شمار زیادی زن صحابی ائمه را می‌بینیم که گروهی از آنان مصادر فقه و حدیث و تفسیر و معارف اسلامی هستند. ۱. حضرت امام خمینی رحمه‌الله در این باره می‌فرماید: تاریخ دیده است که چه زن‌هایی در دنیا بوده‌اند و زن چیست؟ ما خود دیده‌ایم که اسلام چه زن‌هایی را تربیت کرده است...؛ این‌ها که تربیت اسلامی دیده‌اند، خون داده‌اند، کشته داده‌اند، به خیابان‌ها ریختند و نهضت را پیروز کردند. ما نهضت خودمان را مدیون زن‌ها می‌دانیم... این زن را در دوره رضاخان و پسرش از مقام خود منحنط کردند. مرد را هم منحنط کردند. جوان‌ها را هم منحنط کردند... فردا روز زن است، روز (تولّد) زنی (است) که دو عالم به او افتخار دارد. روز زنی که دخترش (زینب علیهاالسلام) در برابر حکومت‌های جبار ایستاده و آن خطبه را خواند. در برابر کسی ایستاد که اگر مردها در برابرش نفس می‌کشیدند، همه را می‌کشتند. او نترسید و حکومت یزید را محکوم کرد و به او گفت: «تو قابل آدم شدن نیستی»... زن یک هم چون مقامی باید داشته باشد. زن‌های عصر ما بحمدالله شبیه به همان‌ها هستند. ۲. زینب کبری علیهاالسلام نیز با کمال عفاف و پوشش در اوج مصایب با حفظ حجاب به پاسداری از نهضت کربلا پرداخت و با کمال شهامت در مجلس یزید به پا خاست و فریاد زد: «ای پسر کسی که رسول خدا او را آزاد کرد، آیا عدالت همین است که تو زنان و کنیزان خود را در پس پرده بنشانی و دختران رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را در مجلس بیگانگان برپا داری، پرده زنان ما را ربودی و نقاب از چهره‌شان برگرفتی...؟» ۱. بنا بر نقل کتاب اسد الغابه، ۸۰۰۰ نفر و به گفته الاصابه، ۱۲۰۰۰ نفر از اصحاب حضرت رسول ۶ را زنان تشکیل می‌دادند. ثریا مکنون و مریم صانع‌پور، بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۵۴. ۲. صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۵؛ پیام امام خمینی به مناسبت روز زن، ۲۶/۲/۱۳۸۵. ۳. احمد بن ابی طاهر طیفور، بلاغات النساء، قم،

انتشارات شریف رضی، ص ۳۵. زنان نمونه در تاریخ گذشته اینک به معرفی زنان بزرگی می‌پردازیم که انسان‌های نمونه تاریخ بوده‌اند. ۱- آسیه، همسر فرعون قرآن مجید از این زن به نیکی یاد کرده و او را به عنوان الگو معرفی می‌کند. این زن همسر فرعون بود و در تجملات زندگی می‌کرد، ولی شخصیت خود را فراموش نکرد و به موسی و خدای موسی ایمان آورد و او را در دامان خود پرورش داد. ۱. «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عُنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» تحریم: ۱۱. ۲- مریم، دختر عمران او دختری بود که با ایمان و تلاش به مقامات بلندی رسید. قرآن مجید بارها از فضایل و نام او سخن گفته و از او به نیکی یاد کرده است. ۱. خداوند بدون داشتن همسر، به او فرزندی عطا کرد که پیامبر اولوالعزم بود. حضرت مریم آن قدر به عبادت می‌ایستاد که پاهایش ورم کرد. وی در نه سالگی در روزه و نماز و پارسایی از همه عبادت‌کنندگان زمان خود پیشی گرفت و در صبر و مقاومت در برابر حوادث یگانه زمانه بود. ۲. نوزدهمین سوره قرآن به نام این بانو، مریم نام‌گذاری شده است. ۲. محمد محمدی اشتهاردی، زنان مردآفرین تاریخ، تهران، انتشارات نبوی، ۱۳۷۶، چ ۲، ص ۶۶ به بعد. ۳- خدیجه او از خاندان قریش و زنان معروف و ثروتمند مکه به شمار می‌آمد و در پاکی و عفت چنان بود که در زمان جاهلیت به او طاهره می‌گفتند. پس از ازدواج با رسول خدا نیز اولین زنی بود که به رسول خدا ایمان آورد. حضرت خدیجه در سال وفات حضرت ابوطالب درگذشت و آن سال، عام الحزن نامیده شد. ۴. فاطمه زهرا علیهاالسلام پشتیبانی او از ولایت تا مرز شهادت گویای حضور فعال او در اجتماع است. پیامبر اسلام می‌فرماید: مردان بسیاری به سرحد کمال رسیدند، ولی از زنان تنها چهار زن تکامل یافته و به سرحد کمال واقعی رسیده‌اند: آسیه، زن فرعون؛ مریم، دختر عمران؛ خدیجه، دختر خویلد و فاطمه، دختر حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله. ۲. شخصیتی که حضور او در جامعه اسلامی آن چنان نقش آفرین بوده و هست که تمام صفات انسان کامل در ایشان تجلی یافته است. دخترش، حضرت زینب کبری نیز با حضور خود، از عاشورا و نهضت امام حسین علیه‌السلام پاسداری کرد. ۱. همان، ص ۹. ۲. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۸۰. زنان نمونه در تاریخ معاصر در تاریخ معاصر نیز زنان مجاهد و فداکاری را می‌توان یافت که با حضور در صحنه‌های اجتماعی، نقش خود را به خوبی ایفا کرده‌اند. ۱- بانو مجتهده امین اصفهانی (معروف به بانوی ایرانی): حاجیه خانم امین؛ ام‌الفضائل از مفاخر عالم شیعه و اسلام به‌شمار می‌رود و نظیر او کم‌تر دیده شده است. ۲. بانو عفت‌الزمان امین: از اندیشمندان نیمه دوم قرن چهاردهم هجری است. ۳- بنت‌الهدی صدر: در سال ۱۳۶۵ قمری در کاظمین متولد شد و در ۲۰ جمادی الاولی سال ۱۴۰۰ زیر شکنجه نیروهای رژیم بعث عراق درگذشت و در نجف به خاک سپرده شد. ۱. ابوالفضل شکوری، فرهنگ رجال و مشاهیر تاریخ معاصر ایران، تهران، علامه، ۱۳۷۷، چ ۱، ج ۲، ص ۱۳۲. حضور زن در جامعه کنونی گوستاولوبون، دانشمند، محقق و تاریخ‌نگار فرانسوی می‌نویسد: تنزل مقام زن ربطی به اسلام ندارد؛ زیرا اسلام مقام زن را ارجمند ساخته و برتری داده است. ۱. افزون بر این سخن، واقعیت‌های جامعه اسلامی نیز نشان می‌دهد که زنان با حفظ حجاب خود هم‌دوش مردان، به انجام وظایف اجتماعی‌شان مشغولند. صندوق کودکان ملل متحد در گزارشی درباره بهبود وضعیت آموزش دختران در ایران که در سال ۲۰۰۰ م، منتشر کرد، با چشم‌گیر و تحسین‌برانگیز توصیف کردن فعالیت‌های انجام شده در این زمینه گفته است: «از سال ۱۹۸۶ م. (۱۳۶۵ ه. ش) تا کنون میزان ثبت نام دختران در دبستان‌های ایران از ۸۰ درصد به ۹۶ درصد افزایش یافته است». بر پایه این گزارش، برابری تحصیل دختران و پسران در ایران از سیاست‌های دولت این کشور است، به گونه‌ای که در روستاها نیز نسبت ثبت نام دختران در پنج سال گذشته از ۶۰ درصد به ۸۰ درصد افزایش یافته است. در این گزارش، به نسبت ۵۲ درصدی دختران راه یافته به دانشگاه‌های دولتی نیز اشاره شده است. بر اساس این گزارش، مهم‌ترین راهبرد مؤثر در این زمینه، به کارگیری آموزگاران زن برای تدریس و آموزش دختران بوده است. بر اساس عقاید اجتماعی و فرهنگ (مذهبی) موجود، بسیاری از خانواده‌های ایرانی، دختران خود را به مدارس می‌فرستند، نمی‌فرستند. در این گزارش برای بهبود وضعیت تحصیلی دختران در ایران به اقدامات انجام شده مانند: بازنگری در کتاب‌ها و برنامه‌های درسی،

دگرگونی در روش‌های تدریس و استحکام و ایمنی مدارس اشاره شده است. بنابراین گزارش، بر اساس یک پژوهش که در سه استان ایران انجام شده است، ۲۵ درصد از خانواده‌هایی که دخترانشان به مدرسه نمی‌روند، معتقدند تحصیل دختران تأثیری در ایفای نقش‌های آینده آنان به عنوان مادر و همسر ندارند. هم‌چنین ۴۳ درصد دیگر از این خانواده‌ها، مشکلات اقتصادی را مانعی برای تحصیل دختران خود دانسته و تأکید کرده‌اند که تهیه لوازم و لباس مخصوص مدرسه، هزینه سنگینی برای آن‌ها دارد. ۱. ۲. گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سید محمد تقی گیلانی، تهران، انتشارات اعلمی، چ ۴، ص ۲۲. ۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۵۹۴۴، ۲۳/۹/۱۳۷۸، ص ۲.

فصل سوم: اسلام و روش‌های معاشرت

دین اسلام، جامع‌ترین دین الهی و بیان‌کننده همه دستورها و راه‌کارهای مورد نیاز یک زندگی سعادت‌مندانه است. دینی که دستورهای آن در دو گوهر گران‌بها؛ قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام در میان امت اسلامی تجلی کرده است. مسلمانان با به کارگیری آموزه‌های دو منبع الهی می‌توانند برنامه‌های زندگی خود را سامان دهند. در این جا، روش‌های معاشرت زنان و مردان را از دیدگاه قرآن در آینه تفسیرها، روایت‌ها و نظریه‌های فقیهان و صاحب نظران اهل تشیع و تسنن در قالب چند گفتار پی می‌گیریم. گفتار اول: نگاه آسان‌ترین راه ارتباط و معاشرت، نگاه کردن است. از «کاشفی نویسنده ذخیره الملوک نقل شده است که تیزروترین یکی که شیطان در وجود انسان دارد، چشم است؛ زیرا حواس دیگر در مسکن خود ساکنند و تا چیزی به ایشان نرسد، به طلب آن مشغول نمی‌شوند، ولی چشم از دور و نزدیک، بدی و پشیمانی را صید می‌کند. این همه آفت که به تن می‌رسد از نظر توبه شکن می‌رسد دیده فرو پوش چو در صدف تا نشوی تیر بلا را هدف ۱» ۱ - اقسام نگاه از نظر فقه نگاه از نظر فقه پنج گونه است: ۱. اسماعیل حقی حنفی البرسوی، تفسیر روح البیان، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۰۵ ه. ق، ۱۹۸۹ م، چ ۷، ج ۶، ص ۱۴۱. الف - نگاه واجب نگاه کردن به خودی خود واجب نیست، ولی اگر مقدمه کار واجب دیگری قرار گیرد، واجب می‌شود، مانند این که شخصی نذر کند به خط قرآن، خانه کعبه یا امثال آن نگاه کند. در صورت تحقق نذر، نگاه کردن به این موارد بر شخص نذر کننده واجب می‌شود. ب - نگاه مستحب نگاه کردن به صورت پدر و مادر از روی مهربانی و نگاه کردن به عالم و امام عادل این گونه است. امام علی علیه‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌روایت می‌کند که فرمود: *النَّظْرُ إِلَى الْعَالَمِ عِبَادَةٌ، وَ النَّظْرُ إِلَى الْإِمَامِ الْمُقْسِطِ عِبَادَةٌ، وَ النَّظْرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ بِرَافَةٌ عِبَادَةٌ وَ النَّظْرُ إِلَى الْأَخِ تَوَدُّهُ فِي اللَّهِ عِزٌّ وَ جَلَّ عِبَادَةٌ*. ۱. نگاه به صورت عالم، امام عادل، نگاه به پدر و مادر از روی مهربانی و نگاه به برادری که برای رضای خداوند او را دوست داشته باشی، عبادت است. ۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۸؛ شیخ طوسی، امالی، کتاب العشرة، ج ۱، ص ۶۹. ج - نگاه مباح نگاهی است که بدون توجه و قصدی انجام شود مشروط به این که حرام نباشد مانند: نگاه کردن به کوه و دشت و صحرا و... د - نگاه مکروه بنا بر فقه مالکی، اگر مکلف در خلوت باشد، مکروه است که بدون حاجت، شرمگاه خود را کشف کند. ۱. هم‌چنین برای مرد مکروه است که به شرمگاه همسرش نگاه کند. ۱. ۲. عبدالرحمن جزری، الفقه علی مذاهب الاربعه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ه. ق / ۱۹۹۶ م، چ ۱، کتاب الصلاة، ستر العورة خارج الصلاة، ص ۱۸۴. ۲. شیخ طوسی، خلاف، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۸۲، چ ۲، ج ۴، ص ۲۴۹. ه - نگاه حرام نگاهی است که در آن قصد لذت و شهوت‌رانی از غیر همسر و کنیز باشد یا ترس واقع شدن در فتنه در آن نگاه موجود باشد. نگاه به بدن نامحرم نیز بدون قصد لذت حرام است. ۲ - محرم و نامحرم از نظر اسلام هر زن و مردی نسبت به همدیگر یا محرم هستند یا نامحرم (اجنبی). هر زن و مردی که ازدواج آن‌ها از نظر شرعی حرام باشد، با همدیگر محرم هستند و در غیر این صورت، نامحرم می‌باشند. البته ازدواج با خواهرزن تا زمانی که مرد زن خود را طلاق نداده باشد و عده‌اش نیز تمام نشده است یا زنش فوت نشده باشد، حرام است. در عین حال، خواهرزن محرم نیست. روش‌های محرمیت زن و مرد اسبابی که بین زن و مرد محرمیت ایجاد می‌کنند از این

قرارند: الف - خویشاوندی از این راه ۷ گروه از زنان بر ۷ گروه از مردان محرم می‌شوند که ازدواج با آنها حرام است، ولی نگاه کردن به بدن آنها (به جز شرمگاه) بدون قصد لذت جایز است. افرادی که از راه خویشاوندی به یکدیگر محرمند عبارتند از: ۱ - مادر و مادر بزرگ‌ها (از طرف پدر و مادر)؛ ۲ - دختر و نوه دختری؛ ۳ - خواهر پدري یا مادري یا پدر و مادري؛ ۴ - دختر برادر پدري یا مادري هر دو؛ ۵ - دختر خواهر پدري یا مادري یا هر دو؛ ۶ - عمه؛ خواهر پدري یا مادري یا پدر و مادري پدر؛ عمه پدر و عمه مادر و عمه پدر بزرگ و عمه مادر بزرگ. ۷ - خاله؛ خواهر مادر پدري یا مادري یا پدر و مادري (خاله پدر و خاله مادر و خاله پدر بزرگ و خاله مادر بزرگ). ب - شیردهی ممکن است ارتباط‌های خویشاوندی با شیر دادن به وجود آید. کودکی که از شیر زنی غیر از مادر خود بخورد (با شرایطی که در کتاب فقهی آمده است) مانند این است که از آن زن متولد شده باشد. آن زن در حکم مادرش و برادر آن زن، دایمی اوست. ۱. سید روح‌الله الموسوی الخمینی، تحریر الوسیله، کتاب النکاح فی القول فی الرضا، قم، دارالعلم، چ ۲، مسأله ۷. ج - ازدواج یکی دیگر از اسباب محرمیت ازدواج زن و مرد است که با خواندن صیغه عقد با یکدیگر محرم می‌شوند. افرادی که از این طریق با یکدیگر محرم هستند عبارتند از: ۱ - زن پدر: اگر پدري ازدواج مجدد کند، این زن و فرزندان این پدر با یکدیگر محرم می‌شوند. هم‌چنین زن پدر بزرگ خواه در عقد دائم باشد یا موقت، محرم است. ۲ - مادر زن و مادر او (مادر بزرگ زن) و مادر پدر او هر چه بالا بروند؛ ۳ - دختر زن و هر چه پایین بیاید (نوه زن). ۴ - پدر شوهر و پدر بزرگ‌های شوهر و هر چه بالا بروند. نگاه کردن آنها به بدن همدیگر بدون قصد لذت و شهوت‌رانی جایز است و هیچ کدام از این افراد پس از سن تمییز ۱ مجاز نیستند که به عورت یکدیگر نگاه کنند. ۱. سنی است که کودک خوبی و بدی را تشخیص می‌دهد. ۳ - نگاه از زاویه‌ای دیگر نگاه در تقسیم‌بندی دیگر به دو نوع تقسیم می‌شود: الف - نگاه از روی قصد لذت و شهوت‌رانی گاهی با دیدن یک چهره یا تابلوی زیبا لذت در انسان پدیدار می‌شود و گاهی انسان به قصد لذت بردن از کسی یا چیزی به آن نگاه می‌کند. مسلم است میان آن که برای انسان لذت حاصل شود با این که به قصد لذت بردن، کاری انجام دهد، از نظر حکم فرق می‌کند. لذت در مورد اول به لذت طبیعی و در مورد دوم به لذت جنسی معروف است. آیت‌الله حکیم در این باره می‌نویسد: با نگاه به صورت زیبا، لذت طبیعی برای انسان به دست می‌آید - و این غیر از لذت جنسی است - اگر با حاصل شدن لذت، نگاه حرام باشد، در این صورت باید نگاه به صورت زیبا استثنا شود و تنها نگاه به قصد لذت باید حرام باشد. علی بن سوید از اصحاب امام رضا علیه‌السلام می‌گوید: به امام رضا علیه‌السلام عرض کردم من با زن زیبا روی زیاد سر و کار دارم و وقتی به او نگاه می‌کنم از زیبایی او لذت می‌برم. امام علیه‌السلام فرمود: اگر خداوند نیت درستی در تو ببیند، مانعی ندارد. از زنا پرهیز؛ زیرا زنا برکت و ایمان را از بین می‌برد. امام رضا علیه‌السلام در این روایت، نیت را تعیین کننده دانسته است و عبارت «إذا عرف الله من نيتك الصدق» نیز بر نقش تعیین کننده نیت دلالت دارد. اگر بگویم اضطرابی در کار نبوده و نگاه اتفاقی است، در این صورت نیت معنا ندارد. ۱. بنابراین قصد لذت باعث حرام شدن نگاه است نه حاصل شدن لذت. حتی می‌توان گفت اگر کسی با قصد لذت بردن به زنی نگاه کند و لذتی برای او حاصل نشود، کار حرامی انجام داده و برعکس، اگر بدون قصد لذت به زنی نگاه کند و لذت ببرد، کار حرامی انجام نداده است. ۱. محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروة الوثقی، قم، مؤسسه دارالتقریر، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۴، ص ۳۰. ب - نگاه بدون قصد لذت و شهوت‌رانی گاهی مرد و زن در روابط اجتماعی، مجبور هستند بدون قصد لذت و شهوت‌رانی به یکدیگر نگاه کنند. اکنون به بررسی حکم چنین نگاهی از دیدگاه آیات و روایات می‌پردازیم. نگاه در قرآن قرآن مجید با دو بیان بر اهمیت نگاه تأکید می‌کند. بیان اول - فرمان به چشم‌پوشی در قرآن آمده است: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ * وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ. (نور: ۳۱ - ۳۲) به مردان باایمان بگو چشمان خود را (از نگاه به نامحرم) فروگیرند و شرمگاه‌های خود را حفظ کنند. این برای آنها پاکیزه‌تر است و خداوند از آن چه انجام می‌دهید، آگاه است. به زنان باایمان نیز بگو چشمان خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و شرمگاه‌های خویش را

حفظ کنند. امام باقر علیه‌السلام درباره شأن نزول این آیه فرمود: «جوانی از انصار در مسیر راه خود با یک زن روبه‌رو شد (زنان در آن زمان مقنعه خود را پشت گوش‌ها قرار می‌دادند و گردن و بخشی از سینه آن‌ها پیدا بود). چهره زن، نظر جوان انصاری را به خود جلب کرد و جوان دیدگان خود را به او دوخت. هنگامی که آن زن رد شد، جوان هم چنان با چشمانش او را می‌نگریست و به راه خود ادامه می‌داد تا این که وارد کوچه‌ای شد، ولی هنوز پشت سر خود را نگاه می‌کرد. ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه‌ای شیشه که در شکاف دیوار بود، صورتش را شکافت. چون زن رد شد (و از دیده او پنهان گشت)، جوان دید خون بر روی لباس و سینه‌اش جاری است. پس با خود گفت: به خدا سوگند، خدمت رسول خدا می‌روم و این ماجرا را بازگو می‌کنم. هنگامی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله این جوان را دید، فرمود: چه اتفاقی افتاده است؟ جوان ماجرا را نقل کرد. در این هنگام، جبرئیل فرود آمد و آیه اول را نازل فرمود که «به مردان باایمان بگو: چشمان خود را از نگاه به نامحرم فروگیرند و شرمگاه‌هایشان را حفظ کنند، این برای آن‌ها پاکیزه‌تر است و خداوند از آن‌چه انجام می‌دهید، آگاه است.» ۱ نکته‌های تفسیری ۱۱ - غضب به معنای نقصان و کوتاه کردن است. خداوند، در این آیات زنان و مردان را به بستن چشم دستور نداده، بلکه به کوتاه کردن نگاه فرمان داده است؛ زیرا کلمه غضب بصر به معنای بستن چشم نیست. خدا فرمان داده است تا نگاه خود را از آن‌چه نگاه کردن به آن روا نیست، باز دارید. ۲ - استفاده از حرف من در این آیه نشان دهنده آن است که چشم‌پوشی از همه چیز لازم نیست. ذکر نشدن من در فروج نشان می‌دهد که حفظ آن از نگاه همه واجب است. بعضی من را من زایده دانسته‌اند. ۳ - منظور از حفظ فروج، پوشانیدن دقیق آن‌هاست، به گونه‌ای که کسی آن‌ها را نبیند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «در همه جای قرآن، حفظ فرج به معنای محافظت آن از زناست، ولی در این آیه، مراد پوشانیدن عورت است.» ۴۲ - منظور از فرو بستن چشم، نگاه نکردن زن و مرد با قصد شهوت‌رانی است، چنان که در شأن نزول آیه آمده است. نگاه جوان در لحظه‌های بعدی از همین نوع نگاه بود، به گونه‌ای که او را از خود بی‌خود کرد و از توجه به موانع سر راهش بازداشت. ۵ - در پایان آیه به علم خداوند اشاره شده است و می‌فرماید خداوند از آن‌چه انجام می‌دهید، آگاهی دارد. پس از مخالفت با پروردگار دوری کنید و در هر حال، مواظب باشید که خلاف نکنید. روزی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در حجره فاطمه علیها‌السلام بود. در این هنگام، ابن ام مکتوم که نابینا بود آمد و فاطمه پنهان شد. وقتی ابن ام مکتوم رفت، فاطمه علیها‌السلام نزد پدر آمد. حضرت فرمود: ای فاطمه! چرا پنهان شدی، حال آن که ابن ام مکتوم نابیناست. فاطمه علیها‌السلام گفت: اگر او چشم ندارد، من که دارم. اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم. خدای متعال فرموده است: «(ای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله! زنان مؤمنه را بگو از مردان نامحرم چشم فرو بندید و به آنان نگاه بد نکنید.» رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «سپاس خدای را که در اهل بیتم به من کسی را عطا کرد که به وجودش شاد شوم.» این آیات بیانگر هدف والای اسلام (ایجاد مدینه فاضله) است؛ جامعه‌ای که در آن شهوت‌رانی و نگاه‌های زهرآلود وجود نداشته و حرکات شهوت برانگیز ممنوع باشد و زینت‌گرایی جاهلانه از بین برود. ۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۰۱؛ مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۲۱۶؛ عبد علی بن جمعه، العربی الحویفری، نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۵۸؛ تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۱۶؛ سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۵۱۰؛ ملامحسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، مشهد، دارالمرتضی للنشر، چ اول، ج ۲، ص ۴۲۹؛ منهج الصادقین، ج ۶، ص ۲۹۴؛ بانوی اصفهانی، کنز العرفان، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱، ج ۹، ص ۱۰۲؛ شیخ محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، چ اول، ج ۹، ص ۲۷۷. ۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۱۶. بیان دوم - بزرگداشت حافظ نگاه قرآن مجید اهمیت نگاه را در قالب داستان دختران شعیب این گونه نشان می‌دهد: قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِزْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَزْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ. (قصص: ۲۶) یکی از آن دو دختر (صفورا) گفت: ای پدر! او را استخدام کن؛ زیرا او بهترین کسی است که می‌توانی استخدام کنی. او قوی و امین نیز هست. وقتی صفورا، دختر شعیب به پدرش چنین پیشنهادی داد، حضرت شعیب در پاسخ گفت: قوی بودن این مرد را از آب کشیدنش فهمیدی که به تنهایی آن همه دلو را از

چاه کشید (یا سنگ بزرگی را بلند کرد)، ولی چگونه به امانت او پی بردی؟ گفت: از این جا فهمیدم که به من گفت دنبال من بیا و از پشت سر مرا راهنمایی کن؛ زیرا من از خاندانی هستم که پشت سر زنان را نگاه نمی‌کنند. من از این جا فهمیدم که مردی امین است. ۱. سید قطب در تفسیر این آیه می‌نویسد: دختران شعیب از شغل چوپانی ناراحت بودند؛ زیرا مردم مزاحم آن‌ها می‌شدند. آن‌ها زنانی پاک‌دامن بودند و نمی‌خواستند در حضور نامحرم به این کار مشغول باشند. این دو دختر با این وضعیت، جوانی رانده شده از قوم خود را می‌بینند که هم قوی است و هم امین. لزومی ندارد ما موسی را به این خاطر قوی معرفی کنیم که صخره‌ای را بلند کرد و او را امین معرفی کنیم به خاطر این که گفت شما پشت سر من بایید؛ زیرا باد، لباس شما را کنار می‌زند... چون حضرت موسی علیه‌السلام و دختران شعیب نگاه پاک داشتند و عفت و امانت احتیاج به این گونه توضیحات ندارد. ۲. این آیه از آیاتی است که بر مواظبت در نگاه تأکید و با ستودن حضرت موسی به دلیل این صفت نیکو، از او به عنوان امین یاد کرده است. ۱. المیزان، ج ۱۶، ص ۲۶؛ نورالثقلین ج ۴، ص ۱۲۳؛ روح المعانی، ج ۳، ص ۳۹۷؛ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۳، ص ۴۶۸. ۲. فی ظلال القرآن، ج ۱۹، ص ۲۶۷۸. نگاه در روایات ۱ - آثار زیان‌بار نگاه الف - حسرت و پشیمانی طولانی امام صادق علیه‌السلام فرمود: *النَّظْرَةُ مِنْ سَهَامِ إبْلِيسَ مَسْمُومٌ، وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً.* نگاه، تیری از تیرهای زهر آگین شیطان است و چه بسا یک نگاه، پشیمانی طولانی به دنبال آورد. ۱. ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۱۰۴، ص ۱۳۸، ح ۱. ب - غرق شدن در فتنه امام صادق علیه‌السلام فرمود: *النَّظْرَةُ بَعْدَ النَّظْرَةِ تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً.* نگاه بعد از نگاه (چشم‌چرانی) شهوت را در قلب می‌رویاند و همین برای غرق شدن صاحبش در فتنه کافی است. ۱. تعبیر «النظرة بعد النظرة» بیانگر نگاهی است که از روی قصد و با انگیزه شهوت‌رانی صورت گیرد؛ چون اراده و اختیار انسان در نگاه دوم، جلوه‌گر است. ۱. همان، ح ۶. ج - واکنش دنیایی نگاه امام صادق علیه‌السلام فرموده است: *مَا يَأْمُنُ الَّذِينَ يَنْظُرُونَ فِي أَذْبَارِ النِّسَاءِ أَنْ يُنْظَرَ بِذَلِكَ فِي نِسَائِهِمْ.* کسانی که پشت زنان را نگاه می‌کنند بدانند که همین کار در حق زنانشان انجام خواهد شد. ۱. «باب‌بصیر از امام صادق علیه‌السلام پرسید: مردی هست که پشت سر زن‌ها نگاه می‌کند. این کار چه حکمی دارد؟ حضرت فرمود: آیا خوشحال می‌شوید کسی پشت سر خانواده و خویشاوندان نگاه کند؟ ابوبصیر گفت: نه. حضرت فرمود: آنچه را برای خود می‌پسندی، برای دیگری هم بپسند.» ۱. همان، باب ۱۰۸، ح ۱. ۲. حرام بودن نگاه امام رضا علیه‌السلام فرموده است: تهییج مردان و برانگیختن آن‌ها به فساد و داخل کردن در چیزی که برای مرد حلال نیست، دلیل حرام شدن نگاه به زن بیگانه است. ۱. همان، باب ۱۰۴، ص ۱۴۰، ح ۱۲. ۳. پاداش پرهیز از چشم‌چرانی امام صادق علیه‌السلام فرمود: *النَّظْرَةُ مِنْ سَهَامِ إبْلِيسَ مَسْمُومٌ، مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا لِعَيْتِرِهِ أَعَقَبَهُ اللَّهُ أُمَّنًا وَ إِيْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ.* نگاه، تیری از تیرهای زهر آگین شیطان است که هر کس آن را برای خدا و نه برای غیر خدا ترک کند، خدا به او امنیت و ایمانی می‌دهد که طعم آن را می‌چشد. ۱. هم‌چنین از ایشان نقل شده است که: *مَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ فَرَفَعَ بَصِيرَتَهُ إِلَى السَّمَاءِ أَوْ غَضَّ بَصَرَهُ لَمْ يَزِدْ إِلَيْهِ بَصَرَهُ حَتَّى يُزَوِّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ.* کسی که نگاهش به زنی بیفتد و چشمش را به طرف آسمان بلند کند یا چشم‌پوشی کند، چشم بر هم زدنی نمی‌گذرد که خدای متعال حورالعینی را به ازدواج او درمی‌آورد. ۲. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز فرمود: شما شش چیز را ضمانت کنید تا من برای شما بهشت را ضمانت کنم: چون سخن گفتید، راست بگویید. چون وعده کردید، وفا کنید. چون امانت به شما سپردند، ادا کنید. دامن خود را از زنا و چشم خود را از حرام نگاه دارید و از لقمه حرام دست کشید تا بهشت را برای شما ضمانت کنم. ۳. همان، باب ۱۰۴، ح ۵. ۲. همان، ح ۹. ۳. ابوالمحاسن حسین بن الحسن جرجانی، جلاء الاذهان و جلاء الاحزان، تهران، چاپ‌خانه دانشگاه، ۱۳۳۷، ص ۲۹۸؛ کنز العرفان، ج ۹، ص ۹۵. نگاه در فقه شیعه نگاه به عنوان یک کار اختیاری دارای انگیزه‌های مختلفی است. گفتیم که در یک تقسیم‌بندی، نگاه به دو قسمت تقسیم می‌شود: ۱ - نگاه شهوت‌آلود و با قصد لذت چنین نگاهی تنها برای زن و شوهر جایز است و بر این اساس، هیچ زن و مرد دیگری حق ندارند با قصد لذت به یکدیگر نگاه کنند و حتی نگاه کردن با قصد به دست و صورت محارم نیز حرام است. ۲ - نگاه بدون شهوت و قصد لذت این گونه نگاه، خود، انواع

مختلفی دارد. نوع اول - نگاه مرد به زن نامحرم به غیر از صورت و دست‌ها خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ؛ و زینت خود را آشکار نسازند». (نور: ۳۱) مراد از زینت، محل زینت است و آیه بر واجب بودن پوشش و حرام بودن بی‌حجابی دلالت دارد. با توجه به این که پوشش در غیر نماز تنها مقدمه نگاه نکردن است، حرام بودن نگاه مرد به محل‌های زینت ثابت می‌شود. غیر از آیه شریفه، روایاتی بر حرام بودن نگاه به غیر از صورت و دست‌های زن مسلمان دلالت می‌کنند. این روایات به چند دسته تقسیم می‌شوند. دسته‌ای از روایات بر حرام بودن نگاه به دست و صورت زن تأکید می‌کنند که از این روایات حرام بودن نگاه به دیگر اعضای بدن را نیز می‌توان استفاده کرد. دسته‌ای دیگر از روایات به مرد اجازه داده تا به زنی که قصد ازدواج با او را دارد، نگاه کند. این روایات به روشنی دلالت بر عدم جواز نگاه بدون قصد ازدواج دارد. سکونی از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «نگاه کردن به موها و دست‌های زنان اهل کتاب (غیرمسلمان) جایز است». ۱. با دقت در این حدیث، حکم نگاه کردن به زنان مسلمان روشن می‌شود. دسته‌ای دیگر از روایات، نگاه کردن به زنانی را که توجه ندارند، جایز می‌دانند؛ زیرا اگر آن‌ها را از این کار بازدارند، نمی‌پذیرند. در این روایات، حرام بودن نگاه مرد به زن مسلمان که به مسایل توجه دارد، روشن می‌شود. امام صادق علیه‌السلام فرمود: نگاه کردن به زنان اعراب مکه و سیاهان و علوج که وقتی از کاری نهی شدند، اطاعت نمی‌کنند، اشکالی ندارد. هم‌چنین نگاه به زن دیوانه اگر تعمدی در کار نباشد، اشکال ندارد. ۲. آیت‌الله العظمی خویی نگاه زن به صورت و دست‌های مرد را بدون قصد شهوت و لذت جایز دانسته و این پرسش را مطرح می‌کند، که آیا نگاه مرد به صورت و دست‌های زن استثناء شده است؟ باید دانست محقق حلی رحمه‌الله گفته است: «نگاه اول جایز است و نگاه دوم، حرام». ۳. صاحب جواهر رحمه‌الله نیز آن را مطلقاً حرام می‌داند. ۴. هم‌چنین شیخ انصاری رحمه‌الله آن را به دلایل زیر مطلقاً جایز می‌شمارد: دلیل اول - نص قرآن خداوند می‌فرماید: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا؛ و زنان زینت‌های خود را آشکار نسازند مگر زینت‌هایی که ظاهر هستند». (نور: ۳۱) خداوند در این آیه به زن اجازه می‌دهد تا زینت ظاهری خودش را آشکار سازد. دست‌ها و صورت محل زینت هستند و این آیه نگاه به این اعضا را جایز می‌شمارد. آیت‌الله العظمی خویی در ادامه می‌نویسد: این استدلال قابل قبول نیست؛ زیرا استدلال به این آیه از دو حالت خارج نیست: الف) در این آیه مراد از زینت - با قطع نظر از روایات - خود زینت است نه مواضع زینت. خداوند می‌فرماید: «وَلَا يُضَرِّبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ». (نور: ۳۱) و هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان آشکار نشود (و صدای خلخال که به پای دارند، به گوش نرسد). اگر بپذیریم که مراد آیه، مواضع زینت است، استدلال به آیه کامل نیست؛ زیرا هرچند بگوییم امر به پوشش در جانب زن، بر جایز نبودن نگاه از طرف مرد دلالت می‌کند، ولی عکس قضیه ممکن نیست و جایز بودن کنار گذاشتن پوشش بر جایز بودن نگاه دلالت ندارد. کسانی که حرام بودن نگاه زن به مرد و از سویی دیگر حجاب را برای مرد واجب نمی‌دانند، این نظر را تأیید می‌کنند. در نتیجه، آیه نمی‌تواند جایز بودن نگاه به دست‌ها و صورت زن را ثابت کند. ب) بحث دیگر در مورد معنای بدهاء است. «بدهاء» به معنای ظهور و آشکار شدن است چنان که در آیه شریفه «فَبَدَّتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا» (طه: ۱۲۱) به این معنا به کار رفته است و «ابدهاء» به معنای اظهار است. ابدهاء اگر به غیر لام متعدی باشد، به معنای اظهار در مقابل پوشش است و اگر به لام متعدی باشد، در مقابل اخفا، به معنای اعلام و ارائه است. همان گونه که پوشانیدن شرمگاه برای مرد واجب است و اگر احتمال دهد که کسی او را می‌بیند، حرام است اظهار کند، هم‌چنان که همه بدن زن شرمگاه است و اظهار کردن آن جایز نیست. با توجه به این آیه، تمام بدن زن به جز صورت و دست‌ها، شرمگاه به شمار می‌رود و باید پوشیده باشد و کسی جز خودش از آن اطلاع نداشته باشد. پس پوشانیدن دست‌ها و صورت واجب نیست. آشکار کردن بدن زن حرام است مگر برای افرادی که در آیه ذکر شده‌اند: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ...» (نور: ۳۱) و بین صورت و دست‌ها و دیگر اعضای بدن فرقی ندارد. نتیجه ۱ - پوشش اعضای بدن به جز دست‌ها و صورت، واجب است. ۲ - ظاهر ساختن زینت برای دیگران، حرام است و بین زینت ظاهر و باطن فرقی نیست مگر برای افراد خاص (محارم) که آیه، آن‌ها را برشمرده است. با توجه به

ملازمه بین حرام بودن بی‌حجابی و واجب بودن حجاب، استدلال به آیه، برای جایز نبودن نگاه بر جایز بودن آن اولویت دارد. دلیل دوم - صحیحه علی بن سويد این روایت مهم‌ترین دلیل شیخ انصاری است. این روایت از موضوع بحث ما خارج است؛ زیرا بر جواز نگاه عمدی به صورت زن دلالت نمی‌کند. دلیل سوم - صحیحه فضیل «فضیل می‌گوید از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: آیا آرنج‌ها نیز زینتی هستند که خدا فرمود: «زینت‌های‌شان را آشکار نکنند مگر برای شوهران‌شان»؟ حضرت فرمود: «بله، کم‌تر از چادر و کم‌تر از دستبند، زینت است». ۵ صورت به وسیله چادر پوشانیده نمی‌شود و دست بالای دستبند است نه پایین آن. پس این صحیحه نیز آشکار ساختن دست‌ها و صورت را جایز می‌داند. این روایت نیز نمی‌تواند این حکم را ثابت کند؛ چون جواز آشکار کردن (ابداء) با جواز نگاه ملازمه ندارد. افزون بر آن، ظهور روایت بر حرمت نگاه بیش‌تر از جواز آن است. دلیل چهارم - روایت ابی‌جارود ابی‌جارود از امام باقر علیه‌السلام روایت می‌کند: خدای متعال فرمود: «و آشکار نکنند زینت‌های خود را مگر آن‌هایی که آشکار هستند». این زینت‌ها عبارتند از: لباس، سرمه، انگشتر، حنای دست و دست‌بند. زینت بر سه دسته است: زینت برای مردم، زینت برای محارم، زینت برای شوهر. زینت مردم؛ لباس، سرمه، انگشتر، حنای دست و دست‌بند است. زینت محرم؛ محل گردن‌بند و بالای آن و بازوبند و پایین آن و خلخال (پای‌بند) و پایین آن و زینت همسر، تمام بدن اوست. ۶ این روایت از نظر سند ضعیف است و اعتماد به آن ممکن نیست؛ چون مرسله است. ابی‌جارود از راویان امام باقر علیه‌السلام است که بدون واسطه از علی بن ابراهیم روایت نمی‌کند. دلیل پنجم - روایت علی بن جعفر علی بن جعفر از برادرش، امام موسی بن جعفر علیه‌السلام روایت می‌کند که از امام پرسیدم: «مرد حق نگاه کردن به چه چیزهایی از زن نامحرم را دارد؟ حضرت فرمود: صورت و دست‌ها و محل دست‌بند». ۷ سند این روایت نیز ضعیف بوده و در مورد زنانی است که ازدواج با آن‌ها حرام است و ارتباطی با بحث ما ندارد. دلیل ششم - روایت عمرو بن شمر جابر می‌گوید: «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را در حالی که (از مسجد) به طرف منزل فاطمه می‌رفت، دنبال کردم. چون به منزل حضرت زهرا علیها‌السلام رسیدیم، حضرت دست‌شان را روی در فشار داد و فرمود: السلام علیکم. فاطمه زهرا علیها‌السلام گفت: و علیک السلام یا رسول خدا. پیامبر اجازه ورود خواست و حضرت فاطمه علیها‌السلام اجازه داد. پیامبر به من - جابر - فرمود: همراه من نیز داخل شود. حضرت زهرا علیها‌السلام پاسخ داد: پوشش مناسبی ندارم. پیامبر فرمود: با اضافه ملحفه سر خود را بپوشان، فاطمه نیز چنین کرد. آن‌گاه پیامبر برای بار دوم سلام کرد و اجازه ورود خواست. فاطمه پس از جواب سلام و دادن اجازه از همراه حضرت پرسید. پیامبر فرمود که جابر است. پیامبر وارد شد و من نیز وارد شدم. صورت حضرت فاطمه را دیدم که از زردی شبیه شکم ملخ بود. پیامبر از علت زردی صوت او پرسید و حضرت فاطمه گفت: گرسنگی با من چنین کرده است. پیامبر دست به دعا برداشت و چنین گفت: ای خدایی که گرسنه‌گان را سیر و فقر را برطرف می‌کنی، فاطمه دختر محمد را سیر کن. به خدا سوگند! چیزی نگذشت، دیدم خون از پیشانی به رگ‌های صورتش (حضرت زهرا) سرازیر شد و صورتش سرخ شد و از آن پس دیگر گرسنه نشد...» ۸ این روایت نیز ضعیف است؛ زیرا مقام فاطمه زهرا علیها‌السلام اجازه نمی‌دهد در برابر مرد بیگانه، صورت خود را باز کند. دلیل هفتم - روایت مروک در این روایت به نقل از امام صادق علیه‌السلام تصریح شده است که مرد می‌تواند به دست‌ها، صورت و پاهای زن نامحرم نگاه کند (بدون قصد لذت). ۹ مرحوم شیخ انصاری از مجموع روایات «ظنون متراکم» ۱۰ مطمئن شده و نگاه به دست‌ها و صورت زن بدون قصد لذت را جایز دانسته است. آیت‌الله العظمی خویی پس از بیان دلایل شیخ انصاری مبنی بر جواز نگاه مرد به دست‌ها و صورت زن بیگانه بدون قصد لذت و رد این دلایل، به این نکته اشاره می‌کند که نیازی به آوردن دلیل برای جواز نداریم؛ زیرا براساس اصل «اصالة البرائة»، جایز بودن نگاه در موارد یاد شده ثابت می‌شود. ایشان با بیان دلیل دیگری چنین نتیجه می‌گیرد: استثنای دست‌ها و صورت از حرام بودن نگاه دلیلی ندارد، بلکه دلیل بر خلاف استثناست و نگاه به دست و صورت زن بیگانه بدون قصد لذت نیز حرام است. ۱۱ با وجود این دلایل، ایشان در رساله توضیح المسائل می‌نویسد: «احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم به دست و صورت زنان نامحرم نگاه نکنند». ۱۲

آیت‌الله حکیم نیز «جواز نگاه مرد به صورت و دست‌های زن، بدون لذت» را به شیخ انصاری نسبت می‌دهد. مدرک شیخ روایاتی است که نگاه کردن بدون قصد لذت به صورت و دست‌های زن را جایز می‌داند. در صحیح ابی حمزه ثمالی آمده است که امام باقر علیه‌السلام در مورد این مطلب که شکستگی یا زخم در جایی از بدن زن مسلمانی هست که نگاه به آن محل جایز نیست و از طرف دیگر، مرد بهتر می‌تواند او را معالجه کند، فرموده است: در صورت ضرورت مانعی ندارد. ۱۳. با استفاده از آیه شریفه «غض» (نور: ۳۰) نیز جایز بودن نگاه به دست‌ها و صورت زن به دست می‌آید. با این توضیح که: تعبیر «الا ما ظهر منها» بیانگر زینت ظاهر و آشکار بودن محل زینت است. بنابراین آشکار کردن بعضی از قسمت‌های بدن زن جایز است و آیه شریفه «لیضربن بخمرهن علی جوبهن» نیز آن را تأیید می‌کند. آیت‌الله حکیم پس از این به بیان دلایل کسانی می‌پردازد که نگاه کردن با قصد لذت به دست‌ها و صورت زن را حرام می‌دانند. با توجه به تفسیر آیه و روایاتی که نگاه را تیری از تیرهای شیطان و زنا چشم می‌داند و می‌گویند چنین نگاهی حسرت طولانی را به دنبال دارد، می‌توان گفت: بدن زن عورت است! مگر برای همسر و محارم او. محمد بن حسن صفار در مورد مردی که می‌خواهد علیه زنی که نامحرم است، شهادت بدهد، به امام حسن مجتبی علیه‌السلام نوشت آیا جایز است که مرد از پشت پرده علیه زن شهادت بدهد و سخنان او را بشنود؟ (البته در صورتی که دو نفر، شهادت بدهند زنی که پشت پرده است فلاں زن، دختر فلائی است که تو علیه او شهادت می‌دهی و این هم سخن اوست) یا شهادت علیه این زن جایز نیست مگر این که خود زن ظاهر شود؟ حضرت امام حسن علیه‌السلام در پاسخ نوشتند: «زن باید نقاب بزند و برای شهادت دادن حاضر گردد». ۱۴. خثعمیه در سرزمین منی خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید. این در حالی بود که فضل بن عباس در کنار رسول خدا و سوار بر مرکب بود خثعمیه از حضرت پرسش‌هایی نمود. در این میان، بین فضل و این زن نگاهی رد و بدل شد. حضرت صورت فضل را از نگاه به خثعمیه برگرداند و فرمود: «بین زن و مرد جوان می‌ترسم شیطان داخل شود». ۱۵. آیت‌الله حکیم پس از نقد و بررسی دلایل یاد شده، می‌نویسد: «عموم آیه غض ۱۶ در نگاه به شرمگاه‌ها خلاصه شده است و تعبیر «غض بصر» به معنای فرو بستن چشم است که با «نگاه نکردن» تفاوت دارد. نتیجه الف - نگاه شهوت‌آلود به عنوان تیری از تیرهای شیطانی معرفی شده است. ب - مراد از زنا چشم، نگاه شهوت‌آلود است. ج - نگاهی که حسرت طولانی را در پی دارد، هر نگاهی را شامل نمی‌شود، بلکه نگاه خاصی مورد نظر است. در مورد روایت خثعمیه باید گفت حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آن‌ها را از نگاه کردن باز نداشت، بلکه صورت فضل را از نگاه به زن برگرداند از ترس این که شیطان داخل شود و این دخالت ناشی از لذت بردن است که نتیجه نگاهی است که به فتنه منجر می‌شود، نه هر نگاهی که بدون قصد بوده است. از این روایت چنین برمی‌آید که صورت زن بدون حجاب و پوشش بوده و رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله به آن زن نگاه کرد و دید که او هم به فضل نگاه می‌کند. ۱۷. ۱. وسائل الشیعه، باب ۱۱۲، ح ۱ و ۲. همان، ص ۱۱۳، ح ۱؛ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴ ه. ق، چ ۳، ج ۳، ص ۶۶۹، ح ۲۰. ۳. محقق حلی، شرایع الاسلام، نجف اشرف، کلیه الفقه، ۱۳۸۹، ه. ق، چ اول، ج ۲، ص ۲۶۹. ۴. محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲ ه. ق، چ هفتم، ج ۲۹، ص ۸۱. ۵. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، باب ۱۰۹، ح ۱. ۶. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، باب ۸۴ من ابواب مقدمات النکاح، ج ۱۴، ص ۲۷۴، ح ۳. ۷. ابی‌العباس عبدالله بن جعفر الحمیری، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۳ ه. ق، چ ۱، ص ۲۳۶، ح ۱۳۰۰. ۸. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب مقدماته و آداب، باب ۱۲۰، ج ۱۴، ص ۱۵۸، ح ۳. ۹. همان، باب ۱۰۹، ج ۱۴، ح ۲. ۱۰. به تعداد قابل توجهی از روایات گویند که جدا جدا نمی‌توان به آن‌ها استدلال کرد، ولی مجموع آن‌ها می‌تواند دلیل قرار گیرد. ۱۱. مستمسک العروه الوثقی، ج ۱. نکاح، صص ۵۳ - ۶۴. ۱۲. سید ابوالقاسم خویی، رساله توضیح المسائل، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲ ه. ق، مسأله ۲۴۴۲. ۱۳. وسائل الشیعه، باب ۱۳۰، ح ۱. ۱۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۶۷. ۱۵. مستدرک الوسائل، کتاب النکاح، ابواب مقدمات نکاح، باب ۸۱، ح ۷. ۱۶. نور، ۳۰. ۱۷. مستمسک العروه الوثقی، ج ۱۴، صص

۲۶ - ۲۹. نوع دوم - نگاه زن به مرد نگاه کردن زن به مرد با قصد لذت، حرام است. «و لا یجوز» (یجوز) للمراة النظر الی الاجنبی من غیر ضرورة. ۱ در این زمینه فقیهان شیعه، نظریه‌های متفاوتی را بیان کرده‌اند. آیت‌الله العظمی خویی ۲ معتقد است که جایز نبودن نگاه زن به مرد بدون قصد لذت از روی احتیاط است. وی در ادامه، به روش مسلمانان از زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله تا کنون اشاره کرده و سپس به بررسی و نقد دلایل جایز نبودن نگاه زن به بدن مرد می‌پردازد. دلیل اول - قرآن خداوند متعال می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ». (نور: ۳۱) بنابراین که «غض» به معنای ترک است و آیه، نگاه نکردن زن به مرد را واجب می‌داند. امیرا «غض» به این معنا نیست، بلکه همان گونه که در آیه ۳۰ سوره نور گفتیم غض به معنای قرار دادن چیزی در حالت غفلت و طمع نداشتن و صرف نظر کردن از آن است. پس آیه نگاه زن به مرد را حرام نمی‌داند همان گونه که نگاه کردن مرد به زن را حرام نمی‌داند. افزون بر این، خطاب آیه همگانی است و واژه «المؤمنات» جمع به همراه الف و لام است و شامل زنان بینا و نابینا می‌شود، در حالی که زن نابینا در این زمینه تکلیفی ندارد. پس واژه «غض» انصراف و روی گرداندن از مردها و طمع نکردن در آنهاست. آیت‌الله العظمی خوئی به معتبر سعد اسکاف که در شأن نزول این آیه وارد شده است، اشاره می‌کند و می‌نویسد: این روایت نگاه زن به مرد را حرام نمی‌داند؛ زیرا بیانگر قصد لذت و شهوت‌رانی و بهره‌برداری جنسی با نگاه است، حال آن که بحث ما در نگاه بدون شهوت و لذت است. دلیل دوم - روایت احمد بن ابی‌عبدالله برقی «عایشه و حفصه نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بودند که ابن ام مکتوم اجازه حضور نزد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله را گرفت. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله به آنها فرمود بلند شوید و به داخل خانه (اتاق‌تان) بروید. آن دو گفتند: این مرد نابینا است. حضرت فرمود: اگر او شما را نمی‌بیند، شما که او را می‌بینید». ۳ روایت بیانگر حرام بودن نگاه زن به بدن مرد است، ولی این روایت ضعیف و مرسل است؛ چون برقی بدون ذکر واسطه‌ها از رسول الله نقل کرده است، در حالی که بین برقی و رسول الله واسطه زیادی بوده است. افزون بر آن، این روایت تنها بیان‌کننده سخن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است و دلالت بر لزوم نمی‌کند. آیت‌الله العظمی خویی با بیان سه روایت دیگر و رد همه آنها تأکید می‌کند که حکم منع نگاه کردن زن به بدن مرد، بنابر احتیاط است. ۴ آیت‌الله حکیم با مشهور دانستن قول «عدم جواز نگاه زن به مرد» به خاطر آیه «غض» و روایت برقی، می‌نویسد: دلیل آن‌هایی که نگاه زن به مرد را جایز نمی‌شمارند، این است که اگر مرد با زن مساوی بود، مرد هم می‌بایستی امر به حجاب می‌شد، در حالی که چنین نیست. وی در ادامه می‌گوید: علما بر این باورند که زن و مرد هم در مستثنی (صورت و دست‌ها) و هم در مستثنی منه (نگاه و حجاب) برابرند. حکم دست و صورت زن برگرفته از سخن خداوند است که فرمود: «الا- ما ظهر منها». البته درباره نگاه زن به مرد این گونه نیست. پس راهی به جز اجماع برای برابری وجود ندارد. نتیجه اتفاق نظر علما و روایات گوناگون در مورد نگاه مرد به بدن زن بیانگر این حقیقت است که نگاه مرد به بدن زن مسلمان چه از روی شهوت و چه بدون شهوت جایز نیست مگر در موارد ضروری. هیچ کدام از فقیهان متأخر و متقدم به جایز بودن چنین نگاهی فتوا نداده‌اند. بنابر فقه شیعه، احتیاط در ترک نگاه کردن زن به بدن مرد است و آن چه از سیره متشرعه به دست می‌آید، جواز است. آیات عظام خویی و حکیم نیز نگاه زن به بدن مرد را جایز می‌شمارند. ۱. عروة الوثقی، مسأله ۳۱. ۲. سید محمدتقی خویی، مبانی العروة الوثقی، نجف اشرف، منشورات مدرسه دارالعلم، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۱، ص ۵۳. ۳. وسائل الشیعه، باب ۱۲۹، ح ۱. ۴. مبانی عروة الوثقی، ج ۱، صص ۵۰ - ۵۳. نوع سوم - نگاه به محارم نگاه به محارم بدون قصد لذت اشکال ندارد و انسان می‌تواند بدون قصد لذت به تمام بدن محارم به جز شرمگاه نگاه کند. آیت‌الله العظمی خویی افزون بر بیان سیره مسلمانان از زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله تا کنون مبنی بر اینکه رعایت حجاب و پوشش در حضور فرزندان، پدران، برادران و دیگر محارم لازم نبوده است، به دلایل زیر استناد می‌کند: دلیل اول - قرآن خداوند فرموده است: «وَلَا یُؤَدِّیْنَ زِیْنَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَى إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِیْنَ أَوْ بَنَاتِیْنَ إِخْوَانِهِنَّ». (نور: ۳۱) زینت خود را آشکار نسازند مگر نزد شوهران، پدران، پسران، پسران شوهران، پسران، پسران همسر، برادران، پسران برادر و پسران خواهر. به جز همسر، این افراد کسانی

هستند که ازدواج با آن‌ها حرام و محرمیت به واسطه سبب یا نسب حاصل شده است. که شامل فرزندان و پدرانشان نیز می‌شود مثل: نوه‌ها و جد‌ها. در این آیه هر چند حکم عمو و دایی بیان نشده، ولی با بیان حکم برادرزاده و خواهرزاده، حکم این دو مورد نیز مشخص می‌شود. دلیل دوم - روایت سکونی ۱ این روایت نگاه کردن به موی مادر و خواهر و دختر را اجازه می‌دهد و از آن‌جا که بین مو و دیگر اعضای بدن زن فرقی نیست، جایز بودن نگاه کردن به بدن این افراد نیز از این روایت استفاده می‌شود. ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۱۰۴، ح ۷. دلیل سوم روایاتی که غسل دادن زن به وسیله محارم و برعکس را اجازه می‌دهد در صورتی که هم‌جنس پیدا نشود. با توجه به این که نگاه کردن لازمه غسل دادن است، وقتی لازم (غسل دادن) جایز باشد، ملزوم (نگاه کردن) نیز جایز است. نتیجه با توجه به این که روایات، شرمگاه را استثنا کرده‌اند و روایت حسین بن علوان، بین ناف و زانو را شرمگاه معرفی کرده، پس نگاه کردن به تمام اعضای بدن محارم به جز قسمت بین ناف و زانو جایز است. ۱. مبانی عروه الوثقی، ج ۱، نکاح، ص ۶۸. نگاه در فقه اهل سنت همه فقیهان اهل سنت نگاه به شرمگاه را حرام می‌دانند و حتی فقیهان مالکی، برداشتن پوشش از شرمگاه را در خلوت نیز مکروه می‌دانند. به عقیده فقیهان شافعی، نگاه کردن انسان به شرمگاه خودش مکروه است مگر برای نیاز و ضرورت. اهل سنت، بین ناف تا زانو را شرمگاه مرد می‌دانند و می‌گویند نگاه کردن زن به این قسمت حتی اگر محرم باشد، جایز نیست. فقیهان شافعیه و مالکیه، شرمگاه مرد را نسبت به کسی که به او نگاه می‌کند، مختلف می‌دانند: نسبت به محارم و مردها، بین زانو تا ناف را شرمگاه مرد و نسبت به زن نامحرم، تمام بدن مرد را شرمگاه می‌دانند. بنابر نظر فقه مالکی، صورت، دست، سر و پا استثنا است و زن نامحرم می‌تواند در صورت اطمینان از وجود نداشتن لذت، به این اعضای مرد نامحرم نگاه کند، ولی شافعیه، نگاه کردن زن به بدن مرد را چه با لذت و چه بدون آن، حرام می‌دانند. در فقه اهل سنت، تمام بدن زن به جز صورت و دست‌ها برای دیگران، شرمگاه است. فقهای شافعیه، صورت و دست‌ها را نیز برای مرد نامحرم، شرمگاه می‌دانند. به عقیده حنابله، تمام بدن زن به جز صورت، گردن، سر، دست، پا و ساق برای محارم، شرمگاه است. به عقیده فقهای شافعیه، نگاه به غیر شرمگاه زن با قصد شهوت و احتمال بروز فتنه، حرام است هم برای محرم و هم برای نامحرم. نگاه بدون قصد شهوت و احتمال افتادن به گناه، جایز است. ۱. محمد بن حسن طوسی، خلاف، کتاب النکاح، ج ۴، ص ۲۴۷، طبع جامعه مدرسین. گفتار دوم: حجاب با توجه به نقش مهم حجاب و پوشش در ارتباط و معاشرت، به بررسی آن می‌پردازیم. حجاب در لغت حجاب به معنای پوشش و آن‌چه به وسیله آن، خود را می‌پوشانند و نیز حایل بین دو چیز آمده است. جمع حجاب به این معنا حجب است. ۱. در فرهنگ فارسی، حجاب به معنای پرده، نقاب و چادری است که زنان چهره و سر تا پای خود را با آن می‌پوشانند. ۲. منتهای زمین سنگلاخ، ریگ دراز، بلندی کوه، نور و روشنایی آفتاب یا کناره آن، هر پرده بین دو چیز و مردن به حال شرک از دیگر معانی حجاب به شمار می‌رود. ۳. در برخی از آیات و روایات، واژه حجاب به معنای لغوی آن به کار رفته است از جمله: ۱ - «وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ؛ میان ما و شما حاجز و فاصله‌ای در دین وجود دارد». (فصلت: ۵) ۲ - «وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ؛ میان اهل بهشت و جهنم، دیواری است که سدّی برای نرسیدن لذت اهل بهشت به اهل جهنم است». (اعراف: ۴۶) ۳ - «وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسُورًا؛ زمانی که قرآن می‌خوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند، پرده‌ای قرار می‌دهیم (که آن‌ها از قرآن سودی نبرند)». (اسراء: ۴۵) ۴ - «حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ؛ تا این که خورشید غروب کرد». (ص: ۳۲) ۵ - «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا..؛ در برابر آنان بر خود پرده‌ای گرفت». (مریم: ۱۷) ۶ - «إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلُّوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ؛ و هنگامی که کالایی را از آنان (همسران پیامبر) می‌خواهید، از پشت پرده بخواهید». (احزاب: ۵۳). حجاب در این آیات به معنای پرده و پوشاننده دو چیز بوده و معنای اصطلاحی آن مورد نظر نیست. این واژه در برخی روایات به معنای لغوی به کار رفته است. امام علی علیه‌السلام فرموده است: «و در پشت پرده نگاه‌شان دار تا دیده‌شان به نامحرمان نیفتد که در پرده بودن، آنان را (از هر گزند) نگاه می‌دارد». ۱. ابن منظور، لسان العرب، ص ۱. ۲. حسن عمید، فرهنگ عمید، ص ۷۷۹؛ محمد معین، فرهنگ معین، ص ۱۳۰۴. ۳. سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ص ۲۶۹.

۴. نهج البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۳۰۷. حجاب در اصطلاح با توجه به معنای لغوی حجاب و کاربرد قرآنی و روایی این واژه، شرع مقدس حجاب را این گونه بیان می‌کند: «پوشانیدن تمامی اعضای بدن به جز صورت و دست‌ها تا میچ». ۱ از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: زن تا چه مقدار حق آشکار کردن زینت خود را دارد؟ امام صادق علیه‌السلام فرمود: صورت و دو دست خود. ام سلمه می‌گوید: پس از آمدن دستور حجاب از سوی خدا، نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بودیم و می‌مونه نیز نزد ایشان بود که ابن ام مکتوم وارد شد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «حجاب خود را بگیرید...». ۲ امام موسی بن جعفر علیه‌السلام از پدرانش و از حضرت علی علیه‌السلام روایت می‌کند: «یک نابینا از فاطمه زهرا علیها‌السلام اجازه ورود خواست. پس او حجاب خود گرفت. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به حضرت زهرا علیها‌السلام فرمود: برای چه حجاب خود را گرفتی، در حالی که او تو را نمی‌بیند؟ حضرت زهرا علیها‌السلام فرمود: اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم و علاوه بر این او بوی مرا استشمام می‌کند. آن‌گاه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: گواهی می‌دهم که تو پاره تن من هستی». ۳. ۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۸، ح ۳۶. ۲. همان، ص ۳۷، ح ۲۵. ۳. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ابواب مقدماته و آداب، باب ۱۰۹، ح ۵. حجاب در تاریخ پوشش و لباس از نیازهای انسان به شمار می‌آید که از آغاز آفرینش به آن نیاز داشته و کوشیده است تا با هر وسیله‌ای خود را بپوشاند. فرید وجدی در دایرة‌المعارف قرن بیستم می‌نویسد: حجاب زنان سابقه‌ای طولانی دارد... سخن در مورد حجاب در میان سخنان قدیمی‌ترین نویسندگان یونانی به چشم می‌خورد... زنان سر را می‌پوشانده‌اند، ولی صورت‌شان باز بوده است. وقتی به بازار می‌رفتند، بر آنان واجب بود صورت‌شان را نیز بپوشانند. ۱ از متون تاریخی به دست می‌آید که حجاب مربوط به دین خاصی نیست و پیش از ظهور اسلام نیز وجود داشته است. «حجاب یا چادر بخشی از لباس زنان یونان باستان و روم قدیم بوده که برای زینت از آن استفاده می‌کردند. در ایران پیش از اسلام زنان نیز از چادر استفاده می‌کردند. یونانیان برای پوشیدن چادر و حجاب، جنبه‌های سحری یا جادویی آن را مورد نظر قرار می‌دادند؛ زیرا بر سر گذاشتن چادر بیش‌تر در مراسم و مجالس دینی رایج بود و عده‌ای می‌پندارند که پوشیدن چادر برای زنان راهبه لازم بوده است. برخی نیز معتقدند چادری که عروس بر سر می‌نهد، برای پوشانیدن جمال خود از چشم حسودان است... در اروپای قرون وسطی، چادر جزئی از زینت سر بوده است». ۲ تا پیش از رنسانس بیش‌تر زنان حجاب داشتند، ولی با آغاز انقلاب صنعتی و جنگ جهانی دوم، جنبش آزادی زنان به نام فمینیسم شکل گرفت که کنار گذاشتن حجاب را تشویق می‌کرد. غلام‌حسین مصاحب درباره تاریخچه حجاب می‌نویسد: در دوره فتحعلی شاه قاجار و پس از آن، چادر خارج از منزل به رنگ سیاه یا بنفش بود که آن را روی «چاقچور» به سر می‌کردند و صورت را با روبنده می‌پوشانیدند. پس از مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ، تغییراتی در لباس زنان روی داد، ولی چادر و چاقچور باقی ماند... پس از کشف حجاب (سال ۱۳۱۴) به سر کردن چادر در خارج از منزل بین زنان روشن‌فکر به کلی و در دیگر موارد نیز با توجه به زمان و مکان و طبقه اجتماعی کم و بیش از بین رفت. آدام اولشگر می‌گوید: «زنان ایرانی هرگز در کوچه‌ها رو گشاده نمی‌روند، بلکه در حجاب سفیدی مستورند که تا زانو پایین می‌آید و فقط شکافی در مقابل چشمان خود باز می‌گذارند تا بتوانند پیش پای خود را ببینند». ۳ حسین مکی نیز درباره کشف حجاب می‌نویسد: در تاریخ ۲/۴/۱۳۱۴ مردم ایران در اعتراض به کشف حجاب در مسجد گوهرشاد (مشهد) تحصن کردند. عده زیادی به خاک و خون کشیده شدند، ولی رضاخان در ۱۷ دی ماه به طور رسمی با حاضر کردن بدون حجاب ملکه و دخترانش در دانشسرای مقدماتی تهران، آن را به مرحله اجرا گذاشت و چند روز بعد با زور سرنیزه به عملی کردن حجاب پرداخت. ۴. ۱. دایرة‌المعارف القرن العشرين، ص ۳۳۵. ۲. عبدالحسین سعیدیان، دایرة‌المعارف، تهران، سازمان چاپ و انتشارات محمد علی علمی، ۱۳۴۹، ج ۷، ص ۳، ج ۳، ص ۲۱۶. ۳. غلام‌حسین مصاحب، دایرة‌المعارف فارسی، تهران، انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵، ص ۷۸۷. ۴. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۵۲. حجاب در ادبیات در آثار ادبی نیز به حجاب و پوشش توجه شده است. در شاهنامه، اشعاری وجود دارد که پوشیده بودن زن را مایه افتخار می‌داند: ز پرده

برون کس ندیده مرا نه هرگز کس آوا شنیده مرا یا در جایی دیگر منیژه می گوید: منیژه منم دخت افراسیاب برهنه ندیده سرم آفتاب در میان اشعار عربی نیز ابیاتی یافت می شود که طرفداران بی بندوباری و طرفداران حجاب آن را سروده اند. یکی از طرفداران بی بندوباری چنین می سراید: مزقی یا ابنه العراق الحجابا و اسفري فالحياة تنبغی انقلابا مزقیه و احرقیه بلا ریث فقد کان حارسا کذابا ای دختر عراقی! حجاب را پاره کن و گشاده رو باش که زندگی دگرگونی می طلبد. بدون درنگ پاره اش کن و بسوزان؛ که حجاب، نگهبان دروغین بوده است. در مقابل، عبدالحسین ازری چنین می سراید: حصروا علاجک بالسفور مادروا ان الذی حصروه عین الداء او مادروا ان الفتاة طبعها کالماء لم یحفظ بغير انساء من یحفظ الفتیاء بعد ظهورها مما یحش بخاطر السفهاء و من الذی ینهی الغنی بشابه عن خدع کل فریده حسناء لیس الحجاب بمانع تهذیبها فالعلم لم یرفع علی الا زیاد ۲ راه چاره تو را منحصر در بی حجابی دیدند و نفهمیدند که آن چه منحصر می سازند، عین درد است. یا نفهمیدند که طبیعت دختران مانند آبی است که بدون ظرف نمی ماند. کیست که دختران را پس از عریان بیرون آمدن حفظ کند از آن چه فکر سفیهان را آشفته می کند؟ و کیست که جوانان را در جوانی باز دارد از فریب هر مروارید زیارویی؟ حجاب مانع پاکی زن نیست و دانش بر شکل و لباس مخصوص استوار نمی ماند. تفاوت دیدگاه ها ناشی از اختلاف در جهان بینی است. آن کس که حجاب را ملاک ارزش و سعادت می پندارد، آن را پاسبان دروغین نمی داند و در مقابل، اگر کسی سعادت را در لذت جسمی بداند، هرگونه مانع این لذت را خرافه به شمار می آورد و آن را از سر راه برمی دارد. با این وجود، حتی در میان مردمی که سعادت را در لذت جسم می دانند، حفظ گوهر عفت و حیای زن قابل توجه بوده است و تا جایی که توان داشتند، از آن پاسداری می کردند. ویل دورانت می نویسد: در بریتانیای جدید، پدران و مادران ثروتمند در طول بحران پنج ساله جوانی، دختران خود را در کلبه هایی زندانی می کنند و پیرزنانی پاک دامن را به زندان بانی آنان می گمارند. دختران حق خارج شدن از این کلبه ها را ندارند و تنها نزدیکان می توانند آن ها را ببینند. ۳ وی در جای دیگر می نویسد: باید چنین فرض کرد که حساسیت جنسی هندوان، آنان را به هرزگی غیرعادی می کشاند. ازدواج در خردسالی، سدی در برابر مناسبات پیش از زناشویی به شمار می رفت. احکام شدید دینی که در تلفیق وفاداری همسر به کار می رفت، موجب می شد تا زنا بسیار دشوارتر و کم تر از اروپا یا امریکا صورت گیرد... «مانو» ۴ به مردان هشدار می دهد «که سرنوشت زن همیشه به گمراهی مرد گرایش دارد. پس مرد نباید با نزدیک ترین خویش زن خود در جای خلوتی تنها بنشیند». ۵. ۱ محمدحسین جلالی، آداب معاشرت، ترجمه: جواد بیات و محمد آذربایجانی، ج ۱، ص ۱۲۰. ۲. همان. ۳. ویل و اریل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه: اسماعیل دولتشاهی، ج ۱، ص ۱، ج ۱، ص ۷۲. ۴. مانو از رهبران هندو. ۵. تاریخ تمدن، ج ۲، ص ۵۶۱ به بعد. حجاب در اسلام قرآن مجید در آیه زیر پس از بیان حکم نگاه، به مسأله حجاب و پوشش زن می پردازد و به طور روشن می فرماید که زنان باید با پوشش کامل در جامعه اسلامی حاضر شوند و در برابر افرادی به جز شوهر و محارم شان، بدن خود را بیوشانند: وَ یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا یُبْدِیْنَ زِیْنَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لَیْضَرِبْنَ بِحُمْرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ وَ لَا یُبْدِیْنَ زِیْنَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ... وَ لَا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لَیُعْلَمَ مَا یُخْفِیْنَ مِنْ زِیْنَتِهِنَّ... (نور: ۳۱) و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقداری که نمایان است - آشکار نسازند. و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان... و هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی شان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند، به گوش برسد). نکته های تفسیری ۱ - در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «در هر جای قرآن که سخن از حفظ شرمگاه ها آمده است، منظور از آن پاک دامنی از زنا است. به جز در این آیه که منظور حفظ آن از نگاه دیگران است». ۲۲ - علامه طباطبایی با اشاره به ادب قرآن مجید در مورد واژه فرج به نقل از راغب اصفهانی می نویسد: «فرجه و فرج شکاف بین دو چیز را گویند و به زشتی انسان فرج اطلاق می شود و این استعمال قرآنی باعث شده این کلمه نص در این معنا گردد». ۳۳ - کاربرد واژه حفظ به جای ستر و پوشانیدن بر تأکید بر پوشش دلالت دارد؛ زیرا حفظ شرمگاه از نگاه دیگران اهمیت ویژه ای دارد و به گونه ای

باید پوشیده شود که هیچ کس حتی محارم نیز به آن نگاه نکنند و تنها زن و شوهر هستند که می‌توانند به عورت همدیگر بنگرند.

۴- زینت در این آیه، هر چیزی است که سبب زیبایی شود که خود انواع گوناگونی به شرح زیر دارد: الف) ظاهر؛ یعنی لباس باطن؛ یعنی خلخال و دست‌بند و گوشواره. ب) زینت ظاهر شامل: سرمه و انگشتر و دو طرف صورت و خضاب کف دست. ج) زینت ظاهر شامل: صورت، کف دست و انگشتان. ۵- واژه زینتین دو مصداق دارد: یکی، اعضای بدن زن که محل زینت است و دیگری، اشیای زینتی مانند: گوشواره و دست‌بند و گردن‌بند و هر چیزی که زن با آن آراسته گردد و بر زیبایی وی بیافزاید. مرحوم طبرسی، مقصود از زینتین را اعضای بدن می‌داند، ولی بانوی اصفهانی با رد نظریه مرحوم طبرسی می‌گوید: در عطف جمله «و لیضربن بخمرهن» که بیانگر چگونگی پوشانیدن اعضای بدن است و از این که معطوف علیه و معطوف نمی‌تواند یک چیز باشد، معلوم می‌شود زینت شامل اعضای نام‌برده در آیه و اشیایی است که زن خود را با آن می‌آراید و بر حسن و زیبایی او می‌افزاید بنابراین، لباس رنگارنگ، خوش دوخت و مد روز و وسایلی که با آن آرایش می‌کنند از قبیل پودر، ماتیک و... زینت به شمار می‌روند؛ زیرا زیبایی زن را می‌افزایند و بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد و هدف دین، حفظ آرامش در جامعه است. پس برای زن دو حالت وجود دارد: یکی وقتی که از زینت عاری باشد که مشمول جمله «لیضربن بخمرهن» است و دیگر، وقتی است که خود را به زینت آراسته گرداند که در این صورت، تمام اعضای را که آراسته شده، باید از نگاه نامحرم بیوشاند مگر آنچه را که ظاهر است و نمی‌توان آن را پوشاند مانند چادر. ۴- علامه طباطبایی می‌گوید: مراد مواضع زینت است؛ زیرا آشکار ساختن خود زینت مانند گوشواره و النگو حرام نیست. پس مراد از ابداء زینت، ابداء مواضع زینت از بدن است. ۵- پس این آیه شریفه به زنان دستور می‌دهد که بدن خود را بپوشانند و تنها مجاز هستید قسمتی از بدن را آشکار سازید. ۶- امام باقر علیه‌السلام مراد از زینت ظاهر را لباس، سرمه، انگشتر، رنگ دست‌ها و النگو می‌داند و زینت را به سه قسم تقسیم می‌کند: الف) زینتی برای عموم که همان لباس، سرمه، انگشتر، رنگ دست و النگو است. ب) زینت برای محارم که شامل محل گردن‌بند به بالا و محل بازوبند و خلخال به پایین می‌شود. ج) زینت برای شوهر که شامل همه اعضای بدن زن می‌شود. ۶- بر اساس این آیه، حفظ پوشش تمام بدن به جز صورت و دست‌ها بر زنان واجب می‌شود. فقیهان با استفاده از این آیه حجاب را واجب دانسته و گفته‌اند مراد از زینت ظاهری، صورت و دو دست است همان گونه که در احکام الآیات جصاص (یکی از ائمه حنفیه)، مراد از «ما ظهر»، صورت و کف دو دست است و در تفسیر رازی، شافعیه بر این باورند که صورت و کف دو دست شرمگاه نیستند. ۷۷) در بحث نگاه در شأن نزول آیه «غض» اشاره کردیم که زنان تا پیش از نزول این آیه، روسری خود را پشت گوش‌شان می‌بستند و گلو و سینه آن‌ها آشکار می‌شد. بر اساس این آیه شریفه، پوشانیدن سر، زیر گلو و سینه برای زنان واجب شد. فراز پایانی آیه نیز به چگونگی راه رفتن زنان اشاره دارد و می‌گوید باید به گونه‌ای راه بروند که صدای خلخال پای‌شان به گوش نرسد. چون راه رفتن زنان می‌تواند محرک باشد و انگیزه شهوانی ایجاد کند، خدای متعال به زنان دستور داده است در راه رفتن خود، حیا را رعایت کنند. در قرآن آمده است: وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. (نور: ۶۰) و زنان از کار افتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس‌های (روبین) خود را بر زمین بگذارند. به شرط این که در برابر مردم خود آرایی نکنند و اگر خود را بپوشانند، برای آنان بهتر است. خداوند شنوا و داناست. در مورد زنانی که نیروی شهوت آنان از بین رفته است و امیدی به ازدواج آن‌ها نیست، حکم حجاب و پوشش به عنوان یک منت برای راحتی آن‌ها برداشته شده است. در غیر این صورت، این تخفیف معنی ندارد و زنان باید لباس‌های خود را زمین نگذارند. البته این تخفیف مشروط به این است که این پیرزنان قصد خود آرایی نداشته باشند و گرنه خود را بپوشانند. مراد از تبرج، آشکار کردن زینت و خودنمایی است. ۸- وقتی برای پیرزنان به دلیل آیه شریفه، زمین گذاشتن چادر، مقنعه و ردا (بر اساس اختلافی که در مجمع البیان آمده است) اشکالی ندارد، برای دیگران (زنان جوان و میان سال) این کار از نظر قرآن اشکال دارد. شهید مطهری در تفسیر «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ»

می‌نویسد: از نظر اسلام هر قدر زن عفاف و حجاب را بیش‌تر مراعات کند، پسندیده‌تر است و به خاطر ارفاقی که به حکم ضرورت درباره صورت و دست‌ها و غیر آن داده شده است، این اصل کلی اخلاقی را نباید از یاد برد. ۹. قرآن در جایی دیگر می‌فرماید: یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا. (احزاب: ۵۹) ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: جلباب‌های خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و (اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سرزده است، توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده و مهربان است. جلباب، لباسی است که زن، هنگام خروج از منزل بر تن می‌کند و بدن را به گونه‌ای می‌پوشاند که سینه و گریبان پیدا نباشد. مفسران در شأن نزول این آیه می‌نویسند: «عده‌ای اوباش در راه حرکت زنان به مسجد برای آنان مزاحمت ایجاد می‌کردند. خداوند به پیامبرش دستور داد به زن‌ها بگو: وقتی که می‌خواهید از منزل خارج شوید، خود را با جلباب بپوشانید و مانند کنیزکان از منزل خارج نشوید تا مزاحمان شما را بشناسند و مورد اذیت قرار نگیرید. اگر مزاحم بدانند زنی خود را پوشانیده است و بدانند که آن زن درست کار است، مزاحم او نمی‌شود.» ۱۰. الف) «آیه می‌خواهد بفرماید: ای رسول گرامی! به زنان خود و به زنان مؤمنان بگو: در حجاب خود غفلت و سهل‌انگاری و بی‌بند و باری نکنند و چادر را کنار نگذارند، بلکه با آن سر و صورت و سینه خویش را بپوشانند تا با این کار شناخته شوند و بیمار دلان به آن‌ها نگاه نکنند و مزاحم آن‌ها نشود.» ۱۱. ب) «در این آیه، حدود پوشش مشخص نشده است. زن مسلمان باید آن چنان در میان مردم رفت و آمد کند که علایم عفاف و وقار و سنگینی و پاکی از او هویدا باشد و به این صفت شناخته شود تا بیمار دلانی که دنبال شکار می‌گردند از آن‌ها مأیوس شوند و فکر بهره‌کشی از آن‌ها در ذهن‌شان خطور نکند. می‌بینیم که جوان هرزه همیشه متعرض زنان جلف و سبک و لخت و عریان می‌گردد. وقتی به آن‌ها اعتراض می‌شود که چرا مزاحم می‌شوی، می‌گویند: اگر دلش این چیزها را نخواهد، با این وضع بیرون نمی‌آید.» ۱۲. ۱. تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۱۱؛ مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۲۱۶؛ کنز العرفان، ج ۹، ص ۱۰۲؛ تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۲۹؛ تفسیر کنز الدقائق، ج ۹، ص ۲۸۲. ۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۱۶. ۳. تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۱۱. ۴. کنز العرفان، ج ۹، ص ۱۰۲ با کمی تصرف در عبارت. ۵. تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۱۱. ۶. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷؛ تفسیر کنز الدقائق، ج ۹، ص ۲۸۲. ۷. محمد جواد مغنیه، تفسیر الکاشف، ج ۲۷، ص ۴۱۵. ۸. تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۶۴. ۹. مسأله حجاب، ص ۱۵۲. ۱۰. مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۵۷۸؛ تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۴۴؛ تفسیر صافی، ج ۴، ص ۱۲۰۳؛ تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۰، ص ۴۳۴؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۷۱. ۱۱. الحجاب فی الاسلام، ص ۱۱. ۱۲. مسأله حجاب، ص ۱۶۲. نظریه‌های انحرافی درباره پیدایش حجاب برخی افراد درباره دلیل پیدایش حجاب، نظریه‌های نادرستی ابراز کرده‌اند که اکنون به بررسی و نقد آن‌ها می‌پردازیم. ۱ - میل به ریاضت برخی معتقدند که حجاب در میل به ریاضت و رهبانیت ریشه دارد. باید دانست حجاب مورد سفارش اسلام، ربطی به این علت ندارد؛ زیرا رهبانیت و ریاضت، مورد تأیید اسلام نیست. اسلام، لذت بردن و استفاده بهینه از نعمت‌های خداوندی را نه تنها مجاز، بلکه در بعضی موارد واجب و ترک آن لذت را حرام می‌داند. ۱. عروة الوثقی، مقدمات نکاح، مسأله ۷، لایجوز ترک وطی، الزوجه اکثر من اربعة اشهر. ۲ - امنیت گروهی دیگر، نبود امنیت را ریشه حجاب دانسته‌اند و می‌گویند: چون در جامعه امنیت حاکم نیست، زن باید با پوشش و حجاب در جامعه حضور داشته باشد. ۳ - علت اقتصادی بعضی دیگر، علت اقتصادی را به عنوان یکی از علت‌های حجاب معرفی کرده‌اند. به گفته اینان، مرد سالاری و تسلط مرد بر زن و بهره‌گیری از نیروی وی برای منافع اقتصادی خود به پیدایش پوشش برای زن انجامیده است؛ زیرا با حفظ حجاب از هدر رفتن این نیرو جلوگیری می‌شود. ۴ - حسادت مردان حسادت و خودخواهی مرد نیز ریشه حجاب زن دانسته شده و درباره آن گفته‌اند: مرد چون حسود است اجازه نمی‌دهد افراد دیگر از زن او استفاده کنند. پس زن خود را مجبور کرده است تا در حجاب باشد. هم چنین، گروهی دیگر، عامل روانی، خوی زنانگی، احساس کمبود در خلقت خود نسبت به مرد و مقررات سختگیرانه‌ای را که در زمینه پلیدی و ترک معاشرت با او در ایام عادت

وضع شده است، را علت حجاب معرفی کرده‌اند. نقد دهخدا می‌گوید: علل نام برده تأثیری در پیدایش حجاب در هیچ نقطه‌ای از جهان نداشته است و بی‌جهت آن‌ها را علت حجاب دانسته‌اند. اگر در پدید آمدن بعضی از سیستم‌های غیر اسلامی تأثیر داشته، در حجاب اسلامی هیچ تأثیری نداشته است، مخالفان حجاب گاهی آن را زائیده تفکر فلسفی خاص درباره جهان لذات آن معرفی می‌کنند و گاهی ریشه سیاسی و اجتماعی برای آن ذکر می‌نمایند و گاهی آن را معلول علل اقتصادی می‌دانند و گاهی جنبه‌های خاص اخلاقی یا روانی را در پدید آمدن آن دخالت می‌دهند... تنها علت همان حیا و عفاف است که زن با یک نوع الهام، برای گران‌بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است. ۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵، ۷۶۴۰. فلسفه حجاب مواردی که به عنوان فلسفه حجاب می‌توان طرح کرد عبارتند از: ۱- جلوگیری از تحریک مرد برهنگی زنان افزون بر تحریک مردان، هیجان‌های بیمارگونه عصبی و بیماری‌های روانی را در پی خواهد داشت. ۲- کاهش آمار طلاق یکی دیگر از نتایج زیان‌بار بی‌بند و باری و ترک حجاب زن، افزایش آمار طلاق در جامعه است. با مراجعه به آمار و علت یا بی‌طلاق، نقش حجاب در استحکام و دوام نظام خانواده بیش‌تر خودنمایی می‌کند. ۳- جلوگیری از پی آمدهای ناگوار طلاق کودکان بی‌سرپرست، کشیده شدن زنان بیوه و مردان به بی‌بندوباری، گسترش دامنه فساد و فحشا و افزایش آمار فرزندان نامشروع از پی آمدهای ناگوار طلاق است. ۴- شخصیت دادن به زن برهنگی زن موجب انحراف و سقوط شخصیت انسانی زن تا حد یک عروسک می‌شود. ۱. دین اسلام به زن شخصیت داده و حجاب را مایه ارزشمندی زن می‌داند. ۱. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۴۳. مقدار پوشش لازم برای زنان بدون تردید، پوشاندن بدن زن مورد سفارش قرآن و روایات است؛ زیرا در میان گزینه‌های انسانی، گزینه‌ای به سرکشی و حساسیت غریزه جنسی نیست. شهید مطهری بر اساس نظریه روان‌شناسان و روان‌کاوان تأکید می‌کند که چه بسا تلاقی یک نگاه در یک لحظه، اساس خانواده‌ای را ویران کند. ۱. صاحب عروۃ الوثقی در مقدمه بحث ستر و ساتر (احکام لباس نمازگزار) می‌نویسد: زن باید تمام بدن خود را از غیر همسر و محارمش بپوشاند مگر صورت و دست‌ها آن هم بدون قصد لذت و شهوت رانی در غیر این صورت، پوشانیدن تمام بدن حتی دست و صورت و حتی از دید محارم برای زن واجب است و احتیاط در آن است که بدن خود را از ناف تا زانو از دید محارم بپوشاند چه با قصد لذت و چه بدون قصد لذت. باز احتیاط در آن است که صورت و دست‌ها را از دید محارم چه با قصد لذت و چه بدون قصد لذت و صورت و دست‌ها را در صورتی که قصد لذت و شهوت رانی در کار نباشد استثناء کرده است. آیت الله حکیم در توضیح این قسمت می‌نویسد: این استثناء قابل قبول مرحوم شیخ در نه‌ایه، تبیان، تهذیب و استبصار بوده و مرحوم شیخ انصاری نیز در شرح کتاب نکاح ارشاد، این استثناء را برگزیده است. ۳. ۱. مسأله حجاب، ص ۱۹۴. ۲. عروۃ الوثقی، ج ۱، فصل ۸، ستر و ساتر، ص ۴۱۴. ۳. مستمسک العروۃ الوثقی، ج ۱۴، ص ۲۶. حکم پوشش دست‌ها و صورت در روایات: از حضرت امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: زن چه قسمتی از زینت خود را می‌تواند آشکار سازد؟ حضرت فرمود: «صورت و دست‌ها». ۱. از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: که مرد به چه قسمتی از بدن زن نامحرم می‌تواند نگاه کند؟ حضرت فرمود: «صورت و دست‌ها و پاها». ۲. پس هر جا نگاه کردن جایز بود، پوشش لازم نیست. زراره، سخن حضرت امام صادق را در تفسیر آیه «الا ما ظهر منها» (نور: ۳۱) چنین نقل می‌کند که فرمود: «مراد از زینتِ ظاهر، سرمه و انگشتر است». ۳. که جای آن‌ها در دست و صورت است. پس صورت و دست‌ها استثناء شده‌اند. علی بن جعفر می‌گوید از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: مرد تا چه مقدار می‌تواند (صلاح است) به زن نامحرم نگاه کند؟ حضرت فرمود: «صورت و دست‌ها و محل‌النگو و دست‌بند». ۴. آیت‌الله حکیم به روایاتی که در آن‌ها به نگاه کردن جابر به صورت حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام و نگاه کردن سلمان به دست‌های حضرت زهرا علیها‌السلام اشاره می‌کند و می‌نویسد: همه این‌ها بیانگر استثناء آرنج و مو و سر است و سکوت در بیان حکم صورت و دست‌ها موجب اطمینان به جایز بودن نگاه کردن و لازم نبودن پوشیدن آن‌ها می‌شود. البته روایاتی، کنار زدن حجاب صورت در احرام را جایز می‌دانند. مفهوم آن‌ها این است که جواز پوشاندن

دست و صورت، اضطرابی است و اگر اضطراب از بین برود، جواز هم از بین می‌رود و دیگر پوشانیدن دست‌ها و صورت لازم نیست. امام صادق علیه‌السلام فرموده است: زن نباید در حالی که نقاب زده است، طواف کند و اشکال ندارد که زن در حال احرام تمام صورتش را بپوشاند. ۶. این روایت بیانگر این است که پوشانیدن صورت در حالت احرام حرام است، ولی در صورت ضرورت، اشکال ندارد. ۱. وسائل الشیعه، باب ۱۰۹، ح ۵. ۲. همان، ح ۲. ۳. همان، ح ۳. ۴. قرب الاسناد، کتاب الصلاة، باب ما يجب علی النساء فی الصلاة، ص ۱۰۲. ۵. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۸. ۶. وسائل الشیعه، ج ۹، صص ۱۲۹ و ۱۴۱. حکم پوشش دست و صورت در قرآن آیه شریفه «و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن» (نور: ۳۱)، بخشی از همان آیه شریفه که می‌فرماید: «و لا یدین زینتهن»، حکم گریبان و سینه را بیان می‌کند و در مورد صورت، سکوت اختیار کرده است. آیه «غض» از لحاظ متعلق نگاه، عمومیت ندارد و حذف متعلق نیز اقتضای عمومیت ندارد؛ بنابراین حمل کردن این آیه بر عموم - تمام اعضای زن - ممنوع است (که بگوییم نگاه بر تمام اعضای بدن زن ممنوع است). روایاتی که زن را شرمگاه ۱ معرفی می‌کند، بیانگر این حقیقت است که زن هر چند پوشیده باشد، باز شرمگاه است و روایتی که همگانی بودن آیه را بیان می‌کند، از نظر سند ضعیف است و کافی نیست. آیت‌الله حکیم در مورد آیه «غض» که علامه و صاحب جواهر به عمومیت آن استدلال کرده‌اند، می‌گوید این آیه اطلاق ندارد. البته می‌توان گفت در اطلاق آیه بحثی نیست، بلکه آن چه جای بحث و گفت و گو دارد، این است که آیه در صدد بیان محدوده نگاه و حجاب نیست. درباره شرمگاه بودن زن نیز گفته‌اند که عورت بودن تمام بدن زن جای بحث دارد. البته اجماعی که علامه و صاحب جواهر به آن استناد کرده‌اند، مردود است؛ زیرا در بیان قدما و متأخرین هم قایل به جواز و هم قایل به منع داریم. سیره به عنوان چهارمین دلیل برای جایز نبودن نگاه و وجوب پوشش صورت و دست‌ها معرفی شده است. در این سیره به شهادت دادن زنان با نقاب استشهاد شده است. ایشان درباره نقاب زدن زن برای شهادت دادن می‌گویند: «باید دانست نقاب برای پوشش نیست، بلکه برای این است که زن شناخته نشود و بیانگر واجب بودن پوشش شرعی نیست؛ زیرا نقاب تمام صورت را نمی‌پوشاند و این کار برای بر طرف کردن زشتی کار در نظر عموم مردم بوده است. پس جایز بودن نگاه به بعضی از قسمت‌های صورت با شناخت آن زن از راه دیگری به جز نگاه کردن، گواه بر جایز بودن نگاه بوده و این سخنی قابل قبول است». آیت‌الله حکیم در مورد روایت «نگاه تیری از تیرهای زهر آگین شیطان است»، ۲ می‌گوید شاید منظور مطلق نگاه کردن باشد. به گفته ایشان، حضرت فرموده: «نگاه کردن تیری از تیرهای زهر آگین شیطان است که پرتاب این تیر بر عهده نگاه کننده است. اگر به قصد لذت نگاه کند، تیر به هدف اصابت کرده و اگر بدون قصد باشد، به هدف اصابت نکرده است. نگاه که تیری از تیرهای شیطان است؛ یعنی شیطان این تیر را آماده پرتاب کرده است. مانند دشمن فیزیکی انسان که شاید تیرهای گوناگونی در دست آماده کرده باشد، ولی تا حرکتی از طرف مقابل نبیند، تیراندازی نمی‌کند. در مورد خبر سعد اسکاف نیز می‌توانیم بگوییم که نگاه اول به قصد لذت نبود، ولی بعد به نگاه با قصد تبدیل شد. اگر نگاه اول بدون قصد - که بر اساس نظر آیت‌الله حکیم جایز است - نبود، در پی آن نگاه‌های بعدی به وجود نمی‌آمد. در مورد این که پوشیده بودن صورت، انسان را از گرفتار شدن در زنا و فتنه باز می‌دارد، با ایشان موافقیم که حرام بودن نگاه شهوت آلود دور کردن انسان از ارتکاب چنین گناهی کافی است، ولی ما قبول نداریم که بیش‌تر نگاه‌ها شهوت آلود است. بنابراین، اگر بپذیریم که بیش‌تر نگاه‌ها چنین نیست، جایز دانستن نگاه بدون قصد شهوت، چنین نگاهی را تأیید نمی‌کند؛ زیرا جایز نبودن بر اساس اصل نگاه است، نه لذت بردن و شهوت‌رانی. هم‌چنین این سخن که اخبار بیان کننده زینت برای تمثیل است، پذیرفتنی نیست؛ چون بعضی از آن‌ها مخصوص پرسش از عضو خاصی بوده که با وجود اختلاف در تفسیر «ما ظهر»، دلیلی بر حاصل نشدن اطمینان است. در مورد روایات با آیت‌الله حکیم موافقیم و ضعف در همه روایات را قبول نداریم. ایشان در ادامه با اشاره به روایت برگردانیدن صورت فضل از خنعمیه به وسیله پیامبر می‌گوید این نگاه از نگاه‌هایی بوده که ترس فتنه در آن وجود داشته و این روایت از دلایل جواز است، نه از دلایل منع و این سخن مورد پذیرش است. مفسران، وجه جمع بین ادله منع و ادله جواز را قول

محقق و علامه می‌دانند به دلیل حدیث نبوی که پیامبر فرمود: لَا تَتَّبِعِ النَّظْرَةَ بِالنَّظْرَةِ قَالَ الْأُولَى لَكَ وَالثَّانِيَةَ عَلَيْكَ. ۳ نگاه دوم را پس از نگاه اول نیاورد؛ زیرا نگاه اول برای توست و نگاه دوم بر ضد توست. هم‌چنین در خبر کاهلی آمده است که ایشان فرمود: «النَّظْرَةُ بَعِيدَ النَّظْرَةِ تَزْرُعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً». ۴ نگاه پس از نگاه، بذر شهوت را در قلب می‌رویاند و برای انداختن صاحبش در فتنه کافی است. آیت‌الله حکیم این جمع را قبول ندارد؛ چون وجه جمع بین دلیل منع و دلیل جواز، قصد است نه دفعه. این حرف پذیرفتنی است؛ زیرا شاید نگاه اول با قصد باشد، ولی به نظر علامه و محقق، اشکال ندارد. افزون بر این دو حدیث یاد شده، مجمل است و بعید نیست مراد از نگاه اول، نگاه غیر عمدی باشد. ۵ حضرت امام خمینی رحمه‌الله در تحریر الوسیله، پس از واجب دانستن پوشیده بودن شرمگاه انسان می‌نویسد: شرمگاه زن تمام بدن اوست به جز قسمتی از صورت که در وضو شسته می‌شود و دست‌ها تا مچ و پاها تا ساق. پوشانیدن قسمتی از اطراف مورد استثنا به خاطر مقدمه، واجب است. ۶. ۱. همان، باب ۱۳۱، ح ۱. ۲. همان، باب ۱۰۴، ح ۱. ۳. همان، باب ۱۰۴، ح ۱۴. ۴. همان، ح ۶. ۵. مستمسک العروة الوثقی، ح ۵، ص ۲۴۱. ۶. تحریر الوسیله، ج ۱، مسأله ۳. زن در برابر چه کسانی باید بدن خود را بپوشاند؟ بر اساس آیات شریفه که پیش‌تر یاد آور شدیم، زن می‌تواند در برابر شوهر تمام بدن خود را برهنه کند و در برابر محارم به جز ناف تا زانو را - بدون قصد شهوت - لازم نیست، بپوشاند. هم‌چنین لازم نیست، که زن بدن خود را از نگاه زنان مسلمان بپوشاند مگر شرمگاه که استثنا شده است. در مورد نگاه زنان اهل کتاب آمده است که زن مسلمان نمی‌تواند بدن خود را در برابر دید آنان قرار دهد؛ زیرا آن‌ها آن چه را دیده‌اند برای شوهرانشان بازگو می‌کنند. امام صادق علیه‌السلام فرمود: لَا يَتَّبِعِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنَكِّشَفَ بَيْنَ يَدَيِ الْيَهُودِيَّةِ وَ النَّصْرَانِيَّةِ فَإِنَّهُنَّ يَصِفْنَ ذَلِكَ لِأَزْوَاجِهِنَّ. ۱. سزاوار نیست برای زن که حجاب خود را در حضور زن یهودی و نصرانی بردارد؛ چون این‌ها آن را برای همسرانشان توصیف می‌کنند. ۱. وسائل الشیعه، باب ۹۸، ح ۱. گفتار سوم: صحبت کردن سخن گفتن یکی از شیوه‌های رایج ارتباط و معاشرت است. حرام بودن صحبت کردن نیز مانند نگاه کردن به دست و صورت به قصد لذت و شهوت مشروع است. مرحوم سید در مقدمات نکاح می‌نویسد: در گوش دادن به صدای زن بیگانه اشکالی نیست مادامی که لذت و شهوت‌رانی در کار نباشد و در این حکم فرقی بین نایبنا و بینا وجود ندارد. گرچه احتیاط در آن است که این کار در غیر ضرورت ترک شود. همان طوری که شنیدن صدای زن اجنبی برای مرد حرام است؛ برای زن هم حرام است صدای خود را که در آن تحریک و برانگیختن شهوت است به گوش مرد برساند. ۱. آیت‌الله العظمی خویی در تقریر مبانی مسأله، دلایل حرام بودن صحبت کردن با قصد لذت را این گونه بر می‌شمارد: ۱ - صدای زن مانند بدنش عورت است. ۲ - روایاتی که از آغاز کردن مرد به سلام بر زن نهی دارد. ایشان در نقد دلایل یاد شده می‌گویند: این دو دلیل پذیرفتنی نیست. دلیل اول گرچه مشهور است، ولی روایتی در این مورد وجود ندارد. درباره دلیل دوم نیز باید گفت نهی در این روایات به جهت جایز نبودن شنیدن صدای زنان نیست، بلکه به جهت اظهار تمایل و دوستی مرد نسبت به زن است. اگر ممنوعیت به جهت اظهار محبت نبود و تنها به دلیل حرام بودن شنیدن صدای آن‌ها بود، بایستی نهی به جواب سلام تعلق می‌گرفت؛ زیرا مناسب‌تر این است که حرام بودن شنیدن صدای زن به دلیل نهی مرد از شروع کردن به سلام است. ایشان ادامه می‌دهد: این روایت بر حرام بودن شنیدن صدای زن در صورتی که برای بیان محبت و دوستی نباشد، دلالت ندارد. بنابراین، مانعی نیست که به جواز ملتزم شویم؛ چون ادله حرمت ضعیف است. دلیل ما بر جواز بدین شرح است. ۱. سیره قطعی و پیوسته به زمان معصوم. در آن زمان، زنان با مردان صحبت می‌کردند در عین حال که محرم نبودند و از طرف ائمه علیهم‌السلام نیز نهی نمی‌شدند. ۲. در صحیح‌ه عمار ساباطی آمده است که از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: زنان چگونه سلام کنند وقتی بر عده‌ای وارد شدند؟ حضرت فرمود: «زن بگوید علیکم السلام و مرد بگوید السلام علیکم.» ۲ این روایت، سلام کردن زنان به مردان را جایز می‌داند. اگر صدای زن مانند بدن زن عورت بود یا به گونه‌ای بود که بلند کردن صدای زن کار حرامی بود، بر امام لازم بود که او را آگاه سازد که سلام کردن زن بر مردان جایز نیست. پس تقریر امام علیه‌السلام دلیل مشروعیت این کار

است و روشن ساختن شیوه رفتار بهترین دلیل بر نبود حرمت آن کار است. بنابر سخن خدای متعال «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲) چیزی که زن از آن نهی شده، فروتنی در کلام است نه هرگونه صحبت کردن دیگر. در ادامه، آیت‌الله العظمی خویی به بحث شهیدین در لمعه و شرح لمعه اشاره می‌کند شهید اول متعرض این فرع در کتاب نکاح نشده است، ولی در کتاب صلاة و در بحث چگونگی قرائت می‌نویسد: زن نباید صدایش را در نماز بلند کند و شهید ثانی می‌گوید: این حکم مختص به موردی است که صدای او به گوش نامحرم برسد و در غیر این صورت، زن می‌تواند نماز را بلند یا آهسته بخواند. در کتاب نکاح، عکس این مسأله بیان شده است؛ یعنی شنیدن صدای مرد بر زن حرام است مگر برای ضرورت. با وجود این که این فتوا از فتاوی عجبی است که هیچ کس آن را ذکر نکرده، پس بطلان آن قطعی است. عجیب‌تر این که حاشیه نویسان لمعه نیز به این سخن پی نبرده‌اند و هیچ کدام از متأخرین به جز صاحب مستند متعرض آن نشده است. بنابراین، عبارت صحیح این است که حرام است زن، صدایش را به گوش مرد برساند مگر برای ضرورت. آیت‌الله العظمی خویی در توضیح و تقریر استدلال مرحوم سید به آیه شریفه «و لا تخضعن بالقول» می‌نویسد: این آیه، حرام بودن بلند کردن صدای زن برای مرد را بیان می‌کند و اختصاص به زنان پیغمبر ندارد؛ زیرا این آیه در صدد بیان دو مطلب است: الف) فضیلت زنان پیامبر بر دیگر زنان اگر تقوا داشته باشند. ب) کیفیت و اسباب تقوا که عبارتند از: ۱- خضوع نکردن در سخن گفتن؛ یعنی زن هنگام صحبت کردن نباید فروتنی کند. ۲- باقی ماندن در خانه و خارج نشدن از آن بدون ضرورت. ۳- زینت آرایشی و خودنمایی نکردن در جامعه اسلامی. ۴- بر پاداشتن نماز و اهمیت دادن به آن. ۵- پرداخت زکات و بخشیدن قسمتی از دارایی در راه خدا. مطلب اول مختص زنان پیامبر است، ولی مطلب دوم اختصاص به آن‌ها ندارد و تمام زنان را شامل می‌شود؛ زیرا مواردی هم‌چون زینت آرایشی نکردن، اقامه نماز و پرداخت زکات مختص زنان پیامبر نبود و دیگر زنان در این مسایل با آنان شریکند. پس خضوع در سخن که عبارت از نازک کردن و زیبا کردن صدا است برای همه زنان، حرام است. ۱۳. عروة الوثقی، کتاب النکاح، مسأله ۳۹. ۲. وسائل الشیعه، باب ۱۳۱، ح ۳. ۴. مبانی عروة الوثقی، ج ۱، نکاح، ص ۱۰۳. نتیجه صحبت کردن زن و مرد مثل نگاه کردن به صورت و دست‌ها است. اگر با قصد لذت و شهوت رانی باشد، هم شنیدن صدای زن برای مرد حرام است و هم رسانیدن صدا به گوش مرد برای زن حرام است. در غیر این صورت، شنیدن صدای جنس مخالف یا رسانیدن صدا به گوش جنس مخالف جایز است. گفتار چهارم: دست دادن و تماس فیزیکی دست دادن به زن بیگانه به دلایل زیر جایز نیست: ۱- صحیحه ابی بصیر ابی بصیر می‌گوید از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: مصافحه مرد با زنی نامحرم چه حکمی دارد؟ حضرت فرمود: جایز نیست مگر از روی لباس. ۱. ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۱۵، ح ۱. ۲- صحیحه سماعه بن مهران سماعه بن مهران می‌گوید: «از مصافحه کردن مرد با زن پرسیدم که امام صادق علیه‌السلام فرمود: حلال نیست مرد با زن مصافحه کند مگر زنی که ازدواج کرده با او حرام است که عبارتند از: خواهر، دختر، عمه، خاله، دختر خواهر و جز این‌ها. زنی که ازدواج با او برای مرد، حلال است مصافحه تنها از روی لباس باید باشد و نباید دست زن را فشار دهد.» ۱. ظاهراً این حکم به مصافحه اختصاص ندارد، بلکه هر تماسی را شامل می‌شود؛ زیرا ویژگی خاصی در مصافحه وجود ندارد و علت این که در روایات از آن یاد شده این است که مورد ابتلا در خارج است. هم چنین روایت وارد شده درباره بیعت زنان با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به وسیله فرو کردن دست درون ظرف آب بیانگر جایز نبودن مصافحه است. افزون بر این، مرحوم شیخ می‌گوید: «وقتی نگاه کردن حرام باشد، به یقین لمس کردن حرام است و این مقتضی اولویت قطعی است که از عرف فهمیده می‌شود.» ۲. گفتنی است بین جواز نگاه کردن و جواز لمس، ملازمه‌ای وجود ندارد؛ یعنی اگر بگوییم نگاه کردن به صورت و دست‌های بیگانه جایز است لمس آن جایز نیست مگر از روی لباس. اگر درمان پزشکی به نگاه بدون لمس یا لمس بدون نگاه متوقف باشد، واجب است به چیزی بسنده شود که انسان به انجام آن مجبور است. پس جواز یکی به جواز دیگری بستگی ندارد. به طور کلی در تماس فیزیکی، قصد لذت ملاک نیست، بلکه صرف این عمل اگر از روی عمد انجام پذیرد، از نظر شرع جایز نیست.

۱. همان، ح ۲.۲. مبانی عروه الوثقی، ج ۱، ص ۱۰۳. گفتار پنجم: بهره‌برداری جنسی از نظر قرآن و روایات، هرگونه بهره‌برداری جنسی، به زن و شوهر اختصاص دارد و در غیر این صورت، حرام است و پی‌آمدهای دنیایی و آخرتی دارد. قرآن مجید با زناکار به سختی برخورد می‌کند و هیچ‌گونه رحم و عطفی را نسبت به زناکار جایز نمی‌داند. برای نمونه می‌فرماید: الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهَّدَ عَلَيْكُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ. (نور: ۲) هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو، شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید. هم چنین گروهی از مؤمنان باید مجازاتشان را ببینند. فخر رازی در مورد تعبیر «و لا تاخذکم بهما رأفۀ»، روایتی نقل می‌کند که در آن به علت آشکار بودن کیفر مرد و زن زناکار اشاره شده است. به نظر وی، پس از ثابت شدن جرم، جامعه آلوده شده و زشتی گناه کم رنگ می‌شود. بنابراین، مجازات باید به گونه‌ای صورت پذیرد که آثار منفی گناه خنثی شود و شدت و دشواری گناه به حال خود باز گردد. دلایل آشکار بودن کیفر از این قرار است: الف) درس عبرتی برای همگان باشد. ب) مجرم بیش‌تر شرمسار شود. ج) قاضی به رشوه ستانی متهم نشود. د) حضور جمع مانع زیاده‌روی در اجرای احکام است. ۱. در مورد این که چرا در این آیه شریفه، زانیه (زن زناکار) مقدم شده است، گفته‌اند: الف) چون زنان از حُجب و حیای بیش‌تری برخوردارند، شکستن آن، دلالت بر سرکشی شدید آن‌ها دارد. ب) پی‌آمدهای این کار زشت، بیش‌تر دامن‌گیر زنان می‌شود. ۳. ۱. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۳۵۸. ۲. مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۱۹۷. ۳. همان، ص ۳۶۴. پی‌آمدهای منفی ارتباط نامشروع در روایات ۱- در روایت علی بن سَیِّد تأکید شده است که زنا (بهره‌برداری غیرمجاز جنسی)، برکت را از میان می‌برد و دین را نابود می‌کند. ۲- پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در روایتی فرموده است: «زنا پنج ویژگی دارد: اول - آبروی انسان را می‌برد (آبرو برای انسان شرافتمند، سرمایه بزرگی است که زندگی بدون آن مشکل خواهد شد). دوم - فقر می‌آورد. سوم - عمر را کوتاه می‌کند (اشاره‌ای است به بیماری مقاربتی که در بیش‌تر موارد نیز درمان ناپذیرند). چهارم - خداوند را خشمگین می‌کند (هر کاری که معصیت و نافرمانی خدا باشد، خشم و غضب خداوند را به دنبال می‌آورد). پنجم - آدمی را به درون آتش دوزخ می‌افکند و پناه می‌بریم به خدا از عذاب آتش». ۳- حضرت امام باقر علیه‌السلام نیز به نقل از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است: زناکار در حالی که زنا می‌کند، مؤمن نیست. آری، هنگامی که زناکار، زنا می‌کند روح ایمان از او جدا می‌شود. ۳. دیگر آثار اجتماعی زنا بدین قرار است: الف) پیدایش هرج و مرج در خانواده و جامعه. ب) اشاعه انواع بیماری‌ها. ج) سقط جنین و قطع نسل. د) مبهم شدن رابطه پدر - فرزندی. ه) گسترش فساد و جنایت در جامعه. ۴. از مجموع آنچه در مباحث پیشین گفته شد، می‌توان مواردی از معاشرت‌های حلال را این‌گونه برشمرد: ۱- نگاه به دست و صورت نامحرم بدون قصد لذت. ۲- سخن گفتن زن با مرد و شنیدن صدای زن برای مرد. ۳- بیرون رفتن از خانه اگر با حق شوهر و وظیفه تمکین، معارض نباشد. ۴- راه رفتن با نامحرم و همراه شدن با وی اگر به قصد لذت نباشد. ۵- تجارت زن و مرد، گفت‌وگو و نگاه کردن و تنظیم قرارداد. ۶- شرکت در مجالس و اجتماعات نظیر: نماز جمعه و جماعات، راه‌پیمایی و انتخابات. ۷- حضور در مجامع علمی و آموزشی مانند: مدارس و دانشگاه‌ها. ۸- انجام امور دینی در متن جامعه نظیر امر به معروف و نهی از منکر حتی نسبت به جنس مخالف با رعایت شرایط آن. ۹- نگاه کردن و لمس کردن بدن زن و مرد برای جنس مخالف برای درمان. ۱۰- نامه‌نگاری عادی یا رایانه‌ای و گفت‌وگوی تلفنی یا اینترنتی بدون انگیزه شهوانی. در پایان اشاره می‌کنیم که در دیگر شیوه‌های معاشرت زن و مرد، همان اصل کلی رعایت شئون دینی و دور ماندن ارتباط از شایبه لذت جویی جنسی یا برجاست و هرگونه ارتباطی بدون در نظر گرفتن این موارد، جایز نیست. ۱. وسائل الشیعه، ابواب النکاح المحرم، باب ۱، ح ۳. ۲. همان، ح ۶. ۳. همان، ح ۱۰. ۴. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۰۳ و ج ۱۴، ص ۳۶۶.

معاشرت و ضرورت ضابطه‌مند کردن آن ۱ معاشرت که به معنای هم‌صحبتی، همراهی و داشتن ارتباط با افراد جامعه است، به صورت یکی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی و جوامع مدرنیت در آمده که بدون آن انسان در انزوای کامل قرار می‌گیرد و از تکامل باز می‌ایستد. بدین ترتیب، آدمی نمی‌تواند به رشد و کمال در تمامی زمینه‌ها برسد و حتی نمی‌تواند ضروری‌ترین نیازهای زندگی خود را برآورده سازد. آیا می‌توان در هر زمان و مکانی و درباره هر موضوعی، با افراد جامعه مصاحبت و معاشرت کرد؟ باید دانست این کار نیز مانند دیگر امور، شرایط و ضوابطی دارد که اگر در چارچوب آن شرایط و ضوابط قرار نگیرد، افزون بر این که خیری ندارد، زیان‌بار نیز هست. بسیاری از بزه‌کاران، عامل اصلی بدبختی خود را داشتن دوست ناباب معرفی می‌کنند که بیانگر میزان اثر پذیری و اثرگذاری معاشرت در افکار، گفتار و رفتار انسان است. بدیهی است وقتی بحث معاشرت زن و مرد مطرح می‌شود، مسأله از این هم پیچیده‌تر و حساس‌تر می‌شود؛ زیرا در این میان میل نیرومند جنسی خود را نشان می‌دهد، به گونه‌ای که اگر در شکل ارتباط و معاشرت، دقت و احتیاط لازم از سوی طرفین صورت نگیرد و روابط یاد شده بر اساس اصول، ضوابط و قواعد مشخصی نباشد، ممکن است آثار زیان‌باری برای افراد، خانواده و جامعه داشته باشد. پس ضروری است که شیوه ارتباط و معاشرت مردم به ویژه زن و مرد با بهره‌گیری از دو منبع عظیم الهی؛ قرآن و سنت بررسی شود تا با برخورداری از برکات این ارتباطات، آمار ناهنجاری‌های اخلاقی نیز کاهش یابد. ۱. این فصل را آقای عباس عباس‌زاده نگاشته است. دیدگاه‌های گوناگون درباره معاشرت ۱ - یک دیدگاه می‌کوشد زن را به عنوان چیز گران‌بها در اندرون خانه محبوس دارد؛ شیئی که نه تنها با تمکین خود، نیازهای جنسی مرد را برطرف می‌سازد، بلکه می‌تواند به عنوان یک خدمت‌کار، با سامان بخشیدن به دیگر اشیا خانه، نقش خود را در زیبا سازی خانه ایفا کند و مرد خانه نیز از این وضع مطلوب رضایت داشته باشد. ۲ - دیدگاه دیگر به عنوان یک مصلح می‌کوشد زن را از شیء بودن نجات بخشد، ولی از آن‌جا که به عقل ناقص خود تکیه دارد، راه افراط می‌پیماید و بدون حساب و کتاب و ضوابط و قواعد مشخص، زن را به عرصه اجتماعی می‌کشاند. این دیدگاه در ارتباط زن و مرد، محدودیتی قابل نمی‌شود و او را از هر نظر با مرد مساوی می‌بیند. در این دیدگاه، زن در اثر روابط آزاد جنسی، به شخصی مبتذل تبدیل می‌شود که به دلیل دسترسی رایگان به آن، مرد توجه چندانی به آن نمی‌کند. ۳ - دیدگاه سوم که همان دیدگاه اسلام است، نه حاضر است زن را در خانه حبس کند و نه حاضر است به روابط آزاد تن دهد. اسلام از زن می‌خواهد که با تمکین از شوهر، در محیط خانه به عنوان یک شیء گران‌بها باقی بماند و با حضور مؤثر در صحنه اجتماع و با رعایت متانت و عفاف، به عنوان یک فرد باشخصیت در جامعه مطرح باشد. زنان نیمی از پیکر جامعه هستند که با محروم ساختن آنان از حضور در جامعه، نیم دیگر جامعه نیز قوت و قدرت خود را برای حضور در زندگی از دست می‌دهد. آیا می‌توان زن را به بهانه آزادی و برابری حقوق زن و مرد، به صحنه اجتماع کشاند و آن چنان او را به کارهای اقتصادی و تولیدی وا داشت که هویت اصیل خود را به عنوان یک انسان به فراموشی بسپارد و ارزش وجودی خود را از دست دهد. باری، بدین گونه زن از مادر شدن و همسر بودن خود چنان غافل خواهد ماند که گویا در برابر هیچ کس مسئولیتی ندارد و تنها ابزاری است در دست سرمایه‌داران که می‌بایست روحیه مصرف را تبلیغ کند یا در هتل‌ها، مشتری جلب کند. آیا این دو دیدگاه، ستم به زن و مرد و فرزندان آنان و بنیان خانواده و اجتماع نیست؟ چه کسی پاسخ‌گوی آثار زیان‌بار این دیدگاه‌های افراطی و تفریطی است؟ آیا متن جامعه را می‌توان با یک آزمایشگاه مقایسه کرد که در صورت مثبت نبودن فرضیه‌های خود، تنها چند گرم گوگرد از دست داده باشیم؟ آیا وقت آن فرا نرسیده است که به پیام وحی پناه ببریم و بایدها و نبایدهای خود را از خالق آسمان‌ها و زمین بگیریم؟! معاشرت و رسانه یکی از ویژگی‌های عصر حاضر، گسترش ابزار پیشرفته ارتباطی است که قدرت انسان را برای تماس و برقراری ارتباط با هم نوعانش افزایش داده است. رسانه‌ها، زمان، مکان، فاصله‌ها و مرزهای جغرافیایی را نیز درنور دیده‌اند. با نگاهی گذرا به رسانه‌های جهان خواهیم دید که دشمن فرهنگی از این وسیله‌ها برای تبلیغ و ترویج

بی‌بندوباری‌های جنسی که عامل مهمی برای انحراف نسل انسان‌هاست، استفاده می‌کند. در این میان، از زن به عنوان یک موجود زیبا، ظریف و تأثیرگذار در مرد، استفاده ابزاری می‌شود. سردمداران غرب با بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون تبلیغاتی و برای ارزش زدایی از جوامع اسلامی، فرهنگ بی‌حجابی و اختلاط زن و مرد را رواج می‌دهند. برای آن‌که به میزان توجه آنان برای تقابل با اسلام در این گونه تبلیغات پی ببریم، بد نیست بدانید که آنان در فیلم‌ها و سریال‌های خود می‌کوشند بیش‌تر به مسأله ارتباط جنسی زنان و مردان بپردازند. این مسأله با روح اسلام و قوانین دینی به کلی متناقض است، بلکه نمایش دادن چنین صحنه‌هایی به خاطر ناسازگاری آن با ذهنیت مسلمانان، در به فساد کشیدن نسل جوان جوامع اسلامی مؤثرتر خواهد بود. رسالت رسانه‌های همگانی به ویژه صداوسیما در ارتقای فرهنگ عمومی جامعه و آموزش اصول ارتباط و معاشرت را از دو زاویه می‌توان بررسی کرد: ۱- کارمندان و کارکنان صداوسیما اعم از زن و مرد که به عنوان همکار با همدیگر ارتباط دایمی دارند، باید به عنوان یک فرد مسلمان، احکام اسلامی را در معاشرت‌های خود مانند: نگاه، حجاب و گفت‌وگو، رعایت کنند. از آن‌جا که این سازمان مکلف به تولید فیلم، سریال و برنامه‌های گوناگونی است که در هریک از آن‌ها، برخورد و همکاری افراد گوناگون با ویژگی‌های متفاوت سنی، جنسی و تخصصی، در مدت طولانی و با نقش‌های متنوع پیش می‌آید، همه دست‌اندرکاران این برنامه‌ها باید به وظایف شرعی و الهی خود کاملاً آشنا باشند تا بتوانند با رعایت احکام الهی، وظیفه خود را به خوبی انجام دهند. ۲- این سازمان، دانشگاهی بزرگ و عمومی است که مسئولیت تعلیم و تربیت قشرهای گوناگون جامعه و اشاعه فرهنگ اسلامی را بر عهده دارد. این سازمان باید با تولید برنامه‌های مناسب، هنجارها و ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی را به مردم بشناساند و ارزش‌ها را در متن جامعه و برای افراد آن نهادینه کند. با توجه به تأثیر شگرف این برنامه‌ها و فیلم‌ها بر افکار مردم، ساختار ارتباط و معاشرت در آن‌ها باید به گونه‌ای باشد که ارتباط صحیح را به افراد جامعه القا کند و به هیچ عنوان بدآموزی نداشته باشد. ۱۱ اگر در یک فیلم یا سریال، گفت‌وگو یا صحنه‌ای با موازین شرعی منطبق نبود یا مخالف شریعت باشد، نه تنها به شخصیت فردی بازیگران، لطمه می‌زند، بلکه به اخلاق فردی و اجتماعی جامعه نیز آسیب می‌رساند. از این رو، بر نویسندگان و کارگردانان، لازم است که در این گونه موارد، حساسیت داشته و مراقبت‌های لازم را انجام دهند. باید توجه داشت این مسأله همان‌گونه که در تحلیل حرام مطرح است، در تحریم حلال نیز پیش می‌آید؛ زیرا تحلیل حرام، مفسد را به دنبال دارد و تحریم حلال، مصالح را از جامعه دور می‌سازد. ۱. مثلاً برنامه‌هایی که مسأله استیذان فرزندان در ورود به خلوت زن و مرد و برعکس را مطرح می‌کند، برنامه‌هایی که محارم نسبی، رضاعی و سببی را تبیین می‌کند و برنامه‌هایی که روابط پنهانی دختر و پسر را به شدت تقبیح کند و... احکام شرعی معاشرت و رسانه هنگام تهیه و تولید یک برنامه باید توجه داشت که آیا موضوع آن واقعی و مستند است یا مانند رمان، محصول تخیل نویسنده است و آیا اسلام نسبت به این موضوع حکم خاصی دارد؟ اگر واقعی است، آیا می‌توان آن را به همان صورت که رخ داده است، به نمایش گذاشت بی‌آن‌که از جذابیت آن کاسته شود؟ آیا کارگردان برای جذابیت بیش‌تر فیلم و پر کردن کاستی‌ها و مجهولات داستان باید مطالبی را از خود به آن بیفزاید یا کم کند؟ در صورت اول، باید دقت کرد که نقل خود واقعیت به مصلحت جامعه است یا مفسده ایجاد می‌کند و نوعی اشاعه فحشا است. در صورت دوم نیز باید بررسی شود که آیا این کم و زیاد کردن، تحریف واقعیت به شمار نمی‌آید و اگر تحریف واقعیت است، آیا عقلاً به این مقدار از تحریف، اعتنا می‌کنند یا از آن چشم می‌پوشند؟ اگر موضوع مبتنی بر تخیل نویسنده است، آیا در اصلاح فرد و جامعه نقش دارد؟ در ساختار تهیه فیلم باید به شیوه معاشرت زن و مرد و اختلاط آن‌ها، میزان پوشش و حجاب، شباهت به شخص یا شخصیت دیگر، فرض زوجیت، نگاه به نامحرم، گفت‌وگو با نامحرم، آرایش و گریم و صدها مسأله دیگر توجه کرد که هم برای بازیگران و دست‌اندرکاران فیلم و هم برای بینندگان مطرح بوده و در نتیجه‌گیری از آن فیلم نیز مؤثر است. درباره فیلم‌های کم‌دی نیز این پرسش مطرح است که آیا برای شادمانی مؤمن می‌توان دیگران را به تمسخر گرفت یا شخصیت خود را با انجام برخی کارها سبک کرد؟! هم‌چنین موسیقی یکی دیگر از ابزار مهم در جذب

تماشاگران و القای حالت‌ها و احساسات خاصی به آنان به شمار می‌آید. احکام شرعی معاشرت و رسانه هنگام تهیه و تولید یک برنامه باید توجه داشت که آیا موضوع آن واقعی و مستند است یا مانند رمان، محصول تخیل نویسنده است و آیا اسلام نسبت به این موضوع حکم خاصی دارد؟ اگر واقعی است، آیا می‌توان آن را به همان صورت که رخ داده است، به نمایش گذاشت بی‌آنکه از جذابیت آن کاسته شود؟ آیا کارگردان برای جذابیت بیشتر فیلم و پر کردن کاستی‌ها و مجهولات داستان باید مطالبی را از خود به آن بیفزاید یا کم کند؟ در صورت اول، باید دقت کرد که نقل خود واقعیت به مصلحت جامعه است یا مفسده ایجاد می‌کند و نوعی اشاعه فحشا است. در صورت دوم نیز باید بررسی شود که آیا این کم و زیاد کردن، تحریف واقعیت به شمار نمی‌آید و اگر تحریف واقعیت است، آیا عقلا به این مقدار از تحریف، اعتنا می‌کنند یا از آن چشم می‌پوشند؟ اگر موضوع مبتنی بر تخیل نویسنده است، آیا در اصلاح فرد و جامعه نقش دارد؟ در ساختار تهیه فیلم باید به شیوه معاشرت زن و مرد و اختلاط آن‌ها، میزان پوشش و حجاب، شباهت به شخص یا شخصیت دیگر، فرض زوجیت، نگاه به نامحرم، گفت‌وگو با نامحرم، آرایش و گریم و صدها مسأله دیگر توجه کرد که هم برای بازیگران و دست‌اندرکاران فیلم و هم برای بینندگان مطرح بوده و در نتیجه‌گیری از آن فیلم نیز مؤثر است. درباره فیلم‌های کم‌دی نیز این پرسش مطرح است که آیا برای شادمانی مؤمن می‌توان دیگران را به تمسخر گرفت یا شخصیت خود را با انجام برخی کارها سبک کرد؟! هم‌چنین موسیقی یکی دیگر از ابزار مهم در جذب تماشاگران و القای حالت‌ها و احساسات خاصی به آنان به شمار می‌آید. رسانه و شروع فرهنگ اسلامی امروزه که جامعه کمونیستی شرق متلاشی و جامعه سرمایه‌داری غرب دچار مشکلات و عوارض شده، بستر مناسبی برای رشد دین و معنویت در عرصه جهانی فراهم آمده است. گسترش آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران نیز بر این روند سرعت بخشیده و خود در رأس قطب معنوی در مقابل جهان مادی‌گرا تبلور یافته است. همین موضوع، رسالت دست‌اندرکاران صداوسیما را بسیار سنگین کرده و شایسته است که با تولید فرآورده‌های مناسب هنری، جامعه اسلامی ما را از تهاجم فرهنگی غرب در امان نگاه دارند و با ارایه الگوی مناسب از ارتباط و معاشرت زن و مرد، نشان دهند که یک زن مسلمان چگونه می‌تواند با حفظ حریم خانواده و انجام وظایف مادری و همسری، در عرصه اجتماع نیز حضور یابد و با امنیت خاطر، نتیجه کار خود را در اختیار جامعه قرار دهد. نگاهی به واقعیت‌های اجتماعی، گواه بر این سخنان است. آمار دختران راه یافته به دانشگاه از پسران بیش‌تر است، به گونه‌ای که گاه به ۶۵ درصد نیز می‌رسد. آمار کارمندان زن اعم از پرستاران، آموزگاران و کارگران به ویژه در محیط‌های اختصاصی زنان افزایش یافته است. هم‌چنین امروزه شاهد حضور زنان در مجلس و مدیریت‌های کلان، تنظیم برنامه‌های توسعه، امور اجرایی، محیط‌های دانشگاهی و حوزوی و هم‌چنین فعالیت دختران در همه رشته‌های علمی، هنری و ورزشی چه در داخل و چه در خارج کشور، هستیم. پیشنهادهای کلی فیلم‌های خارجی و حتی مستند با موضوع‌های اجتماعی نوعی از معاشرت را که با فرهنگ اصیل اسلامی مغایرت دارند، القا می‌کند. نقد و بررسی دقیق آثار منفی معاشرت آزاد زن و مرد و راه‌های جلوگیری از آسیب‌پذیری آن از اصلی‌ترین و مهم‌ترین وظایف برنامه‌ریزان در سطح کلان به شمار می‌رود. از آن‌جا که یکی از آسیب‌های مهم معاشرت، به غریزه جنسی برمی‌گردد و غریزه جنسی، میل نیرومندی است که می‌تواند بر همه زاویه‌های زندگی اثر بگذارد، بررسی آثار آزادی جنسی، در جامعه غربی مفید و مؤثر خواهد بود. از سوی دیگر، این مسأله با مسایل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی مرتبط است که اگر جدی گرفته نشود، بر همه آن‌ها اثر منفی می‌گذارد و آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر پیکر اجتماع وارد می‌سازد. نظام سلطه با استفاده از زن و معاشرت و روابط آزاد او با مرد می‌خواهد فرهنگ اسلامی را از بین ببرد، به ارزش‌زدایی در جامعه اسلامی بپردازد و مصرف‌گرایی را در جامعه تشدید کند. با توجه به مطالب گذشته، موارد زیر پیشنهاد می‌شود: ۱. رسانه باید مدافع راهی باشد که اسلام آن را پیشنهاد می‌کند و می‌گوید نه از انسان بودن زن غافل باشید و نه از زن بودن او. برای این منظور، باید با تأکید بر انسان بودن زن، به تفاوت‌های تکوینی و تشریحی زن و مرد توجه داشته باشیم و به همان تناسب، حقوق و وظایف هر یک را تبیین کنیم تا هریک در جایگاه خود قرار گیرند و ارتباط

سالمی در کانون خانواده با محارم و در متن جامعه با نامحرمان داشته باشند. ۲. رسانه باید بدون افراط و تفریط، پدیده حجاب را تبیین و از حریم آن دفاع کند. حجاب، نه وجوب پوشاندن دست و صورت است و نه باز گذاشتن قسمت‌های دیگر بدن. جهانیان وقتی حقانیت حجاب را از ما می‌پذیرند که آثار مثبت آن را در زوایای زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی زن به روشنی ترسیم و تجربه کنیم. ۳. رسانه باید به مسأله نگاه نیز پردازد و نگاه شیطانی را که یک جوان هوس‌باز دارد، از نگاه رحمانی که یک معلم دلسوز از خود نشان می‌دهد، برای جامعه تمیز دهد، به گونه‌ای که مردم اعم از زن و مرد بپذیرند که با نگاه‌های هوس‌آلود نمی‌توان ادعای پاسداری از حرمت و کرامت انسان را داشت. ۴. برنامه‌ریزان باید برای پیش‌گیری از آسیب‌های معاشرت، فرهنگ‌سازی کنند. ۵. رسانه باید با تولید برنامه‌های مناسب به ارتقای فرهنگ عمومی، تقویت بنیادهای اخلاقی و ایمانی و امنیت زنان یاری رساند. ۶. شایسته است رسانه با پدیده تشبه زن و مرد به یکدیگر در زمینه لباس و پیروی از مدها و مظاهر غربی به عنوان یک ضد ارزش، مبارزه کند. ۷. رسانه باید به تبیین فلسفه احکام اسلامی در زمینه حجاب و ریشه‌یابی روانی روابط پنهانی دختر و پسر در جامعه پردازد. پیشنهادها برنامه‌ای ۱ - ساختن فیلم‌های سینمایی یا مجموعه‌های داستانی برای آموزش آثار مثبت و منفی رعایت یا زیر پا گذاشتن حدود شرعی و ارتباط صحیح و منطقی جنس مخالف در جامعه به نسل جوان. ۲ - تهیه فیلم‌های مستند اجتماعی از حضور دختران و زنان موفق که با رعایت عفاف و وقار و متانت، در عرصه‌های گوناگون اجتماعی به انجام وظایف اجتماعی خود می‌پردازند. ۳ - برنامه‌سازی درباره زندگی زنان بزرگ تاریخ و معاصر از نگاه مثبت نظیر: فاطمه زهرا علیهاالسلام، حضرت مریم، آسیه، حضرت زینب کبری علیهاالسلام، بلقیس و... از نگاه منفی نظیر: همسر نوح، همسر لوط، همسر ابولهب و زلیخا. ۴ - به تصویر کشیدن نقش زنان در انقلاب شکوهمند اسلامی و دفاع جانانه از آن در طول ۸ سال دفاع مقدس. ۵ - برپایی میزگرد با حضور کارشناسان و دانشمندان زن و مرد مسلمان برای پاسخ‌گویی به شبهه‌های موجود در زمینه احکام اجتماعی معاشرت زن و مرد. ۶ - بررسی پرونده‌های دادگاه‌های عمومی و خانواده که به پی‌آمدهای روابط ناسالم اجتماعی میان دو جنس مخالف می‌پردازد تا جایی که بدآموزی نداشته و مصداق اشاعه فحشا و منکرات نباشد. ۷ - برگزاری جلسه پرسش و پاسخ دختران و پسران با کارشناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی درباره مسایل و مشکلات جوانان در ارتباط با جنس مخالف. ۸ - بررسی پی‌آمدهای منفی رابطه آزاد زن و مرد در کشورهای غربی و گفت‌وگو با زنان و مردان تازه مسلمان کشورهای اروپایی درباره وضعیت ارتباط اجتماعی زن و مرد در آن جوامع. پرسش‌های مردمی ۱ - آیا جوانان می‌دانند که سعادت انسان در برقراری روابط صحیح و منطقی با دیگران است و انزوا طلبی مانع رشد و پیشرفت هر کس و هر جمعی می‌شود؟ ۲ - آیا جوانان از پی‌آمدهای منفی معاشرت‌های غیر شرعی و غیر اخلاقی به خوبی آگاهند؟ ۳ - معمولاً دختران و پسران ما تا چه اندازه با آداب معاشرت آشنایی دارند؟ ۴ - محدوده روابط زن و مرد در جامعه کنونی ما چه میزان است؟ آیا مطلوب است یا باید کم و زیاد شود؟ ۵ - زن و مرد ترجیح می‌دهند جنس مخالفشان درباره آنان چگونه بیندیشد و چه رفتاری پیشه کند؟ ۶ - در تعامل بین زن و مرد معمولاً نظر و خواست کدام یک بر دیگری مقدم می‌شود؟ ۷ - آیا روش معاشرت بین زن و مرد در جامعه بر کاهش یا افزایش آمار طلاق تأثیرگذار است؟ چه گونه؟ ۸ - آیا مسأله معاشرت و حسن روابط در بهبودی بیماری‌های جسمی و روحی تأثیر مثبتی دارد؟ ۹ - آیا زنان در ارتباط خود با مردان مورد آزار، تحقیر، توهین یا خشونت قرار می‌گیرند؟ ۱۰ - آیا در ارتباط با جنس مخالف دچار دلهره یا ترس می‌شوید؟ ۱۱ - آیا زنان ترجیح می‌دهند بیش‌تر وقت خود را به مسایل خانواده و تربیت فرزندان و شوهرداری بپردازند و با محارم خود ارتباط داشته باشند یا در جامعه به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بپردازند؟ ۱۲ - نظر شما درباره حجاب چیست؟ آیا حدود شرعی آن را می‌پسندید و رعایت همین حدود، مانع فعالیت‌های اجتماعی شما نیست؟ ۱۳ - آیا جداسازی جایگاه زن و مرد در دانشگاه‌ها، اتوبوس‌ها و... توانسته است به حل برخی مشکلات زنان کمک کند؟ ۱۴ - روابط پنهانی دختران و پسران به سود آنان است یا به زیان‌شان؟ پی‌آمدهای فردی و اجتماعی آن چیست؟ پرسش‌های کارشناسی ۱ - آیا سن تکلیف دختران و پسران با

قدرت درک و فهم تکالیف شرعی هم چون نگاه، حجاب و مسایل اجتماعی و روانی معاشرت مطابقت دارد یا نه؟ ۲- آیا حدود شرعی اسلام در زمینه معاشرت زن و مرد، گسترش فعالیت‌های سینمایی و رادیو و تلویزیونی را اجازه می‌دهد یا مانعی بر سر راه رشد و توسعه آن به شمار می‌آید؟ ۳- آیا حدود شرعی با تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد تطابق دارد یا نه؟ آیا زنان با روحیه‌ای که دارند، می‌توانند زینت خود را بپوشانند و مردان می‌توانند نگاه خود را کنترل کنند یا نه؟ ۴- آیا می‌توانیم فلسفه همه احکامی را که حدود ارتباط و معاشرت بین زن و مرد را تعیین می‌کند، به دست آوریم؟ اگر پاسخ منفی است، وظیفه ما در برابر آن‌ها چیست؟ ۵- ارتباط زن و مرد به عنوان زن و شوهر یا به عنوان محارم یا نامحرم چگونه باید باشد؟ فلسفه مرزبندی‌های شرعی بین زن و مرد چیست؟ ۶- روابط پنهانی دختر و پسر در ایران به صورت دیدار، نامه‌نویسی یا گفت‌وگوی تلفنی و اینترنتی معلول چیست؟ کتاب‌شناسی ۱- حجاب، مقدس‌ترین وسیله استحکام، سید محمدتقی حشمت الواعظین. ۲- زن موجود ناشناخته، علویه شکرانی. ۳- حقوق زن در اسلام و اروپا، حسن صدر. ۴- هنر زن بودن، دکتر علی پریور. ۵- قدرت و مقام زن، غلامرضا انصاف پور. ۶- چهره زن در آینه فقاهت، مرتضی فهمیم کرمانی. ۷- چهره زن در آینه تاریخ اسلام، مرتضی فهمیم کرمانی. ۸- قرآن و مقام زن، سید علی کمالی. ۹- روشن فکر و روشن فکرانما، داود الهامی. ۱۰- حجاب در عصر حاضر، محمد رضا اکبری. ۱۱- حقوق زن در اسلام و جهان، دکتر یحیی نوری. ۱۲- روان‌شناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، و. د. کوچتکف، و. م. (ایپک) (روان‌شناسان بزرگ شوروی))، ترجمه: محمد تقی زاد. ۱۳- زن یا نیمی از پیکر اجتماع، محمد تقی مصباح یزدی. ۱۴- تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، علی اصغر احمدی.

کتاب‌نامه

* قرآن کریم. * نهج البلاغه. ۱- آمدی، عبدالاحد. غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: محمدعلی انصاری، سازمان چاپ و صحافی دارالکتاب، قم، (بی‌تا). ۲- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. مقدمه ابن خلدون، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ه. ق / ۱۹۸۸ م. ۳- ابن منظور. لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت، ۱۴۱۲ ه. ق / ۱۹۹۲ م. ۴- اشتهاودی، ابوالقاسم، الحجاب فی الاسلام، بی‌نا، بی‌تا. ۵- بانوی اصفهانی، امین. کنزالعرفان، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱. ۶- جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن الحسن. جلاءالاذهان و جلاءالاحزان (گازر)، چاپ‌خانه دانشگاه، تهران، ۱۳۳۷. ۷- جزری، عبدالرحمن. الفقه علی مذاهب الاربعه، چاپ اول، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۷ ه. ق / ۱۹۹۶ م. ۸- جعفری، محمدتقی. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چاپ اول، بی‌نا، تهران، ۱۳۵۷. ۹- جلالی، محمدحسین. آداب معاشرت، ترجمه و تحقیق: جواد بیات و محمد آذربایجانی، چاپ اول، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲. ۱۰- جوادی آملی، عبدالله زن در آینه جلال و جمال، چاپ اول، مرکز نشر فرهنگ رجا، تهران، ۱۳۶۹. ۱۱- حایری شیرازی، محی‌الدین. تمثیلات، چاپ سوم، شفق، قم، ۱۳۷۳. ۱۲- حسینیان، روح‌الله حریم حجاب، چاپ چهارم، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۶. ۱۳- حقی البروسوی، اسماعیل. تفسیر روح‌البیان، چاپ هفتم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ه. ق / ۱۹۸۹ م. ۱۴- روح‌المعانی، چاپ هفتم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ه. ق / ۱۹۸۹ م. ۱۵- حکیم، سیدمحسن. مستمسک العروة الوثقی، چاپ اول، مؤسسه دارالتقریر، قم، ۱۳۴۷. ۱۶- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تحقیق: حسن حسن‌زاده آملی، مؤسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳. ۱۷- حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن. شرایع الاسلام، چاپ اول، کلیه الفقه، نجف اشرف، ۱۳۸۹ ه. ق / ۱۹۶۹ م. ۱۸- حمیری، عبدالله بن جعفر. قرب الاسناد، چاپ اول، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹- حویفری، عبدعلی بن جمعه. العربی و نورالثقلین، تصحیح و تعلیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۲ ه. ق. ۲۰- خوری شرتوتی، سعید. اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، بی‌نا، بی‌تا. ۲۱- خویی، سیدابوالقاسم. توضیح المسائل، چاپ هفتم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۲ ه. ق. ۲۲- خویی، محمدتقی.

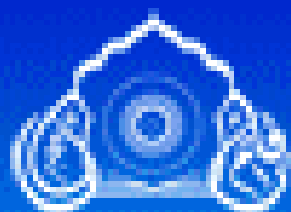
مبانی العروة الوثقی، منشورات مدرسه دارالعلم، نجف اشرف، ۱۴۰۴ ه. ق. ۲۳ - دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا، چاپ اول (دوره جدید)، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲. ۲۴ - رفیع پور، فرامرز. آناتومی جامعه (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی)، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷. ۲۵ - زینو، محمدبن جمیل. توجیحات الاسلامیه لاصلاح الفرد و المجتمع، وزارت شئون الاسلامیه و الاوقاف و الدعوة و الارشاد مؤسسه ابراهیم بن عبدالعزیز، ریاض، ۱۴۱۸ ه. ق. ۲۶ - سعیدیان، عبدالحسین. دائره المعارف، چاپ هفتم، سازمان چاپ و انتشارات محمدعلی علمی، تهران، ۱۳۴۹. ۲۷ - سیاح. فرهنگ بزرگ جامع نوین، چاپ هجدهم، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵. ۲۸ - سیدبن طاووس، رضی‌الدین علی بن موسی بن جعفر. اقبال، بی‌نا، بی‌تا. ۲۹ - سیدقطب. فی ظلال القرآن، چاپ دوازدهم، دارالشروق، بیروت، ۱۹۸۶ م. ۳۰ - شریف لاهیجی، بهاء‌الدین محمدبن شیخعلی. تفسیر شریف لاهیجی، تصحیح: محمدابراهیم، انتشارات کتب ایران، تهران، ۱۳۴۷. ۳۱ - شکوری، ابوالفضل. فرهنگ رجال و مشاهیر، چاپ اول، انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۷. ۳۲ - شهیدی، سیدجعفر. ترجمه نهج البلاغه، چاپ هشتم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴. ۳۳ - شیخ صدوق، علی بن الحسین بابویه. من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ سوم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۴ ه. ق. ۳۴ - طباطبایی، سیدمحسن. مستمسک العروة الوثقی، چاپ اول، مؤسسه دارالتقریر، قم، ۱۳۷۴. ۳۵ - طباطبایی، سیدمحمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۳ ه. ق. / ۱۹۷۳ م. ۳۶ - طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. عروه الوثقی، چاپ اول، الدارالاسلامیه، بیروت، ۱۴۱۰ ه. ق. / ۱۹۹۰ م. ۳۷ - طبرسی، شیخ ابی فضل بن الحسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۶ ه. ق. / ۱۹۸۶ م. ۳۸ - طوسی، محمدبن الحسن بن علی، خلاف، چاپ دوم، بی‌نا، ۱۳۸۲ ه. ق. ۳۹ - طیفور، احمدبن ابی طاهر. بلاغات النساء، انتشارات شریف رضی، قم، بی‌تا. ۴۰ - عاملی، شیخ حر. وسائل الشیعہ، تصحیح: عبدالرحیم ربانی شیرازی؛ چاپ ششم، مکتبه الاسلامیه، تهران، بی‌تا. ۴۱ - عمید، حسن. فرهنگ عمید، چاپ سوم، انتشارات جاوید، تهران، ۱۳۴۷. ۴۲ - فرید وجدی، محمد. دائره المعارف القرن العشرين، چاپ سوم، دارالمعرفه، ۱۹۷۱ م. ۴۳ - فلسفی، محمدتقی. کودک از نظر وراثت و تربیت، چاپ پانزدهم، هیأت نشر معارف اسلامی، تهران، ۱۳۵۳. ۴۴ - فیض کاشانی. تفسیر صافی، چاپ اول، دارالمرتضی للنشر، مشهد، بی‌تا. ۴۵ - قطب، محمد. جاهلیت قرن بیستم، ترجمه: صدرالدین بلاغی، چاپ چهارم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰. ۴۶ - قمی، شیخ عباس. نفس المهموم، تحقیق: رضا استادی، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۴۰۵ ه. ق. ۴۷ - قمی، عبدالله بن جعفر حمیری. قرب الاسناد، مکتبه نینوا الحدیثه، تهران، بی‌تا. ۴۸ - قمی، علی بن ابراهیم. تفسیر قمی، تصحیح: سیدطیب جزایری، مکتبه المهدی، نجف اشرف، ۱۳۸۷ ه. ق. ۴۹ - قمی مشهدی، شیخ محمدبن محمد رضا. تفسیر کنزالدقائق، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۶. ۵۰ - قیومی اصفهانی، شیخ جواد. صحیفه الامام المهدی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۵. ۵۱ - کاشانی، ملافتح‌الله منهج الصادقین، چاپ سوم، کتاب‌فروشی اسلامی، تهران، ۱۳۶۴. ۵۲ - کلینی، محمدبن یعقوب. اصول کافی، ترجمه: سیدهاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اهل‌البيت علیه‌السلام، تهران، بی‌تا. ۵۳ - _____ . الفروع من الکافی، چاپ سوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷. ۵۴ - _____ . کافی، تصحیح و تعلیق. علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، دارصعب، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۱ ه. ق. ۵۵ - گوستاولوبون. تمدن اسلام و عرب، ترجمه: سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، چاپ چهارم، بنگاه مطبوعاتی علی اکبر علمی، ۱۳۳۴. ۵۶ - مجلسی، محمدتقی. بحارالانوار، چاپ دوم، دارالاحیاء التراث العربی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ه. ق. / ۱۹۸۲ م. ۵۷ - محمدی آشنایی، علی. حجاب در ادیان الهی، چاپ دوم، نشر یاقوت، قم، ۱۳۷۸. ۵۸ - محمدی اشتهاودی، محمد. زنان مردآفرین تاریخ، چاپ دوم، انتشارات نبوی، تهران، ۱۳۷۶. ۵۹ - مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی رحمه‌الله)، شرکت سهامی چاپ‌خانه وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۱. ۶۰ - مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی مدیریت مطالعات اسلام. فمینیسم (بولتن مرجع ۴)، تهران، انتشارات بین‌المللی المهدی، ۱۳۷۸. ۶۱ -

مصاحب، غلام حسین. دایره‌المعارف فارسی، انتشارات فرانکلین، تهران، ۱۳۴۵. ۶۲ - مصباح یزدی، محمد تقی. تهاجم فرهنگی، تحقیق و نگارش: عبدالجواد ابراهیمی، چاپ اول، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله؛ قم، ۱۳۷۶. ۶۳ - مطهری، مرتضی. مسأله حجاب، چاپ پنجاه و دوم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۹. ۶۴ - _____ . نظام حقوق زن در اسلام، چاپ بیست و هشتم، صدرا، تهران، ۱۳۷۹. ۶۵ - معین، محمد. فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۰. ۶۶ - مغنیه، محمدجواد. الکاشف. ۶۷ - مقدم، محمد بن احمد بن اسماعیل. الحجاب لماذا؟، چاپ دوم، دارطیبه، مکه مکرمه، ۱۳۱۶ ه. ق / ۱۹۹۵ م. ۶۸ - مقری فیومی، احمد بن محمد بن علی. مصباح المنیر، چاپ اول، دارالهجرة، قم، ۱۴۰۵ ه. ق. ۶۹ - مکارم شیرازی، ناصر (و دیگران). تفسیر نمونه، چاپ هشتم، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۶۹. ۷۰ - مکنون، ثریا و مریم صانع پور. بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام، چاپ دوم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴. ۷۱ - مکی، حسین. تاریخ بیست ساله ایران، چاپ اول، انتشارات علمی، ۱۳۶۳. ۷۲ - موسوی خمینی، سید روح‌الله تحریر الوسیله، چاپ دوم، مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، قم، بی تا. ۷۳ - مهریزی، مهدی. زن، چاپ اول، نشر خرم، قم، ۱۳۷۷. ۷۴ - نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام، چاپ هفتم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۲ ه. ق. ۷۵ - نوری، میرزا حسین. مستدرک الوسائل، چاپ اول، تحقیق و نشر مؤسسه آل‌البیت علیه‌السلام لایحیاء التراث، مشهد، ۱۴۰۷. ۷۶ - ویل دورانت، واریل. تاریخ تمدن، ترجمه: اسماعیل دولتشاهی، چاپ اول، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۸. ۷۷ - هندی، حسام‌الدین. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ ه. ق / ۱۹۸۹ م.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید

نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... (د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر (ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و (و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) (ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... (ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... (ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

